

# جزوه زنان کارگر

## تاریخچه مبارزاتی زنان کارگر جهان و ایران

“آنچه در عرصه رقابت موجب کاهش مزد نیروی کار مردان می شود کار زنان نیست بلکه سوذجویی سرمایه داران علت این مسئله است. سوسیالیستها قبل از هرچیز باید بدانند که بردگی یا آزادی اجتماعی به وابستگی و یا عدم وابستگی اقتصادی بستگی دارد.

کسانی که بر روی پرچم خود آزادی، که بیانگر سیمای انسانی است، را نوشته اند، حق ندارند نیمی از نوع بشر را از طریق وابستگی اقتصادی به بردگی سیاسی - اجتماعی محکوم کنند. همانگونه که کارگران زیر یوغ سرمایه داران گرفتارند زنان نیز زیر سلطه مردان اند؛ تا زمانی که وابستگی اقتصادی زن از بین نرود این انقیاد پا برجا خواهد ماند. شرط اجتناب ناپذیر برای این عدم وابستگی اقتصادی، کار است. اگر بخواهیم از زنان مانند مردان انسانهای آزاد بسازیم و آنان را صاحب حقوق برابر و عضو جامعه گردانیم، نباید حق کار زنان را از بین ببریم و یا آن را به غیر از موارد خاص، کاملاً محدود و استثنائی، محدود نماییم. زنان کارگری که برای برابری اجتماعی می رزمند رهائی خود را از جنبشهای زنان بورژوا که ظاهراً برای حقوق زن تلاش می ورزند، طلب نمی کنند. این خانه از ماسه ساخته شده و پایه های واقعی ندارد. کارگران زن بر این باورند که مسئله رهائی زنان برای خود یک مسئله جداگانه نیست، بلکه بخشی از مسائل بزرگ اجتماعی کنونی است و برایشان کاملاً روشن است که در موقعیت امروزی جامعه این مسئله هرگز قابل حل نخواهد بود، مگر اینکه تغییری بنیاتی در جامعه انجام شود.” کلارا زتکین



بر گرفته از: نشریه  
کارگر سوسیالیست  
کانون سوسیالیستهای  
کارگری  
**نوشته: سحر صبا**  
اردیبهشت ماه 1395

## مطالب مندرج در این جزوه:

- |    |  |    |  |
|----|--|----|--|
| 29 | توسعه سرمایه داری و زنان کارگر در عصر قاجار          | 3  | - مقدمه  |
| 30 | - پروسه صنعتی شدن ایران در دوره رضاشاه               | 3  | - تاریخچه زنان کارگر جهان و ایران                        |
| 32 | -یک نگاه تاریخی به تشکلهای کارگری ایران              | 9  | -اولین اتحادیه زنان کارگر در آمریکا                      |
| 35 | -کارگران زن بخش خدماتی وکشاورزی                      | 11 | - زنان کارگر و جنبش کارگری                               |
| 36 | -پرستاران و معلمان:                                  | 12 | - نقش زنان کارگر در انقلاب اکتبر                         |
| 36 | -زنان کارگر دستفروش                                  | 15 | -تاریخچه وضعیت زنان کارگر در کشورهای در حال توسعه        |
| 38 | -زنان کارگر کوره پزخانه ها                           | 17 | -نیروی کار زنان مهاجر                                    |
| 39 | -نتایج اجتماعی رانده شدن زنان از بازار کار           | 18 | -وضعیت زنان کارگر نسا جی هند                             |
| 40 | -موانع ورود زنان به بازار کار                        | 19 | -مبارزه کارگران صنایع نساجی هند در دو دهه گذشته          |
| 41 | -ایمنی محیط کار، بیماری ها و حوادث ناشی از کار       | 22 | -اعتصاب عمومی دو روزه صد میلیون کارگر در هند             |
| 43 | -دستمزد نابرابر زنان و مردان کارگر در ازای کار برابر | 24 | -مبارزه زنان کارگر نساجی در آسیا علیه مزد غیر عادلانه    |
| 45 | -کار انعطاف پذیر و نیمه وقت                          | 25 | -وضعیت زنان کارگر صنعت ماکیلادورای ( صنایع مونتاز) مکزیک |
| 46 | - کار مزد  | 25 | -تقویت نقش زنان در جنبش سندیکایی در ویتنام               |
| 47 | - تبعیض دستمزد در بخش غیررسمی حادثر است              | 26 | -کار زنان در معدن  |
| 49 | -ضرورت کار زنان در صنعت مدرن                         | 27 | -مبارزه زنان کارگر در هند                                |
| 52 | -تجارب شخصی و مبارزات زنان کارگر در کارخانجات ایران  | 28 | -نقش و جایگاه زنان کارگر و شاغل در کوبا                  |
| 58 | -تجارب زنان کارگر ( از کتاب یوسف افتخاری)            | 29 | -تاریخچه اشتغال زنان کارگر و تشکلهای آنها در ایران       |
|    | - نمونه ایی از مبارزات کارگری مهری پور فعال سندیکایی |    |  |
| 59 | ( برگرفته از: نشریه پیام سندیکا شماره 37 )           |    |  |
| 60 | -جمع بندی  |    |  |
| 65 | -سازمان یابی زنان کارگراله نور مارکس                 |    |  |



## تاریخچه زنان کارگر جهان و ایران

### سحر صبا

زنان کارگر میباشد، این وظائف خطیر را جلو روی ما سوسیالیستها و کارگران پیشرو طبقه کارگر می گذارد که از ابزارهای مختلف برای پیشبرد آگاه گری و متشکل نمودن کارگران و بویژه زنان کارگر تلاش نماییم. امید است این نوشته بتواند با بیان بخشهایی از تجارب کارگران زن جهان و ایران و همچنین تجارب کارگریم، در راه سازماندهی زنان کارگر موثر واقع شود. امید است ما هم در تداوم مبارزه و تجارب میلیونها زن کارگری که با مبارزات بی امان خود برعلیه نظام استثمارگر سرمایه سنتهای قوی مبارزاتی و کارگری از خود بجا گذاشته اند بتوانیم با استواری و جدیت قدمهای موثری برداریم. این نوشته را به تمامی زنان کارگری که در صف مقدم و همگام و همدوش با همسرانشان در یکی از بدترین و سیاه ترین برهه تاریخی از نظر اقتصادی-سیاسی و اجتماعی برای متحقق شدن خواسته هایشان مبارزه می کنند، تقدیم می کنم. به امید اینکه برای رهاییمان از اینهمه نکبت و فلاکتی که سرمایه برای ما و طبقه امان آفریده، با اتحاد و متشکل شدن و فشرده شدن صف طبقاتیمان بتوانیم به مبارزه سراسری و جدی بپردازیم.

### بخش اول:

در قرن هیجده با شکل گیری نظام سرمایه داری طبقه کارگر از زنان و مردان تشکیل می شد و نیروی کار زنان برای سرمایه بسیار سودآور بود. سرمایه داران بمنظور کاهش دستمزد و هزینه و سطح دستمزدها، از نیروی کار ارزان زنان و کودکان استفاده میکردند. کار روزانه زن کارگر از ساعات معمولی طولانی تر، محل کار کثیف و شرایط کاری ناامن و خطرناک بود و آزار جنسی و تجاوز زنان را تهدید میکرد

زن به عرصه صنعت قدم گذاشت با این امید که درآمد خانواده را افزایش دهد و کار زنان در صنعت با توسعه صنعت مدرن به یک ضرورت تبدیل شد و با هر تکامل



### مقدمه:

این نوشته بر این تلاش است یک گوشه هایی از واقعتهای تاریخی جنبش زنان کارگر در سطح جهان و ایران را بازگو نماید. ما شاهد هستیم تغییر و تحولاتی که در زندگی و ساختار اقتصادی- سیاسی جوامع مختلف سرمایه داری در سطح جهان و از جمله ایران صورت گرفته، بیشتر از آنکه در جهت رفاه و بهبودی طبقات فرودست عمل کرده باشد، ماحصل آن فقر و فلاکت، بی خانمانی، بیکاری و جنگ و خونریزی را بهمراه داشته است. دول امپریالیستی و سرمایه جهانی برای مهار کردن بحرانهای اقتصادی و ممانعت از بوقوع پیوستن جنبشهای انقلابی و انقلاب با تمام توان بر این قصدند که با اجرای سیاستهای نئولیبرالی، به جنگ افروزی و تقویت هر چه بیشتر ارتجاع اسلامی، جهان و از جمله خاور میانه را به سوی بربریت سوق دهند. در این فضای بشدت نابرابر و غیر انسانی که اولین قربانیان آن طبقه کارگر و طبقات فرودست هستند، زنان به عنوان نیمی از جمعیت هر جامعه و زنان کارگر بعنوان بخش وسیعی از طبقه کارگر از قربانیان صف مقدم این توحش سرمایه، از تجاوز و خشونت گرفته تا بیکاری، گرسنگی و اعتیاد می باشند. از آنجائیکه رهایی کل بشریت از اینهمه جنایت و نابرابری که امروز با آن روبرو است، در گرو حضور فعال طبقه کارگر و بویژه



## جزوه زنان کارگر



از نظر اقتصادی ارزش کمتری از مرد نداشت و زیر دست او نبود، بلکه همسان او بود. ولی سرمایه دار تنها به این راضی نبود که از نیروی کار زنان بهره کشی کند، بلکه با استفاده از وجود زنان نیروی کار مردان را نیز به شکل کاملاً اساسی استثمار نمود. بهمین دلیل، با افزایش کارگران زن بورژوازی به رقابت بین کارگران مرد و زن دامن زده، و کارگران مرد به اشتباه کارگران زن را رقیب خود می دانند.

در همه‌ی جوامع، به ویژه در کشورهای در حال توسعه مشاغل بی‌شماری هستند که معمولاً زنانه و بی‌مزدند، کارهایی چون پخت‌وپز، نظافت، شست‌وشو، فراهم کردن نیازهای اولیه‌ی خانه، مراقبت از کودکان، بیماران و سالمندان. این‌گونه از کارهای بی‌مزد را حتا زنانی که هم در خارج از خانه کار می‌کنند باید انجام دهند. بخش اعظم زنان جهان، به علت اشتغال یابی در رشته‌های مختلف و موقعیت و جایگاه اجتماعی اشان به طبقه کارگر تعلق دارند.

در انجام کارهای سخت و طاقت فرسا و شرایط کاری بد، زنان اکثریت قریب بالاتفاق را شامل میشوند؛ برای مثال، در صنایع پوشاک و لباس، کارهای خدماتی، کارهای زنجیره ای در کارخانجات کارگران زن درصد بالایی از اشتغال را در بر می‌گیرند، به ویژه در شاخه‌هایی از این صنایع مشاهده میشود که زنان، کار را نه در کارگاه، بلکه در درون خانه‌ی خویش برای کارفرما انجام می‌دهند.

به علت شرایط نا امن محیط کار اشتغال در صنایع به ویژه برای زنان متهل و از آن بدتر برای زنان باردار، دارای نوزاد شیرخوار، عواقب شومی را در پی دارد. چنین اشتغالی در دوران حاملگی، بیماری‌هایی ایجاد می‌کند که هم بر جنین و هم بر جسم زن باردار تأثیرات مخربی به جا می‌گذارد و سبب تولدهای پیش از موعد، سقط جنین، یا تولد کودک مرده میشود. مادر مجبور است هرچه سریع‌تر به کارخانه برگردد، تا کارش را از دست ندهد. نتایج بدیهی این امر برای کودکان بیچاره عبارت از کمبود مراقبت، غذای ناکافی و . . . است. پیداست که این کودکان با وجود همه‌ی این مصیبتها نمی‌توانند در محیطی آرام رشد یابند. بسیاری از کودکان بزرگ می‌شوند، بدون این که از عشق مادری و پدری لذتی برده باشند و محبت واقعی والدین خود را درک کنند. آنان این گونه به دنیا مییند، زندگی میکنند و می‌میرند.

وسائل تولید، در عصر جدید از ارزش و اهمیت کار مردان کاسته شد. هزاران هزار نفر از کارگران به خیابان پرتاب شدند. ارتش ذخیره ای از بیکاران تشکیل شد و مرزها بیشتر و بیشتر کاهش یافتند. جهانی شدن سرمایه تغییرات بسزائی در وضعیت شغلی و موقعیت اجتماعی زنان بوجود آورد، اشتغال زنان در همه مشاغل مختلف در سطح وسیعی گسترش یافت. بورژوازی با شناخت دقیقی که در وضع قوانین کسب سود دارد از استثمار نیروی زنان ثروتهای نجومی کسب کرده است. زن به این دلیل بهترین گزینه برای سود آوری است؛ زیرا در مقایسه با مردان دستمزد کمتر دریافت می‌کند، مطیع‌تر، منضبط‌تر و قانع تر می باشد و در رابطه با کار و تولید آسانتر استثمار میشود و از سود دهی بالایی برای سرمایه برخوردار است. توسعه ماشین‌آلات، ساده شدن پروسه‌ی کار از طریق توسعه‌ی بیش‌تر و بیش‌تر تقسیم کار، رقابت فزاینده‌ی سرمایه‌داران در بین خودشان و در بازار جهانی، رقابت جاری بین کشورهای صنعتی، انتقال سرمایه به مناطق دیگر جهان سبب گسترش زمینه‌های به کارگیری نیروی کار زنان شده است. این پدیده ای است که برای همه‌ی جوامع صنعتی مشترک و یکسان است.

با اشتغال زنان در مراکز صنعتی، زن از وابستگی اقتصادی به مرد رهائی پیدا کرد. زن شاغل صنعتی که جایگاهش در خانواده به عنوان زانده اقتصادی و وابسته به مرد دیگر غیرممکن می نمود در امر تولید جایگاهی پیدا نمود که خود نیروئی اقتصادی است و از نظر اقتصادی دیگر به مرد وابسته نیست. ولی اکنون که او از نظر اقتصادی به مرد وابسته نبود، هیچ دلیلی وجود نداشت که از نظر اجتماعی به او وابسته باشد. ولی این خود زن نبود که این عدم وابستگی اقتصادی را به وجود آورده بود، بلکه نظام سرمایه داری و سرمایه داران بودند. قدرت انحصار وسائل تولید به سرمایه دار اجازه می داد که فاکتورهای جدید اقتصادی را در اختیار بگیرد و امتیازهای ویژه ای را در عرصه فعالیت تولیدی بدست آورد. زن رهائی یافته از سلطه اقتصادی مرد به نیروی اقتصادی سرمایه داری وابسته می شود و از بردگی مرد، به بردگی کارفرما درمیآید. او تنها آقا و کارفرمایش را عوض کرده بود. تا اینجا زن در این تغییری که در وضعیتش بوجود آمده بود رو به جلو بود. او دیگر



## جزوه زنان کارگر



زنان کارگر مطرح شد و در اوایل قرن 19 بود که به سوی استقلال اقتصادی گام برداشتند. زمانی که نظام سرمایه داری و مناسبات اقتصادی آن حاکم شد، منافع خرده بورژواها دستخوش تغییراتی شد، نگرانی زنان طبقه متوسط را فرا گرفت و آنها با این مساله روبرو شدند که یا باید به دامان فقر بیافتند و یا کار کنند. و چنین بود که زنان بورژوا به دانشگاهها، کارگاههای هنری و ادارات و غیره روی آوردند و تمام شغلهای آزاد را کسب نمودند.

این نیازی نبود که بطور ناگهانی پدید آمده باشد، بلکه تامین نیازهای زندگی آنها را به کارکردن و ادار کردن. هنگامی که زنان بورژوا برای کار کردن گام برداشتند با مخالفت شدید مردان روبرو شدند. به عنوان مثال انگلستان به عنوان اولین کشوری که جنبش زنان بورژوا در آن شکل گرفت، در اواخر قرن هیجدهم، تعداد زیادی کارگاه و واحد تولیدی وجود داشت که زنان، مردان و کودکان بسیاری در آن کار میکردند.

در سال 1841 نزدیک به نیم میلیون کارگر زن در انگلیس کار میکردند. آنها بسیار فعالانه در مبارزه طبقاتی شرکت داشتند و از مبارزان جنبش چارتریستی بودند اجازه دادن به زنان برای شرکت در فعالیتهایی چون معلمی و کارمندی پست و تلگراف با حقوق کم، اولین بار به زنان بورژوا داده شد. در سال 1853 میلادی نمایندگی بین المللی تلگراف به زنان بخشیده شد. در سال 1846 اولین مدرسه آموزش عالی یعنی دانشسرای تربیت معلم برای زنان گشوده شد. در آمریکا و آلمان نیز با رشد صنعت و سرمایه داری، زنان وارد عرصه کار شدند.

ریشه تصویب قانون حمایت از زنان کارگر به جنبش چارتیستها باز میگردد. ترس از رشد جنبش کارگری باعث شد که در سال 1842 قانونی که کار مخفی و قاچاق را برای کودکان و زنان ممنوع میکرد اجرا شود. در ضمن قانون هشتم ژوئن سال 1884 در مورد کاهش ساعات کار زنان کارگر بود که ساعت کار آنها به 10 ساعت در روز تقلیل یافت. این خواستها فقط با مبارزه زنان کارگر عملی شد.

تاریخاً چالش و زمان زیادی را در بر گرفت تا مبارزه زنان به عنوان بخش جدایی ناپذیر مبارزه طبقاتی کارگر

به فعالیت مشغولند. زنان هنگامی که وارد بازار کار شدند و به استقلال اقتصادی دست یافتند، به حق و حقوق خود بیشتر آشنا شدند. روابط سرمایه داری، پایه های مادی زندگی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی زنان را متحول نمود و آنها را از نظر تاریخی وارد دوران جدیدی نمود. اما سرمایه داران از دو جهت از نیروی کار زنان سود بردند، نخست اینکه مزد زنان را تا حد امکان ارزان پایه گذاری کردند و دوم اینکه از طریق رقابت، مزد مردان را نیز کاهش دادند. به همین شکل کار کودکان را ایجاد نمودند، که در مقابل آن مزد زنان را کاهش دهند. زنان به شرایط سخت و ناعادلانه خود دست به اعتراضاتی زدند. در زمان انقلاب کبیر فرانسه، اعتراض نسبت به وضعیت نامناسب اقتصادی و اجتماعی زنان به میزان زیادی برجسته و مورد توجه قرار گرفت، زنان در سازماندهی اعتراضات آن زمان، نقش مهمی ایفا کردند و فعالیت و مبارزه آنها چشمگیر بود. زندگی اکثر مردم با بحران و فقر و فلاکت مواجه بود. تن فروشی و فحشاء به طور چشمگیری افزایش یافته بود، تا جائیکه در اواخر قرن 18 میلادی تنها در شهر پاریس، 70 هزار زن تنفروش وجود داشت. وضعیت فلاکتبار آن دوران هر روز قربانیانی از زنان و کودکان را به همراه داشت. زنان کارگر به وضعیت موجود خود اعتراض نموده و خواستار زندگی بهتر و انسانی بودند. آنها مزد برابر در مقابل کار برابر با مردان، ممنوعیت ورود مردان به حریم کار زنانه و شرکت نکردن زنان در صنایع مادر که مخصوص مردان بود را خواستار شدند. زنان به خواستهای خود دست یافتند، سرمایه داری به علت نیازی که به نیروی کار زنان داشت چاره ای نداشت که به این خواستها تن دهد. نظام سرمایه داری زنان را تحت سلطه خود در آورد و آنها را استثمار میکرد، اما همزمان آنها را به سوی استقلال اقتصادی و مبارزه برای حق و حقوق خود سوق می داد. در حالی که کار در بیرون از منزل برای زنان ثروتمند ننگ و عار بود، زنان کارگر برای حق کار کردن مبارزه میکردند. زنان بورژوا در کنج منازل خود از سوی همسر، پدر یا معشوقه هایشان تامین میشدند و در وضعیت مناسبی زندگی میکردند، اما زنان کارگر در مبارزه ای طبقاتی بیرحمانه ایی برای کسب " نان و آزادی " می جنگیدند.

مساله حقوق زنان برای زنان سرمایه دار، بسیار دیرتر از



## جزوه زنان کارگر



نامعلوم صحبت می‌شود، وجود زنان مطرح می‌گردد. در رابطه با کار زنان و بویژه زنان کارگر لازم است به تاریخچه جنبش زنان کارگر و نقش آنها در تولید و مبارزاتی که در این راستا صورت گرفته در جهان و ایران مروری بنماییم

### تاریخچه اشتغال زنان در سطح جهانی

اشتغال زنان در خارج از خانه همانند سایر پدیده‌های اجتماعی در طی دوره‌های مختلف حیات بشر متحول گردیده است. زن از زمانهای گذشته تا به امروز غیر از خانه‌داری، در امور مختلف کشاورزی، دامپروری، صنایع دستی و حتی امور نظامی دوش به دوش مردان مشغول فعالیت بوده است ولی در دوره‌هایی که خانواده تک واحد اقتصادی بوجود آمد، فعالیت‌های تولیدی زن که در خانه و یا پیرامون آن انجام می‌گرفته است، جزء امور خانگی محسوب شده و زن در ازای آن کار- مزدی دریافت نمی‌کرده است

با وقوع انقلاب صنعتی در اروپای غربی و تبدیل کارگاه‌های خانگی به کارخانه و بکارگیری نیروی انسانی در روابط تولید و استفاده از ماشین



آلات، تحولات اساسی در شکل و مفهوم کار به وجود آمد و فعالیت اقتصادی زن از خانه به کارخانه کشیده شد. در این زمینه لازم است به این نکته اشاره نمود که اختراع ماشین بخار و تحول در صنعت، در قرن هیجدهم و نوزدهم نظام سرمایه‌داری را بدنبال داشت با جهانی شدن سرمایه و ظهور امپریالیسم رقابت جهانی شدت گرفت و به شکل بحرانهای ادواری ظاهر شد. زنان کارگر تحت عنوان یک بخش وسیعی از طبقه کارگر نقش عمده‌ای در تولید یافتند.

در واقع این ماشین و فعالیت صنعتی بود که زنان را به حیثه کار اجتماعی کشاند، و سبب استقلال اقتصادی آنها شد. پیدایش نظام سرمایه‌داری و کار در مراکز صنعتی و کارخانه‌ها این فرصت را به زنان داد که از نظر اقتصادی مستقل شوند، با این تفاوت که در گذشته عده بسیار کمی از زنان در پروسه تولید شرکت داشتند، اما امروزه درصد بالایی از زنان اکثر کشورهای جهان در بخشهای گوناگون

طبقه کارگر و کل جامعه می‌بینند، که سرمایه‌داران در رابطه با استثمار کارگران و خانواده‌های کارگری چه جنایت و فساد را مرتکب میشوند.

بعد از انقلاب صنعتی و ایجاد و گسترش کارخانه‌ها و کارگاه‌های مختلف، زنان بهترین گزینه از نظر نیروی کار ارزان برای صاحبان سرمایه و سرمایه‌داران بودند. به خصوص در صنعت نساجی زنان بیشتر از بقیه صنایع حضور پیدا کردند. کم‌کم زنان به دستمزد نا برابر و کار زیاد خود معترض شده و گروه‌ها و اتحادیه‌هایی را تشکیل دادند تا در برابر شرایط نابرابر کار و تبعیضات موجود مبارزه کنند

عدم تخصص و پایین بودن سواد زنان و فقدان تجربه کاری باعث شد آنان بیشتر به سوی کارهایی که نیروی غیر متخصص نیاز داشت، روانه شوند. بخش خدمات تا حدی

پذیرای این نیروها گردید. تمرکز در این بخش، برای زنان شانس کمتر برای یافتن شغل به دلیل رقابت بیشتر را به دنبال داشت. یکی از مشکلاتی که زنان در همه جوامع با آن درگیر هستند، مسئولیت پرورش فرزندان و اداره امور خانه می‌باشد. به واسطه این مسئله آنان

امکان دسترسی به تخصص و آگاهی در سطوح بالا را کمتر دارند و همچنین زمان کافی برای صرف در شغل و حرفه خود را ندارند. بنابراین ناچاراً به مشاغلی روی آوردند که هم نیاز به تخصص بالا نداشته و بتوان وقت کمتری را بیرون از خانه بران آن صرف نمود. آنان نسبت به مردان از اوقات فراغت کمتری برخوردارند زیرا به محض تمام شدن وقت کار در بیرون، خود را به منزل می‌رسانند تا به مراقبت از بچه‌ها و رسیدگی به امورات منزل بپردازند. شرایط نا برابر کار برای زنان نسبت به مردان چه از جهت استخدام، دستمزد و امکان ارتقاء به سطوح بالاتر، باعث می‌شود اشتغال زنان ویژگی‌هایی داشته باشد که با توجه به ساختار اقتصادی و اجتماعی هر جامعه فرق می‌کند.

با آنکه زنان نقش مهمی در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی دارند ولی کمتر از آنان سخن به میان می‌آوردند، تنها آنجا که از مشاغل ثانوی، تخصص کمتر، دستمزد پایین و آینده



## جزوه زنان کارگر



1875 زنان کارگر کارخانه‌های نساجی نیویورک با خواست کاهش ساعات کار و افزایش دستمزدها دست به تظاهرات‌هایی در سطح شهر زدند. این تظاهرات در سال‌های 1906-1908، علاوه بر خواسته‌های قبلی، با خواسته‌هایی چون حق رأی برای زنان، کلاسهای آموزشی و ممنوعیت کار کودکان تکرار شدند و همانطور که مشاهده میشود در ادامه این مبارزات مداوم و رشد جنبش کارگری بود که روز جهانی زن ۸ مارس که یک واقعه مهم تاریخی است بوقوع پیوست و برسمیت شناخته شد.

در دوران جنگ‌های اول و دوم جهانی بود که رقابت امپریالیستها و دولتهایشان بر سر تقسیم بازارهای جهان شکل گرفت، در طول این جنگها هنگامی که مردان در جبهه‌های جنگ مشغول جنگیدن بودند، زنان در سطح وسیعی به کار تولید گمارده شدند. ورود زنان به عرصه‌های کار و تولید اجتماعی، آنها را متوجه تبعیض‌های جنسی و

طبقاتی موجود در جامعه، که علیه آنها اعمال می‌شد، نمود و سبب اعتراضات اجتماعی و مبارزه طبقاتی آنها به وضعیت نابرابر موجود و تحقق مطالباتشان گردید

اگر در دوران رشد و توسعه سرمایه‌داری خواسته‌های زنان عمدتاً حول و حوش چهار چوب نظام سرمایه

داری و برای کسب خواسته‌های حقوقی دور می‌زد، با رشد هرچه بیش‌تر نظام سرمایه داری و شرکت گسترده زنان در کار و تولید اجتماعی، خواسته‌های این بخش از جامعه زنان از آزادی‌های صرفاً حقوقی فراتر رفته و مبارزه برای خواست‌های اجتماعی که برابری کامل حقوق مرد و زن در همه عرصه‌ها بر علیه نظام سرمایه داری را متضمن شود، متمرکز گردیده است.

البته در آن دوره در فرانسه، نظرات مخالفی با کار زنان موجود بود و ضدیت با کار زن در سطح اتحادیه‌ها هم مطرح شد به طوری که در آغاز هر بار که زنی به استخدام موسسه‌ای درمی‌آمد دست به اعتصاب می‌زدند و بر این تلاش بودند که کار زنان در کارخانه‌ها را نه یک کار مستقل بلکه یک «کار مکمل مردان» برشمرده و مزد آنها نیز یک «مزد مکمل» محسوب شود. مفهوم «مزد مکمل» به معنی

کارگری در اختیار مردها بود. فقط بنا به این دلیل آن‌ها نان‌آور خانواده محسوب میشدند، بیرون خانه کار می‌کردند و از نظر اقتصادی بر خانواده خود تسلط داشتند و در مقابل زنان یا مادران شاغل نبودند و از نظر مالی و اقتصادی درآمدی نداشتند و فقط موظف بودند کارهای خانگی را انجام دهند و از آنجائیکه شاغل نبودند از این رو نمی‌توانستند به عضویت اتحادیه‌ها و تشکلات کارگری در آیند. سرانجام برخی از جوامع صنعتی به دنبال مبارزه‌ای درازمدت و تلاشی سخت، زنان را به‌عنوان کارگران مزدبگیر در اشکال گوناگون برسمیت شناختند و به اهمیت اقتصادی کارهای بی‌مزد خانگی پی بردند. از سال 1970، نقش زنان در نیروی کار و تولید افزایش یافت و تقریباً در بیشتر جاها زنان به اشتغال در خارج از خانه دست یافتند. در آغاز، در دوران مبارزاتی کارگران در اروپا بعد از انقلاب صنعتی، تقلیل در ساعات‌های کاری از خواسته‌های

اصلی کارگران نبود. کار در کارخانه‌ها که بر عهده‌ی بخش وسیعی از زنان و کودکان بود، آن‌هم با دستمزدی بسیار نازل، هیچ قانونی نداشت و ساعات کار به ده تا شانزده ساعت هم می‌رسید. در سال ۱۸۴۷ در انگلستان این مسئله مورد توجه قرار گرفت به همت مبارزات

زنان کارگر، ساعات کار زنان و کودکان را به ده ساعت در روز کاهش دادند. در فرانسه، بعد از انقلاب فوریه‌ی 1848 کارگران با تلاش زیاد موفق شدند ساعات کارشان را به دوازده ساعت در روز برسانند.

در آوریل 1871 در فرانسه هنگام تشکیل کمون پاریس که "اتحادیه زنان برای دفاع از پاریس و مراقبت از زخمیان" نامیده شد توسط زنان کارگر و خیاط تشکیل شد. هزاران زن کارگر عضو این اتحادیه بودند که فعالانه از کمون دفاع می‌کردند. اما عمر کوتاه کمتر از سه ماه اولین حکومت کارگری جهان، فرصت این را که خواسته‌های زنان به طور مشخص مطرح و پی‌گیری شوند نداد. اتحادیه زنان نیز در واقع در راستای اهداف عمومی و استراتژیکی جنبش کارگری که همان براندازی مناسبات سرمایه داری و برقراری حکومت کارگری بود فعالیت می‌نمود. در سال





## جزوه زنان کارگر



انجام دادند. جنبش زنان کارگر رشد سریع خاصی را در آن سالها آغاز کرد. به همین دلیل، می توان بدون اغراق اظهار کرد که فقط در اروپا تعداد زنان کارگر سازمانیافته بیش از یک میلیون بود. بی شک، مبنای این سازماندهی موفق، یک عامل عینی اقتصادی بود با رشد سریع کارگران صنعتی زن، که به خصوص در کشورهایی با اقتصاد سرمایه داری پیشرفته و نسبتاً جوان رویرو بودند قابل ملاحظه بود. اما، در کنار این عامل عینی، یک نقش عمده را نیز تاثیر فعال و آگاهانه حزب بر روی توده های زنان و با کار تخصصی و نظام مند در سالهای پیش از جنگ، بود که توسط سازمانهای حزبی تمامی کشورها بویژه کشورهای اروپایی با انرژی و از روی فکر انجام یافت.

انگلستان از همان آغاز قرن نوزدهم مهد جنبشهای اتحادیه ای زنان کارگر بود. ( زنان بافنده لانکاشایر در اوایل سال 1824 به اتحادیه بافنده ها پیوستند.)،

در خلال سالهای 1970-1979، برای اولین بار برای وحدت اتحادیه های مخصوص زنان کارگر در " مجمع برای حمایت از کار زنان" تلاش به عمل آورد ( بعدها مجمع اتحادیه های صنعتی زنان- مجمع اتحادیه اصناف)، و به این طریق، این جنبش به هم پیوند خورد و متمرکز شد، اگر زنان کارگر انگلیس اولین کسانی بودند که به

مبارزه اقتصادی دست زدند و به دفاع از آن به پا خاستند، بموازات آن، سوسیال دمکراسی در آلمان در بطن خود اواسط دهه «حامل جنبش سیاسی و حزبی زنان کارگر بود.

1890 را می توان یک نقطه عطف دانست. در کنگره حزب سوسیال دمکرات در گوتا در سال 1896، و با اصرار کلارازتکین، جهت کار اژیتاتوری خاص و مستقل در میان زنان، مبنای کار مطرح شد. در همان سال، در کنگره بین المللی سوسیالیستی لندن، نخستین جلسه ی سی زن سوسیالیست با نمایندگی برای کنگره بین المللی از انگلیس، آلمان، آمریکا، هلند، بلژیک و لهستان برگزار شد. این کنفرانس آغاز تلاش نسبتاً کم برای احیای جنبش سوسیالیستی زنان در کشورهای دیگر بود این جلسه خصوصی بیش از همه مسئله ی ارتباط بین فمینیسم بورژوازی و جنبش سوسیالیستی زنان را بررسی میکرد. در

پرداخت مزد کمتر به کارگران زن بود و به سرمایه داران این امکان را می داد که از قیل کار زنان به حداکثر سودهی دست یابند. و در موقع بیکار سازیها زنان در صف مقدم قرار داشتند و اولین کسانی بودند که اخراج می شدند. خروج زنان از بازار کار نیز به کارگران مرد امنیت خاطر می داد. این در حالی بود که بین 40 الی 50 درصد زنانی که در شهر زندگی می کردند مجرد بودند و جز استفاده از نیروی کار خود راهی برای ادامه حیات و معاش نداشتند و بسیاری به علت نداشتن کار مجبور به تن فروشی بودند. تعداد این زنان در قرن نوزدهم در پاریس و لندن شمار چشمگیری را تشکیل می دادند

در چنین شرایطی زنان به علت اوضاع نابسامان خود و ستمی که بر آنها روا میشد از همه اقشار سر به شورش برداشتند. زنان کارگر علیه مزد کم، بیکاری، دشواریهای که

به آنها واگذار می شد و سایر زنان علیه

محرومیت از تمامی حقوق اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دست به اعتراض زدند. ضرورت تغییر نظام اقتصادی و اجتماعی ای که خانواده های کارگری را از پای درمی آورد در نظریات سوسیالیست ها و در جنبش های اجتماعی قرن نوزدهم بیان شده است. در این میان مهمتر از همه مشارکت زنان در مبارزات و جنبش های انقلابی



قرن نوزدهم است. بدینسان در نیمه قرن نوزدهم زنان جنبش اجتماعی خود را تقویت و تشدید نمودند. زنان ضمن درخواست کسب حقوق سیاسی، خواهان حقوق اقتصادی بودند و در این راستا زنان کارگر پیشنهاد اصلاح و بهبود شرایط کارگاهها و کارخانه ها را ارائه داده و خواستار ایجاد مهدکودک برای کودکان در محلهای کار و تأسیس سازمان آموزش حرفه ای توسط خود کارگران شدند. در مقابل از سوی دولتهای حاکم سرمایه و کارفرماها مخالفت های شدیدی با مبارزات زنان ابراز شد. با این حال یک پیروزی نصیب زنان شد و آن حق کار بود، حق کار به عنوان حق همه شهروندان به رسمیت شناخته شد.

در اوائل قرن نوزدهم در بسیاری از کشورهای اروپایی تشکیلاتهای حزبی با همت سوسیالیستها شکل گرفت، که در امر سازماندهی زنان و بویژه زنان کارگر خدمات ارزنده ای





## جزوه زنان کارگر



آورده شده بودند، دقیقاً مانند جهنم بود. زنان کارخانه حدوداً روزانه نزدیک به 13 ساعت کار میکنند. شرایط کاری از شرایط دهقانان فقیر ایرلند و یا سرفه‌های روسی که در روی زمینهایشان کار میکردند هم بدتر بود. تعدادی از کارگران جوان زن که کارشان را با جمع آوری قرقره های ماشینهایی ریسندگی شروع کرده بودند و از سرو صدای محیط کار بشدت متنفر بودند، آروز میکردند امکان ادامه تحصیل داشتند و به این کار مشغول نمیشدند.

در سال 1834، موقعیکه صاحبان کارخانه تصمیم گرفتند دستمزدها را کاهش دهند، کارگران زن کارخانه بطور متشکل و متحد دست به اعتصاب و اعتراض زده و به مبارزه برخاستند. آنها متحدانه بطرف چند کارخانه نساجی دیگر رفتند و کارگران این کارخانجات را تشویق نمودند به آنها ملحق شوند. آنها مصممانه اعلام کردند ما تا تغییر حاصل در دستمزدهایمان به سر کارهایمان باز نمی گردیم. هیچکس تا آنروز چنین حرکتی را ندیده بود. از آنجائیکه تعداد زیادی از کارگران به وضع موجودشان اعتراض کردند و در اعتصاب شرکت داشتند، کارفرماها و صاحبان کارخانه از این حرکت وحشت کرده بودند. آنها تصمیم گرفتند آن را سرکوب کنند. کارفرمایان کارخانجات ریسندگی با قدرتی که داشتند و نیرویی که بکار گرفتند توانستند اعتصاب را سرکوب کنند. در عرض یک هفته این کارخانجات دوباره در ظرفیت کامل شروع بکار کردند. دومین اعتصاب کارگری در سال 1836 صورت گرفت دوباره اعتصاب بر سر دستمزدها شکل گرفت، اگرچه کارگران زن کارخانجات صنایع ریسندگی این بار متحدتر و متشکلاتر و با تعداد بیشتری به میدان آمدند و به اعتصاب دست زدند، اما در آخر اعتصاب آنها سرکوب و شکست خوردند.

هر چند کارگران زن نساجی شکست خوردند اما عقب نشینی نکردند. در سال 1840، آنها با استراتژی متفاوتی که با مبارزه سیاسی همراه بود به میدان آمدند. تشکل کارگران زن نساجی لاول خواهان تقلیل ساعات کار به 10 ساعت کار در روز شدند. زنان منچستر در حالیکه حق رای نداشتند، اما باعث نشد آنها اعتراضات کارگری خود را متوقف نمایند. آنها نامه ایی اعتراضی در رابطه با خواستههایشان در سال 1845 ترتیب دادند که 2000 نفر آن را امضاء نمودند. سال

دو تصدیق شد، و به آژیتایسیون سوسیالیستی خاص در بین زنان کارگر به منظور کشاندن آنها به سمت صفوف حزب کل طبقه تمایل نشان دادند.

پیشنهاد زنان سوسیالیست آلمان در رابطه با تاسیس کمیته مجزای بین المللی زنان را پذیرفتند، که پیوند بین سازمانهای زنان کارگر را در همه کشورها تقویت میکرد.»

با وجود اهمیت موفقیتهای سازمانی اتحادیه ی اصناف زنان کارگر در انگلستان، از آنجائیکه مبارزه زنان در چارچوب خواسته های اقتصادی تعریف میشد، این جنبش یک مشی تنگ نظرانه اقتصادی داشت. درباره وظائف اجتماعی و سیاسی کلی آزادی زنان، درباره منافع حیاتی زنان کارگر به عنوان زن و مادر، در اتحادیه های مجزا یا مختلط هیچ بحثی صورت نمی گرفت. نه تنها در انگلستان، بلکه، همچنین در کشورهای دیگر همچنین، زنان کارگر، ضرورتاً، تنها به علت منافع و خواستههای اقتصادی بلادرنگ خود در جنبش صنفی شرکت میکردند. در انگلستان در سال 1812 شورشهای ناتینگهام برای تثبیت قیمت گندم توسط زنانی هدایت شد که خواستار تثبیت قیمت گندم برای هر واحد مقیاس معادل 6 پنس بودند. زنان از سال 1830 وظیفه رهبری اتحادیه کارگری را عهدهدار شدند و همچنین رهبری جریان اعتصابات کارگری سالهای 1843 و 1844 را به دست گرفتند. بعلاوه زنان انگلیسی در محیطهای کاری و شغلی خود در ایجاد سازمانهای سندیکایی و اتحادیه ایی قدرتمند مشارکت جستند و با متشکل شدن خود شیوه مبارزه مؤثرتری را اتخاذ نمودند.

### اولین اتحادیه زنان کارگر در آمریکا

در سال 1830، در نیمه اول قرن هیجده در آمریکا قبل از اینکه جنبشهای اجتماعی برای حق و حقوق کارگران بهتر شناخته شده باشد، زنان کارخانه نساجی لاول، دست به اعتصاب و فعالیتهای سیاسی زدند، این زمانی اتفاق افتاد که زنان حتی حق رای نداشتند. اما زنان کارگر اولین تشکل اتحادیه ای خود را ایجاد نمودند.

توده های کارگر کارخانجات نساجی لاول، بطور گسترده ایدر محلی که بکار گرفته شده بودند کار میکردند، اما این محل کار برای زنان جوان کارگر که از اطراف نیو انگلند



## جزوه زنان کارگر



انجام بدهند و دشمنان طبقاتی خود را وادار به عقب نشینی نمایند. در آمریکا، کارگران زن هم راجع به ساعات کار، پائین بودن دستمزدها، سرعت و فشار کار و همخوابگی اجباری با کارفرماها و اذیت و آزار جنسی به افشاگری و مبارزه پرداختند. این وقایع نشان می‌دهد که در سال 1840 زنان کارگر به احقاق حقوق پایه‌ای خود بیشتر آشنا شده و آن را مبنای مبارزه برای احقاق خواسته‌های خود قرار دادند. در این راستا زنان به مبارزات خود علیه تبعیضات جنسی و کسب مطالباتشان، دست به اعتصاب میزدند و متشکل میشدند. بدین سان در ایالات متحده انجمن کار زنان توسط کارگران نیوانگلند تأسیس گردید. از سال 1850 زنان آمریکایی خود را در درون اتحادیه‌ها و سندیکاهایی که فقط به مردان اختصاص داشت متشکل نمودند، در حالیکه رهبری این تشکلهای صرفاً با مردان بود به عنوان نمونه در صنایع نساجی با وجودی که نصف کارگران این صنایع را مردان تشکیل می‌دادند اما رهبری سندیکاهای آن صد درصد با مردان بود. بدین ترتیب در آمریکا همانند اروپا زنان موفق شدند حق کار خود را با مبارزه سرسختانه از خارج و داخل به سندیکاها و اتحادیه‌ها تحمیل کنند.

در اوایل قرن بیستم با وقوع جنگ جهانی اول تعداد زیادی از زنان در اکثر کارخانه‌ها و بویژه کارخانه‌های اسلحه‌سازی فرانسوی و انگلیسی و غیره به کار گماشته شدند تا جانشین مردانی شوند که به جبهه‌های جنگ اعزام شده بودند. در چنین شرایطی دیگر بورژوازی بدون در نظر گرفتن تمایزاتی بین کارگران مرد و زن، زنان کارگر را جایگزین مردان کارگر نمود زیرا به نیروی کار زنان نیاز داشت. تسهیلاتی از جمله ایجاد مهد کودکها برای نگهداری کودکانی که مادرانشان به کار اشتغال داشتند ایجاد شد. در طول این دوره زنان کارگر به مبارزات برای مطالبات و خواسته‌های خود ادامه دادند. به طوری که در سال 1916 زنان در کارخانه‌های اسلحه‌سازی دست به اعتصاب و اعتراض زدند. این کارگران خواهان افزایش دستمزد خود بودند و پیگیرانه به اعتصاب خود ادامه دادند. نتیجه این مبارزات کارگری که بیشتر از جانب زنان سازماندهی شده بود به افزایش دستمزد زنان و مردان کارگر منجر گردید.

**زنان کارگر و اتحادیه‌های کارگری (سازمانهای زنان کارگر در قرن نوزدهم)**

بعد از آن امضاءها دو برابر شد. و از قوه مقننه ایالات منچستر خواهان ساعات کار 10 ساعت در روز شدند. آنها برای رسیدن به این خواسته به اعتراضات خود ادامه دادند. آنها تلاش نمودند در شهرهای دیگر ایالات منچستر که کارخانجات ریسندگی داشتند کارگران زن این کارخانجات را حول شعار 10 ساعت کار متشکل نمایند و تصویر دستگاههای کارخانجات و موقعیت اسفبار- کار زنان کارگر در این کارخانه‌ها را به نمایش گذاشتند. آنها قبل از اینکه قوه مقننه قانونی را به تصویب برساند همگان بر وضعیت بد کارگران تاکید نمودند. در ضمن، آنها کمپینی را بر علیه نماینده دولت که یکی از مخالفان قوی اعتراضات و اعتصابات کارگری بود براه انداختند باعث شد به آسانی او را به عقب نشینی واداشته و شکست بدهند.

کارگران زن کارخانجات نساجی لاول در کوتاه مدت، موفقیت زیادی بدست نیاورند. آنها دو اعتصابشان در رابطه با دستمزدهایشان با شکست مواجه شد. اما آنها در نهایت موفق شدند ساعت کاریشان را از 13 ساعت به 10 ساعت تقلیل دهند.

در طول یک دوره طولانی، کارگران زن کارخانجات لاول شروع به انتقال تجارب مبارزاتی خود در سطح کشوری نمودند. کسی این سنتهای ارزنده مبارزاتی را به آنها نیاموخته بود، آنها در طول مبارزه آموخته بودند و با اتحاد طبقاتی خود نشان دادند کارفرماها براحتی نخواهند توانست کارگران را با هر شرایط کاری که بخواهند استثمار نموده و در موقعیت نابرابر قرار دهند و هر تصمیمی بخواهند برای آنها بگیرند و آن را عملی نمایند. آنها آموختند چطور صف طبقاتی خود را متشکل نمایند، بهم ببینند، همدیگر را حمایت نمایند و برای خواسته‌هایشان مبارزه کنند و بجنگند.

امروز، میلیونها نفر از زنان کارگر متشکل در اتحادیه‌ها و تشکلهایشان به فرزندانانشان این درسهای مبارزاتی را می‌آموزند، بر علیه اخراج شدنهای می‌جنگند، کارگران اخراجی را به سر کار باز می‌گردانند مدیون کارگران زن کارخانجات نساجی لاول هستند که پیش‌تاز شدند و این سنتهای مبارزاتی را بنیان نهادند. آنها با حرکت قدرتمند اعتراض و اعتصاب متشکل کارگری خود به بورژوازی آمریکا این درس را دادند که زنان معمولی قادر هستند که با اتحاد طبقاتی خود حرکت‌های فوق العاده و فراموش نشدنی را



## جزوه زنان کارگر



اتحادیه کفاشان و صنایع نساجی در تمام منچستر، نیویورک، و پنسیلوانیا در سال 1830 و اعتراض به دستمزدهایشان، ساعات کار روزانه 12 ساعت دست به اعتراض و اعتصاب زدند. این اتحادیه های زنان کارگر در آن زمان اتحادیه های رادیکالی بودند که با شرکت مستقیم کارگران برای تحقق خواسته هایشان مبارزه می نمودند.

همانطور که قبلا اشاره نمودیم، کارخانجات صنایع نساجی کارخانجات لاول از اولین کارخانه هایی بودند که برای حق و حقوق زنان کارگر به مبارزه برخاستند. اما بمرور که کارخانجات دیگر شروع بکار کردند و نیروی کار زنان کارگر بیشتر به کار گمارده شد. صاحبان سرمایه به رقابت بین کارگران زن و مرد دامن زدند و با استفاده از موقعیتی که پیش آمده بود دستمزد کارگران زن را تقلیل داده و به فشار کاری افزودند. در سال 1834، 1836، و 1842

کارگران نتوانستند تغییری در اوضاع و شرایطشان بدهند، تا اینکه در سال 1846، که انجمن زنان کارگر کارخانجات لاول تغییر شرایط را در دستورش قرار داد، صدها کارگری که اعتراض نمودند توسط اقتشار دیگر جامعه مورد حمایت قرار گرفتند. در واقع در مارس سال 1941، پس از



شکست فرانسه، وزیر کار گرفتن نیرو از میان زنان را شروع کرد که از بسیاری جهات اجباری بود. این امر براساس شرایط سنی و با انتخاب جوانترین زنان آغاز شد. هدف بسیج زنان در صنایع اسلحه سازی بود. استخدام زنان 20 تا 30 ساله که تحت پوشش سازمان کار قرار می گرفتند، برای کارفرمایان بخش خصوصی ممنوع اعلام شد. در سال 1944 حدود 765000 زن در صنایع مختلف و سرویسهای خدماتی مشغول کار بودند. در سال 1942 تقاضا و نیاز به کار زنان به قدری بود که از ورود دختران جوان به دانشگاهها ممانعت به عمل میآمد. برای کسانی که تحصیلات خود را ادامه می دادند محدودیت سنی معین شد. برای زنان انگلیسی که تحت این بسیج قرار می گرفتند تسهیلات استثنائی همچون کار نیمه وقت، کار درخانه، مهد کودک، کودکانستان فراهم شد. در ایالات متحده در سال 1942 کمیسیون کار جنگ

در سال 1863، در شهر نیویورک سازمانی بنام نیویورک سان، برای مبارزه با دستمزدهای عقب افتاده و دیگر خواسته های زنان کارگر تشکیل شد و مبارزه نمود. این سازمان تا 50 سال بعد از آن هم فعال بود

همچنین در سال 1863، زنان در شهر توری از ایالات نیویورک اتحادیه رختشویی خانه هایی را سازمان دادند. زنان کارگر در این رختشویی خانه ها کار میکردند و به اعتصاب برای افزایش دستمزدهایشان دست زدند و در تحقق خواسته هایشان موفق شدند. در سال 1866، اتحادیه رختشویی خانه های زنان در طول اعتصابشان به این نتیجه رسیدند که به حمایت اتحادیه فلز کاران مردها پردازند و رابطه ای نزدیک در همبستگی با هم ایجاد نمودند. سپس اتحادیه کارگری محلی در سال 1866، ایجاد شد، این اتحادیه برای حق و حقوق زنان کارگر مبارزه می نمود.

اتحادیه کارگری محلی با اتحادیه های چاپ به مبارزه برای دستمزد و تغییر شرایط کاری و استانداردهای کاری به مبارزه ادامه دادند. اتحادیه های محلی کارگری در سال 1869، برای عضو شدن در اتحادیه های چاپ که اتحادیه های بزرگتری بودند درخواست نمود. اتحادیه چاپ تلاش نمود حق و حقوق

برابر زن و مرد را ضمن برسمیت شناختن مبارزه برای آن پردازد و سعی نمودند تشکلهای مستقل زنان کارگر در ضمن ادغام شدن در اتحادیه های کارگری چاپ در کنار مردان کارگر برای حقوق برابر خود به مبارزه ادامه دهند. در سال 1869، اتحادیه زنان کارگر کفاش در منچستر تشکیل شد که در سطح محلی برای دستمزد برابر در ازاء کار برابر مبارزه می کردند.

### زنان کارگر و جنبش کارگری

زنان همیشه در جنبش کارگری فعال بوده اند، بویژه زنان کارگر که طبقه کارگر را نمایندگی می کنند. در سال 1825، تشکل زنان کارگر بنام اتحادیه خیاطان نیویورک شکل گرفت، که بر علیه 16 ساعت کار در روز و دستمزدهای ناچیزی که دریافت میکردند به اعتراض دست زدند. زنان



## جزوه زنان کارگر



از جنگ را دوباره بازسازی نمایند. در تمامی عرصه های اجتماعی زنان آگاه و مبارز بدون وقفه به مبارزه ادامه می دادند با این هدف که مذاکره با رهبران قیامهای ضد استعماری هند و چین و الجزایر را جایگزین جنگ کنند. زنان کارگر و طبقه میانگین در تظاهرات عظیم و اعتصابات برای صلح در هند و چین و الجزایر شرکت جستند و بیشتر به امر مبارزه انترناسیونالیستی پرداختند، در این میان زنان روشنفکر و روزنامه نویس به افشاگری از وضعیت مردم هند و چین و الجزایر دست زدند و اجحافات و ظلمهایی که بر مردم این کشورها روا داشته شده بودند را بازگو کردند.

به طور خلاصه می توان گفت در طی بیست سال پس از جنگ جهانی دوم، دولتهای سرمایه داری کشورهای توسعه یافته غرب بیشتر هدفشان استفاده از نیروی کار ارزان زنان بود. در این کشورها جامعه در خدمت رشد استعدادهای بالقوه زنان نبوده بلکه زنان بیشتر در خدمت سرمایه برای سودهای بیشتر بوده اند. آنها از نیروی کار زنان در زمان جنگ در تولید و در ارتش استفاده کرده اما زمانی که دیگر به آنها احتیاج نبود آنها را روانه خانه نمودند.

### نقش زنان کارگر در انقلاب اکتبر

بدون شک انقلاب اکتبر 1917، یک دگرگونی عظیم و نقطه عطفی در مسیر رهایی زنان محسوب می-شود. تاریخ بشر به طور مشخص تا آن زمان چنین تغییر بنیادی را در رهایی زنان را تجربه نکرده بود. زنان بطور گسترده- به ویژه زنان کارگر از پیشروان این انقلاب بودند. انقلاب فوریه 1917، انقلابی که به انقلاب سوسیالیستی اکتبر منجر شد و مسیر تاریخ قرن بیستم را رقم زد، زنان کارگر و دهقان نقش موثری در پیروزی و به ثمر رساندن آن ایفا کردند.

برای نخستین بار در طول تاریخ جهان، انقلابی به وقوع پیوست که رهایی زن، آگاهانه در دستور کار آن قرار گرفت. یکی از دستاوردهای مهم انقلاب این بود که در همه-ی عرصه-های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی حقوق زن و مرد برابر اعلام شد. به رسمیت شناختن حق رای، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق طلاق و ممنوع شدن ازدواج اجباری، آزادی سقط جنین، از میان برداشتن تفاوت حقوقی میان کودکان "مشروع و نامشروع"، برابری

تقاضای 4000000 نفر نیرو اضافه نمود. در وهله اول این افراد را از بین بیکاران مرد جذب نمودند اما از سال 1943 به بعد لازم شد که از طریق روزنامه و رادیو درسراسر کشور از زنان آمریکایی کمک بخواهند. همانند انگلستان تسهیلاتی به زنان اعطاء شد و تعداد زنان آمریکایی که به کار اشتغال داشتند، از 10 میلیون نفر در مارس 1941 به 18 میلیون نفر در اوت 1944 رسید. 16 میلیون نفر در بخشهای صنعتی و خدماتی و 2 میلیون نفر در بخش کشاورزی بکار اشتغال داشتند.

در کشورهای غربی از زنان بخاطر مشارکت آنها در تولید و نیز مقاومت در برابر فاشیسم تجلیل به عمل آمد. وزیر کار انگلستان در دسامبر 1945 اعلام داشت: «زنان در طول جنگ کاری بس سترگ و شایان تحسین انجام دادند و امروز هم به همان اندازه به آنها نیاز داریم». اما بورژوازی از نیروی زنان فقط در جایگزینی موقت با مردان استفاده نمود، بعد از آنکه مردان به سر کارهایشان برگشتند، همه زنان را به خانه فرستادند تا جایی برای مردان از جنگ برگشته باز شود. زنان مجبور به پذیرش مزد کمتری از مردان شدند تا بتوانند شغل خود را حفظ کنند. برای اینکه کار زنان را کم اهمیت جلوه دهند، شروع به پیشداوری هایی در مورد کار زنان متأهل نمودند، این توطئه های سرمایه نتوانست مانع جدی ای باشد که زنان کارگر متأهل انگلیسی را به عقب نشینی وادارد، بلکه آنها مصمانه با آن مقابله و مبارزه کردند.

در ایالات متحده آمریکا برای بازگرداندن زنان به خانه، نبرد جدی از طرف زنانی که آنها را جانشین مردانی که به جبهه جنگ رفته بودند و بازگشته بودند درگرفت. صاحبان سرمایه فکر میکردند به آسانی می توانند زنان کارگر را از کار بیکار نموده و به خانه برگردانند. اما اخراج بیرحمانه زنان کارگر آن چنان انتظار می رفت به طور کامل صورت نگرفت و زنان آمریکایی به مبارزه برای حفظ مشاغل خود برخاستند. در انگلستان و ایالات متحده، امکانات و تسهیلات جمعی از جمله: مهدکودکها، کودکانها، غذاخوریهای در مدارس و کارخانه ها که به منظور تسهیل کار زنان ایجاد شده بودند دوباره پس گرفته شد. در فرانسه زنان علاوه بر مبارزات کارگری درگیر مبارزه ضد استعماری بودند که جنبشهای اجتماعی زنان قبل



## جزوه زنان کارگر



داشتند. زنان کارگر تمایلی به عضویت در حزب یا سندیکاهای کارگری نداشتند. برای مثال در سال 1907، فقط درصد کمی از اعضای سندیکای صنایع نساجی را کارگران زن تشکیل می-دادند که درصد ناچیزی در مقایسه با زنان کارگر شاغل را شامل میشد. در کنگره-ی ششم حزب بلشویک در سال 1917، از تعداد 171 نماینده، فقط ده تن از نمایندگان، زن بودند. حتا پس از انقلاب یعنی در سال 1922، تعداد زنان عضو حزب درصد پائینی را شامل میشدند.

شکست انقلاب 1905، با سرکوب و رکود در فعالیتهای سیاسی همراه بود. این وضعیت تا اعتلای دوباره-ی جنبش کارگری در روسیه ادامه داشت. طی سال-های 1910 تا 1914، تحولی در جنبش کارگری این کشور اتفاق افتاد. در بسیاری از اعتصاب-های کارگری، زنان کارگر مطالبات مشخص خود را طرح -کردند. حتا برخی از اعتصاب-های بزرگ در اعتراض به برخوردهای مردسالارانه و توهین آمیز سر کارگرها و یا کارکنان بخش اداری کارخانه-ها نسبت به زنان کارگر آغاز شد.

در سال 1913، اولین مراسم هشت مارس، روز جهانی زن در روسیه علیرغم فضای پلیسی برگزار شد و بالای هزار نفر در آن مراسم شرکت کردند. پیش از این مراسم، روزنامه پرآودا (ارگان بلشویک-ها) ستونی را به چاپ نامه-های زنان کارگر اختصاص داد. به پیشنهاد لنین به دلیل افزایش مطالب برای این ستون، نشریه-ی جداگانه-ای به نام "زنان کارگر" انتشار یافت. این نشریه مورد استقبال قرار گرفت و در سطح وسیعی پخش شد و تا شروع جنگ جهانی اول، چند شماره ی نشریه-ی "زنان کارگر" انتشار یافت.

شروع جنگ امپریالیستی، تأثیرات تعیین کننده-ای بر زندگی زنان کارگر داشت. از یک سو به دلیل شرکت مردان در جنگ تعداد زنان کارگر روبه فزونی گذاشت و از سوی دیگر جنبش کارگری که طی اولین ماه-های جنگ با دشواریهای بسیار و رکود و سرکوب روبرو شده بود، توسط زنان کارگر دوباره فعال شد و به میدان آمد. روحیه-ی انقلابی در میان زنان کارگر گسترش چشمگیری یافت. در همان دوران، زنان کارگر "شورشهای نان" را در سن پترزبورگ و مسکو آغاز

دستمزد میان زن و مرد، به رسمیت شناختن مرخصی دوران بارداری و ایجاد مهد کودک-ها و... مجموعه-ای از قوانین انقلابی بودند که به رهایی زنان یاری رساندند. این انقلاب کارگران زن را با جنبشهای توده ای عظیم و مبارزه برای تحقق کمونیسم آشنا کرد. انقلاب در روسیه برای زنان برابری کامل سیاسی و شهروندی فراهم آورد. این انقلاب مطالبات زنان کارگر تمام کشورها یعنی حقوق مساوی برای کار مساوی را تحقق بخشید.

بلشویک-ها در مورد مسئله-ی زنان و بویژه سازماندهی زنان کارگر با دشواریهایی، روبرو شدند. در نتیجه، کمونیست-ها و سوسیالیستها بدون نگرش عمیق و همه جانبه از این تجربه-ی بزرگ بشری نمی-توانند به درک درستی از --مسئله-ی زنان دست یابند.

اگر روسیه 1918 را با کشورهای پیشرفته-ی سرمایه-داری آن زمان مقایسه کنیم به عمق دستاوردهای انقلاب اکتبر در مورد زنان پی میبریم. زنان، در اکثر کشورهای جهان حق رای نداشتند. در فرانسه، مهد انقلاب بورژوایی تا پس از جنگ جهانی دوم، یعنی حدود سی سال پس از انقلاب اکتبر هنوز زنان از حق رای محروم بودند و حدود نیم قرن پس از آن یعنی تا سال 1974، سقط جنین در این کشور غیر قانونی بود.

انقلاب اکتبر، چشم انداز نوینی به روی آزادی بشریت گسترده و معیارهای نوینی برای رهایی زنان ارائه داد. تا آن زمان هیچ انقلابی به این میزان نقش ارتجاعی و ستم بر زن را به چالش نکشیده بود. در همین انقلاب بود که روابط اجتماعی نابرابر که ناشی از ستم طبقاتی و جنسیتی بود به مصاف طلبیده شد. دیدگاه " آزادی جامعه بدون رهایی زن میسر نیست " این دیدگاه دیالکتیکی عمیق، حاصل پراتیک انقلابی میلیون-ها زن کارگر و دهقان در روسیه بود که به میدان مبارزه-ی طبقاتی گام نهاده بودند.

با گسترش صفوف زنان کارگر در مراکز تولیدی و صنعتی، نقش زنان در مبارزات کارگری برجسته-تر شد. کارگران طی اعتصاب-های پی در پی توانستند دولت تزار را وادار کنند که کار شبانه-ی زنان و کودکان را به طور قانونی لغو کند. با وجود اینکه زنان همانند مردان در انقلاب 1905 و اعتصاب-های کارگری شرکت



## جزوه زنان کارگر



کردند. در ژانویه 1917، در یک گزارش پلیس مخفی آمده بود که زنان، در مبارزه طبقاتی بیشتر از مردان در امر به تحقق رساندن انقلاب، مصمم تر و پیگیرترند. زنان کارگر سن پترزبورگ در انقلاب 1917، کمیته-های دفاع ایجاد کردند و اعتصاب به راه انداختند، اعتصاب-هایی که به سرعت گسترش یافت و حزب بلشویک نیز با آنها همراه شد. 200 هزار کارگر به اعتصاب دست زدند و بدینسان انقلاب فوریه 1917، آغاز شد و به سرنگونی تزاریسیم ختم شد. در پی این انقلاب، حداقل دستمزد برای کارگران تعیین شد، 4 روبل برای زنان، 5 روبل برای مردان در حالی که پیش از آن، زنان نصف مردان دستمزد دریافت می-کردند. زنان در انقلاب فوریه نقش بسزایی ایفا کردند، دفتر زنان حزب تشکیل شد و نشریه-ی "زنان کارگر" دوباره انتشار یافت. تیراژ این نشریه به 40 تا 50 هزار رسید. این نشریه به افشای جنگ، افساء و مبارزه با کار کودکان، خواست هشت ساعت کار و مسایل مربوط به جنبش زنان کارگر در روسیه و خارج از آن پرداخت. حزب، کلوب-های بسیاری ایجاد کرد که فعال کردن زنان کارگر غیر حزبی از اهداف پایه-ای آن بود. در دوره انقلاب بلشویک-ها برای محدود کردن کار خانگی، تسهیلات عمومی از جمله: سازمان دادن مهد کودک-ها، رستوران-های عمومی، لباسشویی-های عمومی و ... را در دستور کار خود قرار دادند. طی سال-های 1919 تا 1920، درصد بالایی از جمعیت پتروگراد در رستوران-های عمومی غذا می-خوردند. این میزان در مسکو به حدود 65 درصد می-رسید. حزب و دولت کارگری نه تنها قوانینی را به نفع زنان به تصویب رساند، بلکه با سازماندهی و فراخواندن زنان، مبارزات توده-ای گسترده-ای برای تحقق اهداف خویش سازمان داد. طبق رهنمود لنین "رهایی زنان کارگر، مسئله-ی خود زنان کارگر است." بدین ترتیب اولین کنفرانس زنان بلشویک در 19 نوامبر 1917، فراخوانده شد که هشتاد هزار زن را نمایندگی می-کرد. یک سال بعد، اولین کنفرانس زنان کارگر با حضور 1147 نماینده ی زنان کارگر و دهقان از نواحی مختلف کشور برگزار شد. در این کنفرانس طرح-هایی برای رهایی زنان از قید و بند کار خانگی، آموزشهای زندگی کمونی و مبارزه

برای از بین بردن روسپی گری به تصویب رسید. مباحث اصلی این کنفرانس توسط الکساندرا کولنتای (که در دوره-ی جنگ امپریالیستی به بلشویک-ها پیوست) تدوین شد. لنین قاطعانه تاکید کرد: "تجربه-ی تمام جنبش-های انقلابی نشان داده که پیروزی انقلاب به میزان شرکت زنان در آن بستگی دارد." در هشتمین کنگره-ی حزب در مارس 1919، کولنتای تاکید کرد که ستم بر زنان موجب می-شود باید با «که زنان نتوانند در زندگی سیاسی شرکت کنند و شرایطی که منجر بر ستم بر زن می-شود مبارزه کنیم تا بتوانیم زن را از قید مادر بودن و کارخانگی آزاد نمایم. او همچنین افزود: اگر چه سوسیالیستها این را پذیرفتند که مسئله زنان جزء لاینفک مشکل اجتماعی کلی زنان، را تشکیل میدهد، اگرچه مدعی هستند که زن کارگر، بیش از همه، عضوی از طبقه ی نگاه داشته در بندگی و محروم از حقوق مدنی است، و در کوشش برای آزادی خود، باید بیش از هر چیزی برای رهایی کل طبقه خود مبارزه کند، همچنین علاوه بر این اصل اساسی، یک موضوع دیگر را هم باید تصدیق کرد. یک زن کارگر تنها جزء طبقه کارگر نیست، بلکه، در عین حال، معرف نیمی از کل نژاد بشریت است. سوسیالیستها همچنان که در مخالفت با فمینیستها، خواستار حقوق برابر برای زنان در دولت و اجتماع هستند، چشمانشان را بر این واقعیت نبسته اند که مسئولیتهای زنان در برابر جامعه اشتراکی و اجتماعی، تا حدی با مردان متفاوت خواهد بود. زن تنها کارگر و شهروند مستقل نیست، بلکه در عین حال، او مادر و حامل آینده است. این به مجموعه ای کلی از مطالبات خاص منجر میشود، در حیطه هایی مانند حمایت از کار زنان، تامین امنیت مادری و سالهای اول کودکی فرزندان، مساعدت در مسائل تربیت کودکان، و بازسازی خانه داری و مانند آن. اگر چه منافع طبقه کارگر به عنوان یک کل، جزء لاینفک ایجاد برابری سیاسی برای زنان کارگر است، اما فقدان واقعی حقوقی شان، حتی در کشورهایی که مردان کارگر از حقوق سیاسی برخوردارند، بر زنان، بالاخص شرایط ناخشنودی را تحمیل می کند. مشارکت با یکدیگر در یک اجتماع خاص، به زنان کارگر فرصتی برای تاثیر گذاری بر رفقای درون حزب را میدهد تا آنها را به مبارزه برای حقوق سیاسی زنان طبقه ی کارگر ترغیب کنند، و برای زنان حقوقی را کسب کنند که خود مردان از آن برخوردار هستند."



15

## جزوه زنان کارگر



سازمان های مالی و اقتصادی بین المللی نظیر صندوق بین المللی پول و بانک جهانی نقشی مهم در این روند ایفا می کنند و با فشار آوردن به کشورهای در حال توسعه و ادغام آنها در بانک جهانی پول، آن ها را وادار به خصوصی سازی صنایع و کاهش مزایای اجتماعی و سرویسهای خدماتی و رفاهی می کنند. در نتیجه این طرحهای نئولیبرالی، میزان قابل توجهی از زنان بیکار شده به کارهای نیمه وقت، و یا کارهای مقطعه کاری بدون اینکه تحت پوشش قانون کار و بیمه های اجتماعی باشند، اشتغال می یابند و در شرایطی نا امن کار میکنند. برای مثال در هند ۹۴ درصد زنان کارگر در بخش غیررسمی شاغل اند. در ماکوئیلادوراها یا مناطق آزاد تجاری در آسیا، آمریکای لاتین و آفریقا که تعداد آن ها به بیش از ۷۰ درصد می رسد شرایط کاری غم انگیزی حاکم است حدود ۵ میلیون نفر در سراسر جهان در این مناطق آزاد کار می کنند که ۹۰ درصد آنان را زنان تشکیل می دهند. کارگران ماکوئیلادوراها در شرایط غیرانسانی و بدون استانداردهای کاری و با دستمزدهای بسیار پائین برای شرکت های چند ملیتی بزرگ پوشاک کار می کنند. محیطهای کاری کارگران غیر قابل تحمل، ساعات کاری طولانی، عدم حمایت های قانونی، عدم پرداخت مزد در ازای اضافه کاری و فقدان بیمه های بهداشتی-درمانی از ویژگی های این مشاغل محسوب می شود.

### متقاضی کار ارزان

عامل اصلی مهاجرت زنان به دلیل تقاضای کشورهای توسعه یافته و یا کشورهای عضو "شورای همکاری های خلیج فارس" است. سرمایه داری جهانی برای کسب سود بیشتر و استفاده از کارگر ارزان بخصوص آنها را به کشور میزبان ترتیب می دهند.

زنان کارگر مهاجر نخستین کسانی هستند که اخراج می شوند و معمولاً اتحادیه های کارگری، آن ها را به عنوان بخشی از طبقه کارگر که باید از حقوقشان دفاع کرد در نظر نمی گیرند. تحقیرآمیزترین بخشی که زنان مهاجر در آن مشغول به کارند، صنعت سکس است. این کارگران جنسی نظیر برده به فروش می رسند و در تمام کشورهایی که به آن ها وارد می شوند از هیچ گونه



### تاریخچه و وضعیت زنان کارگر در کشورهای در حال توسعه

زنان آسیا بعثت فقر مالی و درصد بالای بیکاری مجبور به مهاجرت هستند. واقعیت این است که آسیا به دو دلیل به یکی از مهم ترین نواحی دنیا تبدیل شده، نخست به خاطر جا به جایی سرمایه و کالا به اقصی نقاط جهان و در هم شکستن مرزها و دوم به دلیل جا به جا نمودن نیروی کار. نهادها و آژانسهایی که مهاجرت زنان در آسیا را به عهده می گیرند، با این عنوان که این مهاجرت برای آنها کسب تخصص و درآمد مکفی را در بر خواهد داشت، آنها را فریب داده و با این وعده و وعید های دروغین آنها را به جاهای ناشناخته و نو مهاجرت می دهند. اما زمانی که زنان به مقصد رسیدند با خطرات و مشکلاتی غیر مترقبه ایی روبرو میشوند، از جمله مواجه شدن با انواع گوناگون بهره کشی. در واقع سود سرمایه جهانی تعیین می کند این مهاجرت به چه شکلی صورت گیرد و بردگان سرمایه در کجا و با چه شرایط وخیم کاری به بردگی گرفته شوند. بیشتر این نیروی کار طبق شواهدی که امروز موجود است در کشورهایایی که نیاز به کارخانگی دارند به کار گمارده میشوند و یا در تولیدات پوشاک و لوازم منزل و تولیداتی که مصرف روزمره دارد. سرمایه با پرداخت نازلترین دستمزد به زنان کارگر نه تنها این کارگران را به بردگی تمام عیار وامیدارد، بلکه از قبل کار آنها سودهای نجومی به جیب میزند. اگرچه زنان در نظام سرمایه داری حاکم بر جهان به اشکال مختلف تحت استثمار قرار می گیرند اما وضعیت زنان در کشورهای در حال توسعه بسیار اسفناکتر است.



16

## جزوه زنان کارگر



خدمتی، با تحمیل بدترین شرایط به متقاضیان به استخدام کارگران مهاجر پرداخته و آنها را با ویزاهای موقت به خانه های ثروتمندان در کشورهای عربی خلیج فارس می فرستند. معمولاً مزد کارگران به واسطه ها پرداخت می شود که پس از کسر بخش عمده ای از آن، مبلغ ناچیزی به کارگران پرداخت میشود. واسطه ها، کارگران را فریب داده و مخارج بالایی برای ردیف نمودن ویزا و پاسپورت و غیره برای آنها رقم می زنند، بهمین دلیل اغلب کارگران و خانواده های آنها ناچارند متحمل قرض های کلان و بدهکاری به واسطه ها شوند. در امارات متحده عربی، به این واسطه ها "کفیل" گفته می شود که در چهارچوب قوانین این کشور عملاً از حقوق بسیار زیاد و حمایت های قانونی فراوان برخوردارند. طبق قوانین مهاجرت امارات،

خارجیان حق اقامت دائم در این کشور را ندارند و باید هر ۳ سال یکبار ویزای اقامت خود را از طریق پرداخت مبلغی تمدید کنند. این قانون "قانون کفالت" نام دارد و در اغلب کشورهای عربی خلیج فارس جاری است. بسیاری از کفیل ها و کارفرمایان با توجه به موقعیتی که در

سیستم سرمایه داری حاکم در این کشور پیدا کرده اند با سود جوئی وحشتناک از قبل کار زنان کارگر، آنها را وادار می کنند به کارهای ناخواسته و غیر انسانی و حتی فحشاء دست بزنند.

در این رابطه فیلمی در مورد یکی از قربانیان این نظام ضد کارگری سرمایه در رسانه های کشورهای مختلف منتشر شد. قربانی این تراژدی یک زن جوان کارگر مهاجر ایتالیایی به نام "اِلم دچاسا" است که در این فیلم چند مردکارگران زن به انتقال سرمایه به کشورهای در حال توسعه مبادرت ورزیده و همین منجر به تقاضا برای کار زنان و مهاجرت آنها شده است. تا پیش از اوایل دهه ۱۹۸۰، معمولاً زنان کارگر همراه با خانواده هایشان دست به مهاجرت می زدند. اما از آن پس تاکنون بنا به دلایل مختلف منجمله سودجویی سرمایه داران و تغییراتی که در



حمایتی برخوردار نیستند. نباید فراموش کرد که بخش بزرگی از این کارگران که به عنوان جمعیت خارجی محسوب میشوند اجازه اقامت ندارند. این بخش غیرقانونی، بخش مهمی از نیروی کار است. برای مثال می توان به زنانی اشاره نمود که عمدتاً به عنوان برده خانگی یا در صنعت سکس کار می کنند.

کشورهای حاشیه خلیج فارس، دارای قوانین مهاجرتی بسیار ارتجاعی و زن ستیزانه و ظالمانه ای هستند که دست کارفرمایان را برای استثمار شدید کارگران خارجی و ظلم و ستم به آنها کاملاً باز گذاشته اند. نخستین رفتار غیر انسانی و استثمارگرانه صاحبان کار در قبال کارگران خانگی در بدو ورود آنها، نگه داشتن پاسپورت و مدارک شناسایی آنهاست. این عمل در واقع به گروگان گرفتن کارگران خانگی و به استثمار گرفتن آنهاست.

عدم پرداخت حقوق کارگران، افزایش ساعات کار و از آن بدتر آزار و شکنجه جسمی و روحی آنها نمونه هایی از این اجحافات هستند. قوانین و فرهنگ ارتجاعی زن ستیزی این کشورها بمراتب بدتر و ظالمانه تر نسبت به کشورهای دیگر است، زنان کارگر خانگی به دلیل جنسیتشان،

بیشتر مواقع مورد استثمار و اذیت و آزار شدید کارفرماها و واسطه ها و پلیس و دیگر مأمورین دولت قرار می گیرند. استثمار شدید و بهره برداریهای جنسی و عدم اطمینان دائم از پرداخت دستمزدهای ناچیز این کارگران را با زندگی مشقت باری روبرو ساخته است. شکایت به صاحب کار و یا به مقامات رسمی آنها را با مجازات شدید مواجه خواهد نمود. از جمله این امکان وجود دارد که کارگر زنی که به مقاومت در مقابل تجاوز از طرف کارفرما دست زده، بطور غیر عادلانه به زندان محکوم شود.

در سیستم استثمارگرانه حاکم بر زندگی و کار کارگران خانگی، واسطه ها نقش بسیار مخرب و مهمی دارند. واسطه ها، افرادی سود جو هستند که از طریق واسطه گری و فروش کارگران خانگی به زندگی انگلی خود ادامه می دهند. آنها در چهارچوب قوانین مهاجرت ارتجاعی و ضدکارگری، بطور فردی و یا از طریق ثبت یک شرکت





17

Textile Industry in Gujarat

## جزوه زنان کارگرد



اند، هیچ گاه شهروندان خود را در مواردی که نیاز دارند مورد حمایت قرار نمی دهند. ناگفته نماند که قسمت عمده این درآمدهایی که از دسترنج شبانه روزی کارگران بدست آمده، توسط دستگاه سرکوب حاکم به مصرف سرکوب خود این کارگران و دیگر زحمتکشانشان تحت ستم می رسد. به عنوان مثال در سال ۲۰۰۰ بیش از ۲ میلیارد دلار از درآمدهای مالیاتی دولت بنگلادش از مزد ناچیز کارگران فقیر مهاجر بوده و نگاهی به اخبار کارگری این کشور، گواه مخارج کلانی است که دولت بنگلادش صرف سرکوب مبارزات کارگری در این کشور می کند. بنابراین، علیرغم منافع بسیار و درآمدهای کلانی که از قبل کار زنان کارگر خانگی نصیب کارفرماها و دولت کشور زادگاهشان می شود، این کارگران هم در چهارچوب قوانین مهاجرت کشور مهمان و هم در چهارچوب قوانین ضد کارگری کشور زادگاهشان شدیداً مورد ظلم و ستم قرار گرفته و آنچنان استنثار و تحقیر می شوند که بعضاً "برای رهایی از زندگی پر درد و رنجی که دارند، دست به خودکشی می زنند.

### نیروی کار زنان مهاجر

زنانی که به آن اندازه خوش شانس بوده اند که توانسته اند حق فروش نیروی کارشان را کسب کنند، معمولاً در حوزه های ویژه و تحت شرایط بسیار تبعیض آمیز کار می کنند. آن ها عمدتاً در خطوط مونتاژ و بسته بندی در صنایع الکترونیک، نساجی و صنایع غذایی مشغول بکارند. در عرصه کارهای خدماتی نیز زنان مهاجر کارهایی با پایین ترین دستمزد نظیر نظافت و خدمتکاری را برعهده دارند. معمولاً کشورهای وارد کننده نیروی کار قوانین تبعیض آمیز و ضد انسانی را برای مهاجران وضع می کنند. این کارگران نیاز به مجوز ویژه کار دارند که اخذ آن بسیار سخت است و خیلی آسان ملغی شده و از دست می رود. در نتیجه، آن ها به شدت وابسته به باندهایی میشوند که مهاجرت نشان داده می شود که در حال کتک زدن "اعلم" هستند، و او بی رمق و ناتوان در کف خیابانی در بیروت، زیر دست و پای آنها افتاده است. آنها بعد از کتک زدن "اعلم"، او را به زور به داخل اتومبیلی انداخته و به مقصد نامعلومی بردند. بعداً معلوم شد یکی از آن مردها که در

بازار سرمایه داری در اثر رشد "گلوبالیزاسیون" ایجاد شد و منجر به افزایش هرچه بیشتر فقر و گسترش ارتش ذخیره کار زنان به دلیل ارزانتر بودن نیروی کار آنها نسبت به مردها گشت تعداد زنان کارگری که به تنهایی مهاجرت می کنند، روز به روز در حال افزایش است. اکثر این زنان کارگرمهاجر به کشورهای عضو "شورای همکاری های خلیج فارس" مهاجرت می کنند. مهاجرت کارگران به این کشورها از اوایل ۱۹۸۰ بسیار افزایش یافته است. (شورای همکاری های خلیج فارس شامل کشورهای عربستان سعودی، بحرین، قطر، کویت و امارات عربی است.) شبکه های مافیایی تحت نظارت صاحبان سرمایه محلی و جهانی برای جذب نسل جدید کارگران مهاجر شکل گرفته است. در دوره شکوفایی اقتصاد سرمایه و کاهش بیکاری، از حضور این کارگران استفاده می شد تا سطوح دستمزدها را پایین نگه دارند و در دوره رکود اقتصادی همچون شرایط فعلی آن ها باید تاوان بحرانهای اقتصادی سرمایه داری را بدهند.

مهمترین دلیلی که منجر به رشد تقاضا برای کار زنان کارگر (بخصوص کارگران خانگی) شده، ارزان بودن آنها و مزد بسیار ناچیزی است که به آنها پرداخت میشود. رشد اقتصادی طبقه سرمایه دار چپاولگر در کشورهای نفت خیز، از یک طرف و تشدید بحران اقتصادی نظام سرمایه داری در سالهای اخیر که منجر به فقر و فلاکت بیشتر توده های کارگر و زحمتکش کشورهای تحت سلطه گشته از طرف دیگر باعث شده زنان کارگر این کشورها به بازار کار جهت فروش نیروی کار ارزان خود رو آورند. طبقه سرمایه دار و خانواده های دارا در کشورهای نفت خیز جزء اولین مشتریان این نیروی کار ارزان می باشند. آنها از این کارگران برای انجام کارهای منزل و نگهداری از کودکانشان با پرداخت مزدی بسیار ناچیز استفاده می نمایند.

کارگران مهاجر و بخصوص کارگران مهاجر زن که منبع درآمد مهمی برای طبقه سرمایه دار و دولت حامی آن در کشورهای زادگاه خود هستند، نیز مورد ظلم و ستم مضاعف قرار می گیرند. بطور مثال، دولت های جنوب و جنوب شرقی آسیا که بزرگترین صادرکنندگان کارگر مهاجر هستند و از این طریق درآمد کلانی به دست آورده



## جزوه زنان کارگر



وضعیت زندگی و کار کارگران زن مهاجر خانگی به مثابه بخشی از کل طبقه کارگر دنیا، انعکاسی از ماهیت ضد انسانی و استثمارگرانه نظام سرمایه داری در سطح جهانی است. شرایط زندگی کارگران و زحمتکشان جهان، به روشنی چهره کریه سیستم سرمایه داری و ماهیت ظالمانه و سرکوبگرانه آن را آشکار نموده و بیش از پیش بر ضرورت متشکل شدن کارگران و مبارزه بر علیه این سیستم ضد بشری مهر تأیید می زند.

با بررسی مختصری بر زندگی زنان کارگر خانگی، می بینیم که چگونه این بخش از زنان کارگر، تحت ستم ترین انسانها در نظام سرمایه داری جهانی بوده و چگونه طبقه سرمایه دار از طریق اعمال وحشیانه ترین کار بردگی و استثمار بر آنها، بر سود سرمایه خود می افزاید. از این روست که همچنان، تقاضا برای کار کارگران خانگی مهاجر در کشورهای خاورمیانه روبه افزایش است، هیچ نشانی از بهتر شدن وضعیت آنها، نه در کشورهای محل تولدشان و نه در کشورهای مقصد دیده نمی شود. در نتیجه مبارزه برای بهبود وضعیت کارگران مهاجر و دفاع از مطالبات و خواستههای آنها و افساء این همه توحش و بربریت سرمایه از وظایف سوسیالیستها و پیشروان جنبش کارگری جهانی می باشد.

### وضعیت زنان کارگر نسا جی هند

در هند بخش زیادی از کارگران زن در صنایع مختلف بکار گمارده شده اند. اما نقش زنان و دختران جوان و بخشا کودکان دختر در صنایع نساجی و قالبیافی چشمگیر بوده و بالاترین درصد این صنایع را تشکیل می دهند.

صنعت نساجی یکی از صنایع قدیمی و پر در آمد برای سرمایه داری هند و سرمایه داری جهانی میباشد. این صنایع که در سطح جهان از دهه ۱۸ و ۱۹ به بعد رونق یافته است، به علت سود دهی فراوان برای صاحبان سرمایه و کمپانیهای بزرگ و شرایط نامساعد کار و استثمار شدید از طرف کارگران این صنایع با اعتراضات و اعتصابات وسیعی تا کنون همراه بوده است. در همان سالهای بدو وسیعی تا کنون همراه بوده است. در همان سالهای بدو شروع این صنایع و گسترش آن کارگران نساجی هند برای طبقه بندی مشاغل، عدم پرداخت دستمزدها، بیمه بیکاری، بیمه زایمان، برای حق و حقوق اتحادیه ایشان در محل کار

اذیت و آزار جنسی او نقش داشت یکی از صاحبان شرکت پیمانکاری است که "اعلم" را برای کارگری به لبنان آورده بوده است. چند روز پس از انتشار این فیلم، "اعلم" در بیمارستان خودکشی کرد.

آنچه بر سر "اعلم" آمد در واقع یک نمونه از هزاران نمونه از سیستم برده داری مدرن سرمایه جهانی است، که در نهایت قساوت و بربریت ستم، استثمار و بی حقوقی را به میلیونها انسان زحمتکش تحمیل نموده است. در کشورهای عنوان شده در مورد این کارگران قوانین بشدت ارتجاعی حاکم است، که هر روز زندگی دهها و صدها نفر را قربانی منافع پلید خود نموده و هستی و موجودیشان را بخطر می اندازند. در غیاب طبقه کارگر متشکل و حمایتهای کارگری اعلم و امثال اعلمها هر روز قربانیان این سیستم استثمارگر خواهند بود. ( این لینک فیلم این تراژدی است.)

<http://www.ethiopianreview.com/content/37513>

طبق بررسی هایی که توسط سازمان جهانی کار در رابطه با وضعیت زنان کارگر خانگی در ۴ کشور بحرین، کویت، لبنان و امارات متحده عربی انجام شده، مزد متوسط این کارگران در لبنان ۱۰۰ تا ۳۰۰ دلار و در امارات ۱۵۰ تا ۲۰۰ دلار در ماه برآورد شده است که با توجه به ساعات طولانی کار و شرایط کار آنها بسیار ناچیز و در حد بردگی است. در این کشورها، مزدی بابت "اضافه کاری" به این کارگران که گاه تا ۱۰۰ ساعت در هفته کار می کنند، پرداخت نمی شود. آنها معمولاً همه روزهای ماه کار می کنند و برخی از آنها فقط یک یا دو روز در ماه تعطیل هستند.

طبق گزارش کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل که معمولاً تمام حقیقت را بیان نمی کند، بیش از ۴۰ درصد از کارگران خانگی بحرین، مورد آزار و تنبیه بدنی و دیگر خشونت ها منجمله تجاوز جنسی، قرار می گیرند. بطور مثال، بیش از ۵۰ درصد از کارگرانی که در کویت توسط سازمان جهانی کار مصاحبه شدند، اعلام کرده اند که صاحبکارها و واسطه هایشان آنها را تحت انواع خشونت های شدید منجمله تجاوز جنسی قرار داده اند.



## جزوه زنان کارگر



اینکه بازار کار رونق بی سابقه ایی داشت و نیروی کار در صنایع نساجی گسترش یافته بود؛ اما شرایط کار برای کارگران سخت تر از قبل بود، جائیکه توده کارگران صنعتی متوجه نواقص و نارسائیهای کاریشان بخصوص سطح دستمزدهای پائین و ساعات کار طولانی شدند.

### مبارزه کارگران صنایع نساجی هند در دو دهه گذشته

کارگران نساجی به عدم امکانات خود در سال ۱۹۲۱ پی بردند، اگرچه کارگران از تشکل مستقل بی بهره بودند، تنها سازمانی ای که موجود بود " اتحادیه کار مدرس و انجمن احمد آباد" بود، که این سازمانها در ارتباط مستقیم با این صنایع زیر کنترل گاندی بود. در آتموق ۱۴۸ حرکت اعتراضی در صنایع کتان صورت گرفت که ۱۶۲۲۰۳ کارگر درگیر این مبارزات بودند. از سال ۱۹۲۱ مبارزه کارگران نساجی بطور مداوم و پیگیر ادامه داشته است، اعتصابات عمومی کارگران کتان در سالهای ۱۹۲۵ و ۱۹۲۸ از بزرگترین و مهمترین اعتصابات طبقه کارگر هند به حساب می آید.

مقاومت و استقامت با شکوهی که کارگران نساجی در سال ۱۹۲۵ از خود نشان دادند و به پیروزی آنها ختم شد، می توان به عنوان یکی از حرکتهای مهم طبقه کارگر جهانی از آن نام برد. این حرکت و کمپین از طرف حزب کمونیست هند تشویق و ترغیب میشد و علیه شعاری که صاحبان سرمایه می دادند که دستمزدها باید کاهش یابد، شورای عمومی کنگره اتحادیه های تجارت بریتانیا در اثر اعتراضات کارگری بر علیه متوقف نمودن کاهش دستمزدها به ایجاد صندوق مالی برای کارگران تن داد. این صندوق، در راستای حمایت از کارگران هند تاسیس شد، این واقعه ای مهمی در تاریخ جنبش کارگری هند بود. در طول سال ۱۹۲۶ یک عقب نشینی در مبارزه علیه یورش کارفرمایان صورت گرفت. تعداد زیادی از رهبران رفرمیست اتحادیه بر این نظر بودند که کمونیستهای اخلاگر بر روی کارگران تاثیر گذاشته اند. بنابراین، آنچه در گزارشی که از اتحادیه کارگران نساجی بمبئی در سال ۱۹۲۶ آمده بود: " در سال ۱۹۲۶ تقریباً ۲۶۰ شکایت



و کارخانه ها در ایالات مختلف هند، بطور پیگیر مبارزه و اعتراض نموده اند.

صاحبان سرمایه این صنایع در هند کارگران صنایع نساجی در بمبئی را تحت فشار گذاشته اند که فشارهای ناشی از کار طاقت فرسا و ساعت کار طولانی را تحمل نمایند، در دوره هایی که کارگران به وضع موجودشان دست به اعتراض و اعتصاب زده اند با سرکوبهای شدید توسط پلیس و ارتش محلی و دولت بریتانیا روبرو شده اند که سعی شده به هر طریق ممکن مقاومت کارگران را درهم بشکنند.

کارگران صنایع نساجی بمبئی با توجه به تجارب گذشته اشان با در نظر گرفتن شرایط مناسب در هر مقطعی تصمیم به اعتصاب گرفته اند. در گذشته پلیس و ارتش بطور بیرحمانه ایی اعتصاب کارگران را در هم شکسته اند. کارگران صنایع نساجی بمبئی، همیشه از سازماندهی مناسبی در امر مبارزه علیه سرمایه برخوردار بوده اند. مبارزه آنها بر علیه صاحبان کارخانه در سال ۱۹۲۰ در بمبئی، مدارس و دیگر شهرها با موفقیت روبرو بوده است، آنها چندین اعتصاب را برای کاهش ساعات کار و افزایش دستمزدها به انجام رسانده اند.

صاحبان کارخانه از استنمار کارگران نساجی سود سرشاری به جیب زده اند، در حالیکه میانگین دستمزد کارگران نود و نه سنت، در سال ۱۹۱۹، صد و دو سنت، در سال ۱۹۲۰، ۹۲ سنت و در سال ۱۹۲۱، ۹۳ سنت بوده است. حرص و آز سرمایه داران برای سود آوری بیشتر صنایع نساجی در دوره پس از جنگ مستقیماً تحت نظارت "کمسیون سلطنتی کار بریتانیا در هند" که صاحب بخشی از سرمایه جهانی است قرار داشته است.

صنایع نساجی در هند سود فوق العاده ای داشت، اما هیچ افزایش دستمزدی به کارگران تعلق نمی گرفت، با وجود



## جزوه زنان کارگر



کاری طاقت فرسا سلامتی کارگران جوان را بشدت بخطر انداخته و آنها ساعت ها بدون استراحت ایستاده مشغول بکارند. در بسیاری از اوقات به علت کمبود ماسک در محل کار آنها مجبورند بدون ماسک کار کنند. این مسئله باعث شده است که بسیاری از کارگران جوان از بیماری های ریوی رنج ببرند.

کارگران زن این صنایع معمولاً از دختران جوان خانواده های کارگری و کم درآمد جامعه تشکیل می شوند. کارفرمایان کارگران زن را مجبور به اضافه کاری می کنند و در کنار آن این کارگران مورد سوء استفاده جنسی و آزار و اذیت هم قرار می گیرند. استثمار وحشیانه کارگران این صنایع و اعتراضات موجود به بهبود شرایط کار و کاهش ساعات کار توجه بخشهای مختلفی از افکار عمومی جامعه هند را نسبت به این حقایق تلخ جلب نموده است و در این راستا اتحادیه های کارگری و سازمان های غیر دولتی زنان به دفاع از حقوق این کارگران زن پرداخته اند. از جمله سازمان های غیر دولتی زنان که در بخش نساجی هند مشغول به فعالیت می باشند سازمان غیر دولتی زنان سی وی دپ است.

در حدود یک دهه است که نهاد های موآنده تلاش دارند زنان کارگر بخش نساجی را حول مشکلات و خواستههایشان متشکل نمایند. برای مثال سازمان محلی موآندا سمینار های بیشمار و کارزارهای متعددی برای حل مشکلات زنان کارگر ترتیب داده است از جمله کارزار بر علیه آزار و اذیت در محل کار، ایجاد مهد کودک در محل کار، افزایش دستمزدها و....

سازمان موآنده در حال حاضر بنظر می آید بعنوان یک سازمان زنان کارگر گسترش یافته است. سازمان موآنده براین تلاش است زنان کارگر را در مقابل خشونت های خانگی و آسیب های محیط کار محافظت نماید. این سازماناز سوئی بعنوان اتحادیه زنان کارگر به مشکلات حقوقی زنان رسیدگی می کند و از سوی دیگر بعنوان سازمان زنان از حقوق زنان کارگر مهاجر در مقابل کارفرما دفاع می نماید. تقریباً ۹۰ درصد زنان کارگر نساجی هند در کنار کار طاقت فرسا مسئولیت خانواده و فرزندان را هم بر دوش می کشند.

موآنده تشکلی محلی است که از سوی سازمان غیر دولتی زنان سی وی دپ برای دفاع از حقوق زنان کارگر بخش

از کارگران در مورد وضعیت و شرایط کاریشان دریافت شده بود، و از این شکایتها فقط ۸۹ آن موفقیت آمیز بود. " رهبران اتحادیه همچنین از اینکه در گزارشاتی که دریافت کرده بودند از اینکه اشاره ای به وقوع هر گونه اعتصابی نشده بود متفخر بودند. اما همین رهبران مجبور بودند با ۵ اعتصاب در چهار کارخانه کنار بیایند. این رهبران موفق به تصمیم گیری برای آینده کارگران نساجی نشدند و با کمک دولت و صاحبان کار به کارگران حمله نمودند. رهبران اتحادیه خیلی افتخار می کردند که در هیچ کدام از این اعتصابات نقش نداشتند. در زمان تصمیم گیریها کارگران مجاز نبودند نمایندگان واقعی خود را برای شرکت در کنفرانس ژنو اعزام دارند، آنها شاهد بودند که وکیل های خرده بورژوا و روشنفکرانی که نمایندگی دولت را داشتند به نمایندگی از طرف کارگران در کنفرانس ژنو ظاهر میشوند.

### وضعیت زنان کارگر در کارخانجات نساجی هند در سالهای اخیر

با آغاز بحرانهای سرمایه در دهه ۱۹ به بعد از سال ۱۹۷۰ به این طرف در صنایع نساجی ۴۵ درصد از این صنایع و کارهای مربوط به آن حذف گردید که در نتیجه صدها هزار کارگر که اکثریت آنها را زنان تشکیل می دهند بیکار شدند. البته این بیکارسازیها در صنایع دیگر از جمله: در صنایع ساختمانی، صنایع فولاد و کشتی رانی هم درصد بالایی را شامل میشد. اما از آنجائیکه صنایع نساجی بیشترین درصد کارگران زن را در خود جای داده است. تاکید ما بیشتر روی این صنایع می باشد.

هم اکنون بیش از ۱۲۰۰۰۰ زن جوان در صنایع نساجی سومانگالی هند مشغول بکارند. بر طبق گزارش هایی که در سالهای اخیر از این مراکز منتشر شده، تصویری تکان دهنده از زندگی فلاکتبار این کارگران جوان را نشان می دهد: این گزارشها حاکی از کار شاق کودکان، اضافه کاری اجباری، عدم ایمنی و آلوده بودن محیط کار، کنترل کارگران موقع کار و بالا بردن سرعت و فشار کاری، ممنوعیت اعتصاب، فحاشی و تجاوز جنسی به کارگران توسط سرپرستان و نگهبانان و.... می باشد. کارگران زن از محل زیستی با استانداردهای بسیار پائین برخوردارند. از سه وعده غذای روزانه و کمکه های امدادی و بیمه در مقابل ساعات کار طولانی ۱۲ ساعت به بالا در روز خبری نیست. شرایط



## جزوه زنان کارگر



اسفناک زنان کارگر کارخانجات نساجی بدهند، و یک بسیج همگانی بر علیه صاحبان سرمایه، بورژوازی هند و بورژوازی جهانی را بوجود آورند "هوشار" کارزاری است که سازمان مؤانده سازماندهی نموده است و مفهوم آن هوشیاری و خود آگاهی است. تعداد بسیاری از کارگران زن در این کارزار فعال هستند. این کارزار بر علیه خشونت در محیط کار سازماندهی شده است. کارگران در حواشی کارخانه ها و محل های سکونت خود به اجرای تاترهای متفاوت بر علیه خشونت می پردازند و با بلند گو پیام خود را به کارگران دیگر می رسانند. همچنین برنامه های رادیویی سازماندهی گشته و با خواندن پیامها و سرود هایی از طریق این رادیو علت تجمع و اعتراض کارگران زن پخش میگردد. تا کنون از سوی این سازمان سه کارزار برگزار شده است که دلیل اصلی این کارزارها در رابطه با خودکشی کارگران زن بعلت خشونت ها و اجحاف به حقوق زنان در محیط کار و قتل زنان کارگر در خارج از کارخانه بوده است.

البته اشکال دیگری که در این نوع سازماندهی وجود دارد، این است که بورژوازی آگاهانه مسائل طبقه کارگر را زنانه و مردانه می نمایند، که بطور مشخص از طریق فمینیستها اعمال میشود. فمینیستها از این طریق فقط بر مسائل حقوقی زنان تکیه نموده و سعی می کنند از مبارزه زنان در کنار هم طبقه ایهای مردشان برای خواستهای طبقاتی و بنیادیشان ممانعت بعمل آورده، و از طرف دیگر انواع و اقسام خشونتها و زن ستیزی که در محیط کار بر زنان اعمال میشود و دقیقا این خشونت را بورژوازی و سرمایه هر روز برای سودی بیشتر تولید و باز تولید می کند زنان کارگر از چشم هم طبقه های مردشان ببینند و با ایجاد شکاف بین کارگران زن و مرد که یک منفعت مشترک دارند، فمینیستها دایه دلسوزتر از مادر برای احقاق حقوق زنان کارگر شده و با بیشترین خدمت به صاحبان سرمایه دین خود را به بورژوازی ادا نمایند.

امروزه، از یک طرف به علت پراکندگی در جنبش کارگری جهانی، و از طرف دیگر به علت خط رفرمیستی که بر اتحادیه ها و نهادهای کارگری حاکم است، کاملا مرز بین مبارزه طبقاتی مخدوش شده و کارگران در یک سر در گمی بسر میبرند. و برای برون رفت از این وضعیت نیاز به مبارزه طولانی دارد که مستلزم تقویت گرایش سوسیالیستی موجود در جنبش کارگری بوده و رسالت این



نساجی هند به وجود آمده است. سازمان غیر دولتی سی وی دپ ده ها سال است که برنامه های مختلف برای دفاع از حقوق زنان کارگر سازماندهی می نماید. باید گفت: این سازمانهای غیر دولتی الگوهایی هستند از نهادهای سی ال دبلو که ائتلاف بین سازمانهای کارگری زنان می باشد و با ا ف ال- سی ای او فعالیت مشترکی دارند.

سی ال یو دبلو ائتلاف اتحادیه کارگری می باشد نهادی غیرانتفاعی و حزبی است که وابسته به اتحادیه های

AFL-CIO است

سی ال یو دبلو اتحادیه کارگری زنان کارگر با ا ف ال- سی (CLUW) ای در ارتباط و همکاری نزدیک است.

ا ف ال- سی ای او نهادی است که حرکتهای فمینیستی و کارگری زنان را در آمریکا بهم متصل می کند. نهاد در رابطه با ( در رابطه با مسائل کارگری و فمینیستی زنان CLUW فعال هستند. (1)

این نهادها و سازمانها در ضمن اینکه تلاش می کنند یک سری اصلاحات برای بهبود وضعیت زنان کارگر در این صنایع ایجاد نمایند و به عنوان تشکل کارگران محسوب میشوند تا این حد مثبت است. اما این نهادها بطور واقعی تشکلهای مستقل کارگری نیستند که از پائین و توسط خود کارگران زن شکل گرفته باشد. از آنجائیکه این نهادها بطور گسترده در سطح جهان در حال فعالیت هستند، با استفاده از خط مشی و سیاستهای ضد کارگری بورژوازی جهانی که هدف آن اخته کردن مبارزه کارگران بر علیه سرمایه داران می باشد شکل گرفته اند. این تشکلهای و نهادها تا حالا توانسته اند با جا انداختن خط رفرمیستی میلیونها کارگر را در سراسر جهان در خود متشکل کنند. این نهادها و اتحادیه های کارگری صنایع نساجی هند که بیشترین درصد از کارگران زن را در خود متشکل نموده است با تبعیت از این خط مشی و سیاستهای رفرمیستی قادر نیستند تغییری اساسی در وضعیت



## جزوه زنان کارگر



دستمزدهای پرداختی به میزان ده هزار روپیه پوشش عمومی پیدا کرده و افزایش آن به شاخص قیمت ها، یا نرخ تورم، متصل شود، تضمین بازنشستگی برای همه، ثبت اجباری اتحادیه های کارگری در طی ۴۵ روز و تصویب کنوانسیون های شماره ۸۷ و ۹۸ سازمان جهانی کار، شرکت کردند. اتحادیه ها در چهارم سپتامبر ۲۰۱۲ در یک کنوانسیون ملی سراسری اتحادیه ای تصمیم گرفتند اعتصاب عمومی دو روزه را مشترکاً برگزار کنند. در اطلاعیه مطبوعاتی منتشر شده در روز بیستم فوریه توسط اتحادیه ها گفته می شود:

استقبال بی سابقه از فراخوان اعتصاب در سراسر کشور به عمل آمد. علیرغم خشونت شدید اعمال شده توسط پلیس، تهدیدات دولت و کارفرمایان و به کار افتادن ماشین سرکوب دولت های محلی ایالت های هند، اعتصاب عمومی در هر دو روز با موفقیت کامل برگزار شد. در این اعتصاب عظیم کارگری نقش زنان کارگر که بخش وسیعی را تشکیل می دادند بسیار چشمگیر و تعیین کننده بود.



### وضعیت زنان کارگر در صنایع پوشاک بنگلادش و استثمار بی رحمانه

نساجی یکی از صناعی است که اهمیت درجه اولی در اقتصاد بنگلادش دارد به همین دلیل تقریباً ۴۰ درصد نیروی کار کشور جذب این صنعت شده اند. هشتاد و پنج درصد از نیروی کار سه و نیم میلیونی بخش نساجی را زنان تشکیل می دهند. بخش اعظم این زنان بسیار جوان بوده و سن شان از چهارده سال به بالاست به صورت غیررسمی و قانونی به کار گرفته میشوند. زنان اگر شانس بیابند و بتوانند در مقابل استثمار وحشیانه دوام بیابند به طور متوسط تنها بیست سال در این رشته می توانند به کار ادامه دهند زیرا پس از این مدت به علت ناراحتیهای جسمی و بویژه بینائی، که علتش شدت کار و عدم تغذیه مناسب است، سلامتی زنان بخطر افتاده و از آن پس توسط کارفرمایان این دسته از کارگران به عنوان کارگرانی که بازده کاری صد در صد را ندارند از کار اخراج میشوند.

امر مهم بر عهده کارگران آگاه و سوسیالیست و سوسیالیستهای جنبش کارگری و فعالتر شدن آنها میباشد.

### اعتصاب عمومی دو روزه صد میلیون کارگر در هند

صد میلیون کارگر هندی در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه بیستم و بیست و یکم فوریه برابر با دوم و سوم اسفند در اعتصاب عمومی سراسری این کشور شرکت کردند. این اعتصاب در اعتراض به تورم بسیار بالای هند که قدرت خرید کارگران و تهیدستان هندی را به شدت کاهش می دهد، عدم اجرای قوانین کار و اجحافات و تبعیض های گسترده علیه کارگران هندی صورت گرفت. شرایط ضدانسانی تحمیل شده به کارگران و تهیدستان هندی حاصل با اجراء

نهادهای سیاست های نئولیبرالی توسط دولت هند به رهبری حزب کنگره است. دولت هند برای ارزان سازی هر چه بیشتر نیروی کار به شدت ارزان این کشور عملاً قانون کار را به حالت تعلیق در آورده، تمامی واحدها و بنگاه های پرسود دولتی را به سرمایه داران بخش خصوصی واگذار می کند، خدمات عمومی بسیار ضعیف این کشور را

بر می چیند و تیشه به ریشه یارانه های کالاهای ضروری کشوری زند. حاصل این سیاست های جهش قیمت ها و فقر روز افزون طبقه کارگر و اقشار وسیع تهیدست در شهرها و روستاهای هندوستان است.

یازده اتحادیه کارگری هند همراه با «فدراسیون مستقل کارگران و کارمندان هند» برای اولین بار به صورت مشترک در این اعتصاب عمومی با اعلام خواسته هایی از جمله: مطالبات ده ماده ای اتحادیه های کارگری هند عبارتند از: انجام تدابیری برای جلوگیری از افزایش قیمت ها، عملی ساختن تدابیری برای ایجاد اشتغال، اجرای بی چون چرای قانون کار، پوشش عمومی تامین اجتماعی برای کارگران متشکل و غیرمتشکل و ایجاد صندوق ملیتامین کارگران متشکل و غیرمتشکل و ایجاد صندوق ملی تامین اجتماعی، پایان دادن به توقف سرمایه گذاری در بخش بنگاه های عمومی و دولتی، پایان دادن به پیمانی کردن قرار دادهای کار دائم، پرداخت دستمزد و مزایای برابر در ازای کار برابر، اصلاح قانون حداقل دستمزد برای آن که کف



## جزوه زنان کارگر



دائم از طریق صاحب کارهای مرد مراکز تولیدی خود تحت آزار جنسی و مجازات قرار می گیرند. یکی از ضعف های کارگران زن فقدان تشکل و اتحادیه هائی است که از حقوق آنها دفاع کند. محل کار آنها اطاق های تنگ و تاریکی است که کارگران در کنار هم قرار می گیرند.

یکی از ضعف های کارگران زن فقدان تشکل و اتحادیه هائی است که از حقوق آنها دفاع کند. محل کار آنها اطاق های تنگ و تاریکی است که کارگران در کنار هم قرار گرفته اند. آنها ناچارند در گرما و تاریکی و هوای کثیف بدون حداقل شرایط بهداشتی کار کرده و به طور همیشگی در معرض گرد و خاک پارچه ها و مواد شیمیایی کارخانه قرار داشته باشند. کارگران زن رشته نساجی معمولاً بعد از سال ها کار طاقت فرسا در شرایط غیر بهداشتی پیر، فرسوده و بیمار می شوند آن ها که فاقد هر گونه بیمه درمانی هستند توانائی کار را از دست داده و بدون دریافت بازنشستگی به کنج خانه رانده میشوند

البته روشن است در صورتی زنان کارگر در رشته نساجی می توانند با شرایط غیرانسانی و همچنین تبعیضات جنسی حاکم بر محیط کارشان به صورت قطعی مقابله کنند که متشکل شده و از تشکلهای کارگری برخوردار باشند. تجربه نشان می دهد زمانی که زنان کارگر در اتحادیه های کارگری متشکل می شوند می توانند برای حق و حقوق و مطالباتشان مبارزه کنند

در بنگلادش زنان در مراحل اول شکل گیری صنایع نساجی و گسترش شتابان اشتغال برای نجات خود و خانواده اشان از گرسنگی مجبور شده اند بیشتر از مردان تن به استثمار خشن و بیرحمانه سرمایه داران محلی و شرکای بین المللی آنها بدهند.

اما با گذشت زمان و استثمار وحشیانه صاحبان سرمایه زنان به این نتیجه میرسند که در اوضاع خود باید تغییراتی بوجود آورند و متشکل شوند. اگر چه با آزادی تشکل های صنفی و سندیکائی در بنگلادش هم از سوی سرمایه داران و هم از سوی دولت بشدت برخورد می شود اما با وجود این زنان توانسته اند در عرصه تشکل های کارگری و اتحادیه ای نیز به طور فعال وارد شوند. مبارزات کارگران بنگلادش و در راس آنها زنان کارگر موجب شده است که افزایش دستمزد به سرمایه داران وابسته به انحصارات

صنایع پوشاک یکی از جهانی ترین و سود آورترین صنایع دنیاست. که نود درصد کارگران این صنایع را کارگران زن تشکیل می دهند. سرمایه جهانی و کمپانیهای چند ملیتی با انتقال سرمایه به کشورهای در حال توسعه در ازای بکار گیری کارگر ارزان و مجانی سودهای سرشاری به جیبمیزند. بنگلادش هم یکی از آن کشورهایی است که به علت فقر مالی براحتی می توان به کارگر ارزان بویژه کارگر زن دست یافت

بهمین دلیل، انحصارات چند ملیتی تولید پوشاک با ایجاد شرکت های تولیدی وابسته به خود در این کشور نیروی کار را با قیمت ارزان و شرایط اسفناک به کار می گیرند. هر شرکت تولیدی در پیرامون خود تعداد زیادی از کارگاه ها و مراکز تولید زنجیره ای واسطه دارد که مراحل گوناگون تولید را انجام می دهند. در همین کارگاه های زنجیره ای است که دستمزدی در سطح گرسنگی به کارگران پرداخت می شود و هر نوع قانون کار زیر پا نهاده می شود. دستمزد کارگران معمولاً به اندازه پنج دهم درصد یا حداکثر یک درصد قیمت لباسی است که در فروشگاه ها بفروش میرسد. بیمه حوادث ناشی از کار در این شرکت ها وجود ندارد و کارگران هزینه عدم رعایت اولیه ترین شرایط ایمنی کار را با جان خود می خزند. صنعت نساجی بنگلادش از دهه هفتاد قرن بیستم به این سو بسرعت رشد کرده است

این بخش اکنون هشتاد درصد صادرات هیجده میلیاردی این کشور را تشکیل داده و منبع اصلی درآمدهای ارزی کشور بخش نساجی بخاطر اهمیت درجه اولی که در اقتصاد بنگلادش دارد در حدود چهل درصد نیروی کار کشور را به خود اختصاص داده است.

۳۰ میلیون کارگران نساجی در سطح جهان را زنان تشکیل میدهند. علاوه بر اینکه بخش زیادی از زنان کارگر بنگلادش به کار در این صنعت گمارده میشوند، تعدادی هم از کارگران جوان زن از کشورهای آسیایی بعنوان کارگران مهاجر به هند، چین یا بنگلادش برای کار مهاجرت می کنند تا بتوانند زندگی بخور و نمیر خانواده خود را تامین کنند. این زنان هفته ای هفت روز بر روی خط تولید زنجیره ای کار کرده و اغلب وادار به اضافه کاری، بدون دریافت دستمزد، می شوند. این زنان کارگر به عنوان زن دائماً تحت تبعیضات جنسی در محیط کار قرار دارند، در برابر کار برابر با مردان دستمزدی کمتر از آن ها دریافت می کنند و بطور



## جزوه زنان کارگر



دلاری را در ماه داشتند. بالاخره توافق شد دستمزد آنها به ۶۸ دلار در ماه افزایش یابد.

کارگران زن صنعت نساجی با کمبودهای فراوان مواجه و در وضعیت اسفباری استثمار میشوند. در هر زد و خوردی که بین کارگران نساجی و نیروهای سرکوبگر پلیس به اعتراضات کارگران زن برای تغییر شرایطشان رخ داده است، شماری کشته و زخمی بجا گذاشته است. رقابت بین سرمایه داران جهانی در پی کارگر ارزان تر و کسب سود بیشتر این شرایط بشدت غیر انسانی و استثمار گرانه را برای تعداد بیشماری از کارگران زن بوجود آورده است.

### وضعیت زنان کارگر صنعت ماکیلادورای (صنایع

#### مونتاز) مکزیکی

شرایط کار برای کارگران زن در "صنایع مونتاز" در مکزیکی تفاوت بسیاری با شرایط کار کارگران زن در کشورهای غربی دارد. دستمزد کارگران زن بطور میانگین ۴ دلار برای ۹ ساعت کار در روز میباشد. کارگران زن مکزیکی در مقایسه با کارگر زن بدون تخصص در آمریکا که ساعتی ۵ دلار دریافت می کند بیشتر استثمار میشود. تولید با دست و بدون استفاده از ماشین صورت می گیرد. بعضی موقعها زنان مجبورند کار سخت بدنی را هم انجام دهند. صاحبان کارخانه های مونتاز هنگام معرفی صنایع مونتاز مکزیکی ادعا می کنند که: "صنایع مونتاز از زمان تاسیس خود به صورت مرحله ای از یک صنعت صرفا کاربر در بازار جهانی به یک صنعت مبتنی بر کار تخصصی و سرمایه بر تکوین پیدا کرده است. بدین وسیله اقتصاد مکزیکی یک جهش قابل ملاحظه ای در عرصه مدرنیزاسیون داشته است، و شرایط کار، سطح زندگی و اطلاعات تکنیکی کارگران مکزیکی نیز بهبود یافته است."

زنان کارگر شاغل در صنایع مونتاز بیشترین درصد کارگران زن جوان هستند. تا دهه ۹۰ سن کارگران زن اغلب به زیر ۱۴ سال نیز می رسید. مدیران صنایع مونتاز زنان جوان و بی تجربه را ترجیح می دهند زیرا از نظر آن ها زنان کم سن مطیع تر و حرف شنوتر بوده، راحت تر تحت تاثیر قرار می گیرند و فریب می خورند و مجرد هستند. معمولاً ساعت کار از ساعت قانونی تعیین شده بیشتر است و اضافه کاری به کارگران پرداخت نمی شود. در زمان تحویل

جهانی تحمیل شود. در بستر این مبارزات طبقاتی زنان کارگر بنگلادشی نه فقط سرمایه داری خودی و بین المللی بلکه تبعیضات جنسی یک جامعه سنتی و عقب مانده را نیز به چالش می کشند. این دو عرصه از مبارزه در پیکارهای زنان کارگر بنگلادش بهم پیوند خورده است و حائز اهمیت است.

### مبارزه زنان کارگر نساجی در آسیا علیه مزد غیر عادلانه

مجموعه سخنرانی های که در "کمپاین برای لباس پاک" صورت گرفته است، توجه هرچه بیشتر مردم آلمان را به خود جلب کرده است. پس از سقوط ساختمان فابریکه رانا پلازا در اپریل ۲۰۱۳ در بنگلادش، رسانه ها در مقایسه با گذشته نه فقط صنایع نساجی بنگلادش بلکه صنایع نساجی در آسیا را مد نظر و توجه دارند. در آن حادثه بیشتر از ۱۱۰۰ تن در زیر آوار مجموعه سخنرانی های که در "کمپاین برای لباس پاک" صورت گرفته است، توجه هرچه بیشتر مردم آلمان را به خود جلب کرده است. پس از سقوط ساختمان فابریکه رانا پلازا در اپریل ۲۰۱۳ در بنگلادش، رسانه ها در مقایسه با گذشته نه فقط صنایع نساجی بنگلادش بلکه صنایع نساجی در آسیا را مد نظر و توجه دارند. در آن حادثه بیشتر از ۱۱۰۰ تن در زیر آوار ساختمانی که به علت عدم ایمنی و استانداردهای کاری غیرقانونی استفاده میشد، جان باختند و بیش از ۲۵۰۰ تن دیگر زخمی شدند. در تولیدات آن فابریک لباس هایی هم دیده می شدند که به سفارش برخی از مشتریان بزرگ آلمانی، آمریکایی و کانادایی و... در آنجا تولید میشدند. پس از انعکاس این جنایات بشری و اعتراضات بین المللی بالاخره در ماه می همان سال یک توافقنامه حفاظت ساختمان از حریق و فروریزی از طرف شرکتهای بزرگی که در این رابطه سرمایه گذاری نموده اند بسته شد.

به قول کارشناسان در هیچ جای دیگر جهان درآمد یک کارگر نساجی تا آن حد پائین نیست که در بنگلادش است. به همین دلیل کارگران زن از چندین هفته به این طرف جاده های بنگلادش را بستند و به اعتراضات گسترده دست زدند. در داکا پایتخت این کشور تقریباً ۴۰۰۰۰ نفر در این اعتراضات شرکت کرده بودند. کارگران به جای ۳۸ دلار در ماه، که درآمد کنونی شان است، تقاضای دستمزد ۱۰۰





## جزوه زنان کارگر



که کارگران به یکسال نرسیده کار را ترک میکنند. اما کارفرماها همیشه با سبلی از کارگران مهاجر که نیروی ذخیره کار می باشند روبرو هستند و بدون هیچ دغدغه ای کارگرهای جدید زن را استخدام می کنند. در این روابط ناعادلانه کاری " کارگران از قرارداد کاری خود محرومند و یا اگر قراردادی در کار باشد مدت قراردادهای سه تا شش ماه است. کارگران زن اغلب برای حل مشکلات خانوادگی خود مجبور به استعفاء می شوند زیرا حداکثر مدت مرخصی آن ها یک هفته است. برای مثال اگر زن کارگر مهاجر باید از شمال کشور برای خاکسپاری یکی از بستگان خود به جنوب کشور برود بطور معمول بیش از یک هفته طول خواهد کشید و البته در چنین شرایطی راهی جزء استعفاء باقی نمی ماند. یکی از دلایلی که کارگران نمی توانند متحد شوند دلیلش این است که برای طولانی مدت کارگران به کار ادامه نمی دهند و دائماً تعدادی از کارگران به دلایل مختلف کارشان را از دست می دهند و کارگران جدید به کار گمارده میشوند. در سال های اخیر تعداد کارگران زن در صنایع مونتاژ به دلیل تغییرات ساختاری این صنایع کاهش پیدا کرده است. این تغییر ساختاری موجب می شود تا لشکری از زنان بیکار رها شده از بخش صنایع در جستجوی کار به بخش های دیگر بویژه بخش خدمات خصوصی و عمومی روی بیاورند. این شرایط بغرنج منجر به آن می شود که زنان و بویژه زنان جوانی که در جستجوی کار و امرار معاش هستند کاملاً پذیرای هر کاری شده و به دام متخلفین شبکه های کاریابی بیافتند که حداکثر بهره برداری را از آنان بنمایند.

ماکیلا و یا ماکیلا دورا صنعت مونتاژ و صادرات کالاها نیمه تمام یا تمام شده به کشورهای جهان سوم میباشد که اساساً از کارگران مهاجر در کارخانه های خود استفاده می کند

برگرفته از: نشریه UTOPIE KREATIV

### تقویت نقش زنان در جنبش سندیکایی در ویتنام

کارگران زن در منطقه آسیا- اقیانوسیه برای تقویت و رشد جنبش زنان کارگر تلاش می کنند. در کارگاه های آموزشی که توسط فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری و کنفدراسیون عمومی کارگران ویتنام در ماه ژوئیه امسال برگزار شد، ۲۳ هیئت نمایندگی از ۲۷ کشور منطقه آسیا - اقیانوسیه ای و بیش از ۶۰ نماینده زن کارگر از تمامی

کالا شدت کار بیشتر می شود به طوری که کارگران باید تمام شب و یا گاهی چندین شب پیاپی کار کنند. در تمام تولیدی های صنایع مونتاژ حقوق زنان کارگر پایمال می شود. برای مثال رفتن به دست شویی شدیداً کنترل می شود بطوری که در خیلی از کارخانه های مونتاژ دست شویی ها قفل شده و فقط در زمان تنفس کارگران اجازه استفاده از دست شویی را دارند. حضور کارگران زن حامله بدون قید و شرط در صنایع مونتاژ نامطلوب بوده و برای جلوگیری از حاملگی، زنان کارگر را به شکل تحقیر آمیزی کنترل بدنی می کنند. زنان کارگر برای کم کردن فشار کارفرمایان بر خود به تست حاملگی تن می دهند. اما کارفرمایان به این تست ها راضی نبوده قرص های ضد حاملگی در بین زنان کارگر تقسیم می نمایند و یا نوارهای بهداشتی زنان را هر ماه کنترل می کنند.

زنان کارگر به هیچ وجه امکان اعتراض به وضع موجود خود را در برابر کارفرمایان را ندارند. در اوایل تاسیس صنایع مونتاژ تشکیل اتحادیه ها کاملاً ممنوع بود اما در سال های اخیر نوعی از اتحادیه های دولتی اجازه فعالیت یافته اند که بیشتر کارفرمایان را نمایندگی می کند تا کارگران را. کارگران از ایجاد تشکلهای مستقل خود محرومند. کنترل بسیاری شدید بر کارگران برای جلوگیری از هر اعتراض و اعتصاب حاکم است. در مناسبات کاری در این صنایع زنان کارگر تنها مورد ستم طبقاتی قرار نمی گیرند بلکه در معرض ستم جنسیتی هم هستند.

زنان روستایی یا زنانی از اقشار فرودست شهری که به عنوان کارگر به کارخانه ها پا نهاده اند باید بلافاصله خودشان را با محیط کار جدید تطبیق دهند. آنها بدین ترتیب در یک رابطه بسیار نابرابر و کنترل مدیران و کارفرمایان قرار می گیرند که بطوریکه که کارفرماها تسلطی فراتر از مسائل کاری بر کارگران زن را دارند. در بسیاری موارد این کارگران زن بومی مورد تجاوز کارفرماها و صاحبان کار خود قرار می گیرند. کارگران زن این صنایع در حالیکه اعتماد به نفس خود را از دست داده اند و بشدت در فضای رعب و وحشت بطور وحشیانه کار می کنند و استثمار میشوند در بعضی مواقع در معرض سوء استفاده باندهای جنایتکار قرار میگیرند

در این صنایع در حالیکه ظاهراً " نشان داده میشود همه چیز عادی و کارگران به کار اشتغال دارند. اما فضای بردگی و استثمار و کنترل کارگران بقدری سنگین و غیر قابل تحمل است .



## جزوه زنان کارگر



اتحادیه‌های ویتنام شرکت داشتند.

**تقویت نقش زنان در جنبش سندیکایی برگزاری کارگاه آموزشی در مورد نقش سندیکاها و زنان کارگر در ویتنام**  
 ویتنام: کارگران زن منطقه آسیا-اقیانوسیه‌ای برای تقویت جنبش زنان کارگر تلاش می‌کنند. با شرکت ۲۳ هیئت نمایندگی از ۲۷ کشور منطقه آسیا - اقیانوسیه‌ای و بیش از ۶۰ نماینده زن کارگر از تمامی اتحادیه‌های ویتنام در کارگاه‌های آموزشی که توسط فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری و کنفدراسیون عمومی کارگران ویتنام (وی ژ ث ال VGCL، از تاریخ ۲۳ تا ۲۵ ماه ژوئیه) در هانوی پایتخت ویتنام تشکیل گردید، شرکت نمودند.

محمد شعبان عزوز، رئیس فدراسیون در سخنرانی افتتاحیه خود متذکر شد که: «هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند نقش عظیم زنان را نادیده بگیرد. ما از مبارزات زنان برای احقاق حقوقشان حمایت می‌کنیم. ما از همه دوستان در جامعه جهانی درخواست می‌کنیم که فشارهای خود را به رژیم‌های ارتجاعی که حقوق زن و همچنین حقوق کل مردم جامعه را انکار می‌کنند، تشدید نمایند. ما هر گونه تبعیض بین مردم، چه از نظر فکری و یا اعتقادات و یا تعلقات مختلف را محکوم می‌کنیم. ما مبارزان سندیکاها را رزمجویان دانسته و بین زن و مرد در این مبارزه فرقی نمی‌بینیم.»

دنگ نگوک تانگ، رئیس و معاون دبیر کل VGCL فدراسیون بیان نمود که: «در این کارگاه آموزشی، حجم عظیمی از اطلاعات و تجربه مبارزاتی اتحادیه‌ای از کشورهای مختلف مبادله و به تبادل نظر برای مبارزه بر علیه بیکاری، درآمد مناسب و زندگی بهتر برای زن کارگر و همه کارگران گذاشته خواهد شد.» ترجمه از::

<http://www.wftucentral.org/vietnam-asia-pacific-working-women-meet-push-forward-working-women-movement/>

### کار زنان در معدن

معدن تا چند دهه اخیر، گزینه مناسبی برای اشتغال زنان نبوده اند. در آفریقای جنوبی تا دهه ۱۹۹۰، اشتغال زنان در معدن غیرقانونی بود. عدم مکانیزه تجهیزات و امکانات و محدود بودن آن در معدن زیرزمینی، باعث شده بود تا فعالیت در معدن، کاری سخت و پرمخاطره و شغلی مردانه محسوب شود. اما در چند دهه اخیر، رشد تکنولوژیکی که در این عرصه صورت گرفته حضور و مشارکت زنان در

صنایع معدن را افزایش داده است. به عنوان مثال: زنان کانادایی علاقه مند به استخدام در بخش معدن هستند. زنان شاغل در این صنعت از ادارات و آزمایشگاه ها و کار در قسمت تجهیزات سنگین گرفته تا سطوح مدیریتی و کارشناسی حضور دارند. آمار نشان می دهد کانادا در سال ۲۰۱۰، دارای ۹۶۸ معدن فعال بود که این معدن، ۳۶ بیلیون دلار از تولید ناخالص ملی کانادا را به خود اختصاص داده بودند. در سال ۲۰۱۰، از هر ۵۵ کارگر کانادایی، یک نفر آنها در بخش معدن شاغل بودند. برآوردها نشان می دهد بخش اکتشاف و معدن این کشور با کمبود شدید نیروی کاری در سال ۲۰۱۷ مواجه خواهند شد و در دهه بعد نیاز به استخدام ۶۰ هزار نفر در بخش معدن دارند. به همین دلیل استخدام زنان به عنوان یک اصل اساسی برای تامین کمبود نیروی کار در بخش معدن کانادا در نظر گرفته شده است. در آمریکا به دلیل جایگزینی تکنولوژی های پیشرفته با نیروی کار و سرمایه گذاری بخش دولتی و خصوصی در زمینه انرژی های سبز، پیش بینی می شود استخدام در بخش معدن در سال ۲۰۱۸ به میزان چند درصد کاهش یابد.

اما با این حال همچنان تفاوت هایی بین دستمزد زنان و مردان شاغل در بخش معدن وجود دارد. در بخش معدن زغال سنگ، دستمزد مردان ۷/۲۲ درصد بالاتر از دستمزد زنان است و دستمزد مردان در بخش معدن فلزات ۹/۳۱ درصد، و در صنایع آلومینیوم ۲/۲۵ درصد بالاتر از دستمزد زنان است و....

درحالی که در کشورهای توسعه یافته تلاش می شود با سیاست گذاری های لازم، میزان مشارکت زنان در صنایع معدن افزایش یابد، در کشورهای همانند هند وضعیت کاملا برعکس است. گزارش های منتشر شده توسط سازمان های غیردولتی و نهادهای دولتی در هند حاکی از این است زنان و کودکان از قربانیان اصلی صنایع معدن هستند و میزان بی سوادی در بخش هایی از این کشور که وابسته به معدن هستند، از میانگین کشوری بالاتر است. کودکانی که در این مناطق محروم به دنیا می آیند، دسترسی به مدرسه و آموزش ندارند و در بیشتر موارد، مادران چاره ای ندارند جز اینکه کودکان را همراه خود به معدن ببرند تا از همان دوران خردسالی یاد بگیرند که چگونه سنگ های معدن را به قطعات کوچک تر خرد کنند. نتایج گزارش های برخی



## جزوه زنان کارگر



توقف خصوصی سازی مراکز خدمات رسانی کودکان هندوستان به هر عنوان، مانند واگذاری به ان-جی-او-ها، شرکت‌ها، گروه‌های خود یاری و غیره.

- اختصاص بودجه مناسب برای این مراکز.

- وضع قوانین به نفع کارگران و مددکاران در این مراکز و پرداخت حداقل حقوق و بیمه‌های اجتماعی.

فدراسیون سراسری کارگران و مددکاران مراکز خدماتی کودکان هندوستان موفق به جمع آوری ۱۶.۴ میلیون امضا از کارگران و افراد ذینفع گردید.

در این راهپیمایی، آ.ک. پادمنابهان، رئیس و تاپان سن، دبیر کل سی-آی-تی-یو، سیتارام یچوری عضو پارلمان، عضو هیئت سیاسی و رهبر هیئت پارلمانی حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست)، ک. همالاتا،

معاون، رانجانا نیروولا، خزانه‌دار سی-

آی-تی-یو، نیلیما مایترا، رئیس و آ. ر.

سیندهو، دبیر کل فدراسیون سراسری کارگران و مددکاران خدماتی کودکان

هندوستان سخنرانی نمودند.

در قطعنامه پایانی این راهپیمایی اعتراضی به دولت اخطار نمودند در

صورتیکه نخست وزیر با فدراسیون

وارد مذاکره نشود و به درخواست‌های آنان رسیدگی نکند یک اعتراض سراسری در کشور برگزار خواهد شد.



ترجمه و تلخیص از:

<http://www.wftucentral.org/india-twenty-three-thousand-workers-march-parliament/>



حدود ۳۷۵ هزار کودک در معادن همین ایالت مشغول به کار هستند. زنان با حقوق بسیار اندک، فقط برای پرداخت بدهی‌های شوهرانشان یا برای تامین هزینه‌های ناچیز زندگی‌شان به اشتغال در معادن روی می‌آورند. «زنان به عنوان نیروی فاقد مهارت» کارهایی نظیر دستچین و جداکردن سنگ معادن، شکستن و خرد کردن سنگ معادن و بار کردن آنها را بر عهده دارند و در ازای همه این کارها، درآمد بسیار ناچیزی عایدشان میشود. علاوه بر همه اینها، این زنان کارگر معدن از آنجائیکه تحت مالکیت کارفرما میباشند، همواره در معرض آزار و اذیت جنسی توسط صاحبان معادن قرار دارند.

### مبارزه زنان کارگر در هند

فدراسیون سراسری کارگران و مددکاران خدماتی کودکان، که همکار اتحادیه سندیکاهای مرکزی هندوستان (سی-آی-تی-یو) می‌باشد، در تاریخ ۲۱ نوامبر ۲۰۱۴، برای اولین بار یک راهپیمایی اعتراضی ۲۳۰۰۰ نفره ی زنان کارگر از ۲۱ ایالت و سندیکاهای سراسر هندوستان را به سمت پارلمان هند ترتیب داده بود.

### راهپیمایی ۲۳ هزار نفری زنان کارگر بطرف

#### پارلمان هندوستان

این راهپیمایی توسط فدراسیون سراسری کارگران و مددکاران خدماتی کودکان، که همکار اتحادیه سندیکاهای مرکزی هندوستان (سی-آی-تی-یو) هستند ترتیب داده شده بود.

برای اولین بار و طی یک تدارکات عظیم در بین زنان کارگر در دهلی، در ۲۱ نوامبر ۲۰۱۴، ۲۳۰۰۰ نفر از کارگران پناهگاه‌های دولتی و مددکاران که در مجتمع‌های خدماتی برای کودکان از ۲۱ ایالت و نیز سندیکاهایی از سراسر هندوستان، بسمت پارلمان هند و با صفوفی رنگارنگ دست به راهپیمایی زدند.

آنها خواسته‌های خود را به نخست وزیر هندوستان

بطریق زیر اعلام نمودند:



## جزوه زنان کارگر



شرکت فعال دارند. تعداد زنان شاغل در وزارت خانه‌های ما به مراتب بیشتر از مردان است و حتی زنان مدیریت این وزارت خانه‌ها را به عهده دارند. در کشور ما تعداد حقوق‌دانان زن به مراتب بیشتر از مردان است. معاون هیئت وزیران با تأکید هرچه تمام‌تر این ادعا را که زنان نباید بعضی از کارها را به خاطر مشکلات فرهنگی و یا جنسیتی انجام دهند مردود دانست و متذکر شد که این مدعیات به قرون وسطا تعلق دارد. او با اهمیت دانستن نقش سازمان یافته زنان و درک صحیح آنها در حفظ جامعه سوسیالیستی، و استفاده از ابزارهای نوین را با توجه به شرایط زمانی موجود لازم و ضروری دانست و به مستحکم کردن دستاوردهای آن تأکید ورزید. در تأیید سخنان رمان ماچادو، معاون دادگاه عالی قضائی کوبا خانم الگا لیدیا جونسون مورریسن گفت: بسیار خوشحالم که در موسسه‌ای کار می‌کنم که در آن ۸۰ درصد وکلایش را زنان تشکیل می‌دهند و بدین واسطه دستگاه قضائی ما از شکل و شمایل منحصر به فردی برخوردار است. همه این پیشرفت‌ها مسلماً با فعالیت سازمان یافته و منسجم و همچنین با پشتیبانی و تلاش زنان کوبایی میسر گردیده است.

برگرفته از سایت د- کا - پ  
به نقل از اتحاد کارگر شماره ۲۷ - ۷ مهر



**نقش و جایگاه زنان کارگر و شاغل در کوبا**  
**حضور فعال زنان در سندیکاهای کارگری کوبا؛ اتحادیه**  
زنان کوبا سال گذشته ۵۵ ساله شد و به واسطه فعالیت‌های این اتحادیه، وضعیت زنان کوبا به مراتب بهتر از گذشته شده است. نقش زنان کوبا در به ثمر رساندن انقلاب انکار ناپذیر است و به همین مناسبت به پاس همه زحمات برجسته‌ای که زنان کوبایی در دفاع از انقلاب و اهداف آن ایفا کرده‌اند، جایزه ارزشمندی از طرف معاون رئیس جمهور و معاون هیئت وزیران به این اتحادیه اهدا گردید.

### حضور فعال زنان در سندیکاهای کارگری کوبا

در سال ۲۰۱۵ اتحادیه زنان کوبا ۵۵ ساله شد. در این فاصله و به واسطه فعالیت‌های این اتحادیه است که وضعیت زنان کوبا به مراتب بهتر از گذشته گردیده است. نقش زنان کوبا در به ثمر رساندن انقلاب انکار ناپذیر است و به پاس همه زحمات برجسته‌ای که زنان در دفاع از انقلاب و اهداف آن ایفا کرده‌اند، جایزه ارزشمندی از طرف معاون رئیس جمهور و معاون هیئت وزیران به این اتحادیه اهدا گردید. اتحادیه زنان کوبا نیز متقابلاً این جایزه ارزشمند را به گروهی از زنان و مردان کمونیست اهدا نمود که به واسطه فعالیت‌هایشان در محیط‌های کاری و اجتماعی (زنان کارگر، زنان کارمند، پرستاران، آموزگاران و دیگر مشاغل) و همچنین به واسطه حفظ ارزش‌های اخلاقی و انقلابی از جمله انسان‌های نمونه و برجسته‌ای محسوب می‌شوند که در زمینه‌های نظری، سیاسی، حقوقی، اقتصادی، تولیدی، هنری، فرهنگی و ورزشی نقش عظیمی را در جامعه کوبا ایفا کرده‌اند. آریلیس سانتانا بلو، دومین منشی این اتحادیه بیان می‌دارد که مجموع جوایز اهدا شده تا کنون بیانگر این مطلب است که نقش زنان در جامعه کوبا از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.

معاون هیئت وزیران رمان ماچادو و نتورا، هنگام قدردانی و اهدا جایزه به این نکته اشاره نمود که زنان کوبا به واسطه حضورشان در همه عرصه‌های زندگی شایستگی و لیاقت این قدردانی را داشته و دارند. تبعیض جنسیتی در کشور ما معنا بی ندارد. امروز زنان در همه عرصه‌های زندگی



## جزوه زنان کارگر



اطلاعات گرانمایی درباره اوضاع اقتصادی و اجتماعی دوران قاجاریه است، در زمینه وضعیت اشتغال زنان می‌نویسد: کار زنان و کودکان به طور وسیعی در صنایع کشور رایج بود و برخی از صنایع تقریباً به طور کامل وابسته به کار زنان و کودکان بود. مثلاً در کارخانه ابریشم تابی رشت تمام ۱۵۰ نفر کارگر را زنان تشکیل میدادند. در صنایع نساجی و بخصوص درقالیبافی زنان بخش اعظم نیروی کار را تشکیل می‌دادند. در شیلات شمال متعلق به لیانازوف ۳۰۰ نفر کارگر زن اشتغال به کار داشتند. به علت رشد سرمایه داری و ارتباط وسیع‌تر ایران با غرب در این دوره در زندگی زنان پایتخت و شهرهای بزرگ تغییرات عمده ایی صورت گرفت این روند در تغییر زندگی زنان ایلات و روستاها هم تأثیر گذاشت. زیرا رشد سرمایه‌داری در سطح جهان سبب شد تا ایران وارد بازار جهانی شود. تقاضا برای تولیدات کشاورزی و صنایع دستی، به ویژه گلیم که توسط زنان کارگر این مناطق تولید میشد، سبب تغییراتی در سطح زندگی آنان شد. این زنان که از تولیدکنندگان اصلی این صنایع بودند سود کلانی برای صاحبان خود ایجاد می نمودند. اما خود به بدترین شکل با دستمزدهای پائین استثمار میشدند. این زنان کارگر در کنار کارهای تولیدی مسئولیت خانواده و کارهای خانگی را به عنوان همسر و مادر هم به عهده داشتند. اگرچه مجموعه ایی از این کارها فشار زیادی را بر آنها تحمیل می نمود اما مشارکت آنها در تولید، قدرت آنها را در خانواده بیشتر کرد و میزان جدایی دنیای زنان را از مردان کاهش داد. اشتغال زنان، به معنای برابری حقوق اجتماعی زن و مرد در این دوره نبوده است. بلکه فقط در مقایسه با گذشته می‌توان گفت که زنان توانستند از عرصه کار خانگی فراتر رفته و در بیرون از خانه اشتغال یابند. یکی از بزرگترین وقایع ایران، انقلاب مشروطیت بود. این انقلاب از نظر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در وضعیت زنان ایران تحولاتی به وجود آورد. اصل هشتم قانون اساسی اهالی مملکت ایران را در مقابل قانون دولتی متساوی الحقوق اعلام کرده بود. در خلال چهار سال بعد از تصویب قانون اساسی که هنوز سرنوشت آن نامعلوم به نظر می‌رسید، قانون کار مورخ ۱۳۳۷/۱۲/۲۶ نیز به صورت قانون آزمایشی با مدتیکیسال تصویب شد. اما با اصلاحاتی که بعدها نیز در آن بعمل آمد به مدت ۳۲ سال به عنوان قانون کار حاکم بود و عمل میکرد.

### تاریخچه اشتغال زنان کارگر و تشکلهای آنها در ایران

وضعیت زنان ایرانی در طول قرنهای متمادی به لحاظ اقتصادی- اجتماعی دچار تغییر و تحولاتی شده اند. اما یکی از موضوعات مهم در رابطه با زنان، چگونگی نقش آنان در تولید و مناسبات حاکم بر جامعه است. زنان در ایران همواره در کارهای اقتصادی مشارکت فعال و تعیین کننده داشته اند و در برخی زمینه ها مانند تولیدات کشاورزی و صنایع دستی نقش مهمی ایفا نموده اند، اما با پیدایش نظام سرمایه داری آنها وارد عرصه صنعت و تولید شدند.

سابقه شکل‌گیری اولین انجمن‌ها و تشکلهای زنان در ایران نیز همگام است با رشد سرمایه‌داری و ورود به دوره تدارک انقلاب مشروطه در واقع طی همین دوره است که اولین سازمانهای زنان به طور مخفی شکل گرفتند. البته این تشکلهای در ابتدا به طور مشخص و آشکار به دنبال کسب حقوق زنان نبودند، بلکه در پیوند با جنبش مشروطه فعالیت می‌کردند. وضع رقت‌بار زنان ایرانی در دوران حاکمیت فئودالیسم در ایران و آگاهی از اخبار فعالیت‌ها و مبارزات این بخش از جامعه در کشورهای اروپایی و آمریکا و همچنین امتیازاتی که زنان در پی پیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه به دست آوردند، به مرور زمینه‌ساز ایجاد تشکلهای زنان در ایران با هدف بهبود وضعیت آنان گردید.

تاسیس انجمن خزیت زنان در سال ۱۲۸۶، انجمن مخدرات وطن در سال ۱۲۹۰، انجمن شکوفه در ۱۲۹۲، انجمن پیک سعادت نسوان در ۱۳۰۰، مجمع انقلابی نسوان در سال ۱۳۰۶ و جمعیت نسوان وطن خواه توسط جمعی از زنان روشنفکر، تنها نمونه‌هایی از تشکلهای اولیه زنان در ایران می‌باشند. اهداف این سازمان‌ها عمدتاً ارتقاء آموزش زنان بود و گاه از این فراتر رفته و در پاره ای موارد خواهان حق رای و برداشتن حجاب نیز بودند. یکی از پژوهشگران روسی در کتاب خود که حاوی



## جزوه زنان کارگر



نساجی تولید میشد. در بخش ریسندگی پشم و نخ در خانه و نیز در کارخانه‌های جدید، زنان زیادی از طبقات کارگر مشغول کار بودند. زنان در مناطق گیلان، مازندران، کاشان، یزد و اصفهان عمدتاً در تولید نخ و ابریشم جهت مصارف خانگی و نیز برای فروش در بازار اشتغال داشتند. تا قبل از اکتشاف و تولید نفت در سالهای ۱۹۱۴-۱۹۱۱، صادرات عمده ایران تولیدات کشاورزی و صنایع دستی بود و تولیدات زنان ایران از این طریق در بازارهای داخلی و جهانی به فروش می‌رسید. قسمت اعظم محصولاتی که زنان تولید می‌کردند بیش از نصف تجارت این دوره را که شامل تولیدات گیاهی، خشکبار، پنبه خام، برنج، یک‌چهارم آن را تولیدات حیوانی خام (مثل پیله ابریشم، پوست و پشم) و چیزی کمتر از یک چهارم آن را صنایع (مثل فرش، منسوجات ابریشمی، نخی، پشم و چرم) تشکیل می‌داد. از این رو باید گفت کارگران زن در این دوره نقش مهمی در تجارت خارجی ایران داشته‌اند.

تا پایان قرن نوزدهم بیشتر صنایع فرشبافی با انتقال از حیطة منازل به مراکز شهرها بخش اعظمی از نیروی کار زنان کارگر را به خود اختصاص داد. تولید فرش یکی از صادرات مهم ایران به بازارهای اروپا را شامل شد. در ۱۹۱۲ یک کارخانه فرش با صد و پنجاه دستگاه بافندگی در دو ساختمان به وسیله کمپانی شرق تاسیس شد.

در عصر قاجار، اهمیت نقش زنان در کارهای تولیدی، و عرضه تولیدات آنها در بازار داخلی و خارجی قابل چشمگیر بود. بخش اعظم تولیدات برنج در گیلان و پرورش کرم ابریشم و نخ ابریشم توسط زنان کارگر انجام میگرفت. زنان در مناطق و شهرهای مختلف ایران، در تولید فرش، دامپروری و تولید رنگ، شال، کلاه و میل بافی، بافتن پوشاک، قلاب دوزی، ریسندگی و طناب بافی و حتی اسلحه میپرداختند. زنان در بخشهای دیگر به کارهای طاقت‌فرسا بر روی زمینهای کشاورزی می‌پرداختند. آنطوری‌که از شواهد پیدا است در سالهای ۱۹۰۷-۱۹۰۶، در حدود سه‌هزار کارگاه مخمل‌بافی در خانه‌ها دائر بوده و تقریباً کلنیروی کار این کارگاهها از زنان تشکیل میشد.

اگرچه کار تولیدی خانگی مستلزم ساعات کار طولانی، حقوق و دستمزد ناچیز برای زنان کارگر بود، اما کار زنان در کارخانه‌ها یا کارگاهها نیز وضعیت چندان بهتری نداشت. دستمزد زنان برای یک سال کار پرداخته می‌شد و

فصل چهارم قانون مذکور از ماده ۱۶ تا ۲۰ به بیان شرایط کار زنان و کودکان اختصاص داشت و به موجب آن کار شب به استثنای کار پرستاری در بیمارستانها و مشاغل دیگر به تشخیص وزارت کار، برای زنان ممنوع بود. همچنین اشتغال زنان در ایام بارداری شش هفته قبل از زایمان و چهار هفته پس از آن برای آنان ممنوع اعلام شده بود و کارفرما حق اخراج آنان را در این دوران نداشت. مادر شیرده نیز به ازای هر سه ساعت کار، نیم ساعت وقت شیردهی به نوزاد خود را داشت.

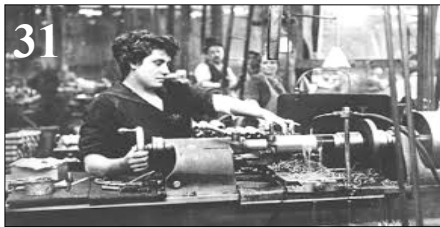
معضلات و مشکلات زنان برای وارد شدن به عرصه‌ی کار در ایران، از موضوعات مهمی‌ست که نه فقط ریشه‌های اقتصادی را در بر داشته بلکه دارای ریشه‌های سیاسی و اجتماعی نیز بوده است.

همچنین در بررسی وضعیت زنان کارگر ما با مشکلات و معضلاتی همچون دستمزد، ساعات کار، مسائل ایمنی محل کار، بهداشت و درمان، مسکن، بیمه بیکاری و یا مسایل حقوقی و رفاهی آنها روبرو می‌شویم. نقض حقوق زنان در بازار کار در میان طبقه‌ی کارگر نیز بدرجائی متفاوت بوده و بسته به محل کار، نوع کارخانه و یا کارگاه، نوع کار (ساده یا ماهر)، سطح سواد و یا حتی موقعیت جغرافیایی محل کار، داشته بهمین دلیل ما با شرایط متفاوت کاری و ویژگیهایی برای زنان کارگر روبرو هستیم

### توسعه سرمایه داری و زنان کارگر در عصر قاجار

در اواخر دوره قاجاریه، جامعه ایران با آغاز نظام سرمایه داری دستخوش تغییراتی در جهت صنعتی شدن شد. اسناد موجود در کتاب «تاریخ اقتصادی ایران» نوشته عیسوی از انواع کارخانه‌هایی که در طول این دوره ایجاد و یا ورشکست شده بودند، وقایعی را بازگو می‌کند. بخشی از زنان ایران نقش مهمی در تولید داشتند؛ دولت سرمایه و صاحبان کار آن زمان از دسترنج زنان کارگر کسب سود میکردند. در مناطق روستایی زنان کارگر بدون دریافت دستمزد؛ برنج، کره، سبزیجات خشک‌کرده و چای تولید می‌کردند و سهم مهمی در تولید محصولاتی چون گندم، جو، تنباکو، پنبه، پوست (حیوانات)، ابریشم خام یا فرآوری‌شده، تریاک، رنگها، پشم و نخ ایفا می‌نمودند.

اولین کارخانه نساجی طبق مدل اروپایی در دهه ۱۸۵۰ تاسیس شد. اما در کنار آن همچنان فعالیتهای نساجی در منازل انجام می‌گرفت، در هر دو حالت بخش عمده تولیدات



## جزوه زنان کارگر



کارگران به چه علت بوده و تا کی این جدائیها ادامه داشته شواهدی در دست نیست.

در دهه ۱۹۳۰ اولین مرحله صنعتی شدن ایران و اینکه ایران وارد مرحله جدیدی از شکل گیری صنعت و مدرنیزاسیون شد مشاهده شده است. در این راستا جاده، تلفن، اتومبیل، راه آهن، کارخانه های دولتی و همین طور مدارس مدرن، دانشگاه، تعدادی آموزشگاه برای دختران، کشف حجاب و موازین حقوقی جدید ایجاد شدند. در این دوره زنان به شرکت در دانشگاه تشویق شدند، شغل معلمی را بر عهده گرفتند و برای رشد بخش دولتی فعالیت کردند. دستگاه اداری دولتی رشد نسبتاً سریعی کرد و تعداد اندکی از زنان طبقه متوسط را جذب نمود. در حدود سی کارخانه ریسندهی در مقیاس وسیع در سالهای ۱۹۳۱ تا ۱۹۳۹ و

عمدتاً در اصفهان، یزد و کرمان، به وسیله دولت و نیز بخش خصوصی ساخته شدند. به هر حال شهرنشینی، هرحال شهرنشینی، اولین مرحله صنعتی شدن ایران و اینکه ایران وارد مرحله جدیدی از شکل گیری صنعت و مدرنیزاسیون شد مشاهده شده



است. در این راستا جاده، تلفن، اتومبیل، راه آهن، کارخانه های دولتی و همین طور مدارس مدرن، دانشگاه، تعدادی آموزشگاه برای دختران، کشف حجاب و موازین حقوقی جدید ایجاد شدند. در این دوره زنان به شرکت در دانشگاه تشویق شدند، شغل معلمی را بر عهده گرفتند و برای رشد بخش دولتی فعالیت کردند. دستگاه اداری دولتی رشد نسبتاً سریعی کرد و تعداد اندکی از زنان طبقه متوسط را جذب نمود. در حدود سی کارخانه ریسندهی در مقیاس وسیع در سالهای ۱۹۳۱ تا ۱۹۳۹ و عمده در اصفهان، یزد و کرمان، به وسیله دولت و نیز بخش خصوصی ساخته شدند. به هرحال شهرنشینی، هرحال شهرنشینی، اولین مرحله صنعتی شدن ایران و اینکه ایران وارد مرحله جدیدی از شکل گیری صنعت و مدرنیزاسیون شد مشاهده شده است. در این راستا جاده، تلفن، اتومبیل، راه آهن، کارخانه های دولتی و همین طور مدارس مدرن، دانشگاه، تعدادی آموزشگاه برای دختران، کشف حجاب و موازین

از این رو صاحبکار به راحتی می توانست کارگران را به ساعات کار طولانی تر و کار بیشتری وادارد و چون هیچ قانون کاری شامل کار زنان نمیشد بنابراین، کارفرما به هر شکلی می خواست کارگران زن را استثمار می نمود.

در سال ۱۹۰۰، شواهد نشان داد رونق صنعت فرش در کشورهای خارجی، به یمن نیروی کار ارزان زنان و کودکان کارگر به سودآورترین صنعت تبدیل شد که قسمت اعظم سرمایه داخلی و خارجی را جذب کرد و تا سال ۱۹۱۴، ارزش صادراتی آن به یک میلیون لیر رسید.

در آن دوره طبقه کارگر ایران بسیار جوان بود و سرمایه داری در پروسه تکامل و صنعتی شدن، گرچه استثمار کارگران به شدت و قوت خودش باقی بود، اما از سازماندهی و متشکل شدن طبقه کارگر و بویژه کارگران زن شواهدی در دست نیست.

با جهانی شدن سرمایه و رشد سریع صنعت و ماشین آلات در ایران تولیدات محلی و خانگی هر چند از مرغوبیت بالایی برخوردار بودند، اما با تولیدات در سطح جهانی نتوانستند رقابت نمایند. در واقع تولیدات محلی رو به زوال گذاشته و تعداد زیادی از

زنان کارگر که درصدی از آنها هم نان آور خانواده بودند کارشان را از دست دادند. اما با این وصف، در کشورهای در حال توسعه کار زنان و کودکان به علت ارزان بودن نیروی کار آنها همیشه مورد توجه سرمایه داران می باشد.

### پروسه صنعتی شدن ایران در دوره رضاشاه

ایران در اوایل سال ۱۹۱۴ به عضویت سازمان بین المللی کار (I.L.O) درآمد و به تبع این سازمان در سال ۱۹۲۱-۱۹۲۰ دستوراتی صادر شد بر مبنای بهبود شرایط کار، ساعت کار طولانی و در نظر گرفتن شرایط سنی در استخدام دختران و پسران، و همچنین تامین بهداشت و سلامت، برخی موارد دیگر باید رعایت میشد. همزمان هم سعی شد پسران و دختران در کارگاههای جداگانه کار کنند و کارگاههای مختلط به طور کلی ممنوع شوند؛ همچنین سرکارگر مرد نباید به کارگاه دختران وارد شود، باید سرکارگر زن این مسئولیت را بر عهده می گرفت. دلیل جدایی



## جزوه زنان کارگر



تجارت سگس مشغول بودند.

### روند سریع صنعتی شدن پس از دهه ۱۹۵۰

در روند صنعتی در روند صنعتی شدن در ایران و سرشماری ۱۹۵۶، تعداد زنان کارگر، پانصد و هفتاد و سه هزار نفر شمارش شد. مطابق این سرشماری نیمی از جمعیت کشور در مناطق روستایی زندگی می‌کردند و کار کودکان، خصوصا دختران جوان، متداول بود. زنان عمدتاً در کارخانه‌های فرش‌بافی و نخ‌ریسی، در کارخانه‌های کبریت‌سازی، لیوان و جعبه‌های مقوایی و نیز در کارخانه‌های تولید چای، پنبه‌پاک‌کنی، گونی‌بافی و صنایع سوزن‌دوزی مشغول بکار بودند. زنان و کودکان در بخش‌های خدماتی هم به کار اشتغال داشتند، دستمزدی که دریافت می‌کردند، کمتر از دستمزد مردان بود. زنان کارگر در ۱۹۵۶ حدود سی و چهار درصد و در ۱۹۶۹ چهل درصد کارگران را تشکیل می‌دادند.

در ابتدای ۱۹۷۰، سیزده درصد کل زنان بالای دوازده سال (۴/۱ میلیون) مشغول کار بودند. این درصد، بیشتر شامل نواحی اطراف شهر می‌شد. ۷۰٪ بافندگان پوشاک و ۷۲٪ بافندگان فرش که در بخش روستایی فعالیت می‌کردند، عمدتاً زنان و دختران بودند. در سال ۱۹۷۰ در کارخانه‌های ریسندهی یزد به زنان ۹۰ ریال در روز پرداخت می‌شد که این رقم زیر خط فقر بود.

در طول دهه ۱۹۷۰ ایران به یکی از کشورهای عمده صادرکننده نفت تبدیل شد. همانگونه که پروسه صنعتی شدن به سرعت گسترش می‌یافت و کارخانه‌ها و مراکز صنعتی رشد می‌کردند، زنان بیشتری به عنوان کارگران صنعتی در بخش‌های مختلف تولید به کار گرفته شدند. پس از انقلاب ۵۷ حکومت ارتجاعی جمهوری اسلامی شروع به فرستادن زنان به خانه و بیکار نمودن آنها نمود. در دوره ریاست رفسنجانی به علت طرح تعدیل نیرو زنان کارگر اولین قربانیان این طرح ارتجاعی شدند. سپس با تدوین طرح‌های بشدت ضد کارگری از جمله قراردادهای سفید و موقت و پیمانکاری نه تنها زنان کارگر بلکه کل طبقه کارگر تا به امروز بالاترین درصد بیکاری و آسیب‌های اجتماعی را متحمل نموده است. در دوره حکومت خاتمی بود که با خارج شدن کارگاه‌های زیر ۱۰ نفر از مشمولیت بیمه‌های

حقوقی جدید ایجاد شدند. در این دوره زنان به شرکت در دانشگاه تشویق شدند، شغل معلمی را برعهده گرفتند و برای رشد بخش دولتی فعالیت کردند. دستگاه اداری دولتی رشد نسبتاً سریعی کرد و تعداد اندکی از زنان طبقه متوسط را جذب نمود. در حدود سی کارخانه ریسندهی در مقیاس وسیع در سالهای ۱۹۳۱ تا ۱۹۳۹ و عمدتاً در اصفهان، یزد و کرمان، به وسیله دولت و نیز بخش خصوصی ساخته شدند. به هر حال شهرنشینی، صنعتی شدن محدود بود و به همان میزان، رشد نیروی کارگر زن شهری نیز محدود شد. علاوه بر آن قانون تحریم اتحادیه‌های کار در ۱۹۳۶ فعالیت طبقات کارگر را کاهش داد. در دهه ۱۹۳۰، هنوز هفتاد و نه درصد جمعیت مردم در مناطق روستایی زندگی می‌کردند. در مارس ۱۹۳۷، دوازده کارخانه نخ‌ریسی چهار هزار و سیصد و سیزده مرد، نهصد و شصت و یک زن دوهزار و سیصد و هفتاد و هشت کودک را استخدام کردند. به زنان و کودکان مثل همیشه دستمزد کمتری نسبت به کارگران مرد پرداخت می‌شد.

چه در مناطق شهری و چه در مناطق روستایی، درآمد و شرایط کار بسیار بد بود. بویژه در صنایع بخش خصوصی، اوضاع بشدت ظالمانه‌ای حاکم بود. صاحبان کارخانه‌ها اغلب به کارگران تهمت می‌زدند، از پرداخت دستمزد و حقوق آنها خودداری می‌کردند و یا آنها را به محض مشاهده نقض قانون تنبیه بدنی می‌کردند. علاوه بر این در کارگاه‌های بخش خصوصی از کار کودکان و کارگران زن استفاده شده و آنها را بشدت استثمار می‌نمودند. از وضعیت و شرایط بد کارخانه‌های ابریشم در ۱۹۳۳ گزارش داده می‌شود که برای بافت ابریشم یزدی، کارگران را با اجبار استخدام می‌کردند. در صنعت فرش، کارگران را که عمدتاً از زنان و کودکان تشکیل می‌شد، در شرایط بسیار نامطلوبو نامور و تاریک به کار می‌گماردند و پس از مدتی کارگران بیبایی خود را از دست داده و دچار کجی ستون فقرات می‌شدند.

علیرغم صنعتی شدن کشور در زمان رضاشاه، در سال ۱۹۵۰ کارگاه‌های ریسندهی و بافندگی فرش در مناطق شهری و روستایی، نیروی کار زنان کارگر را جذب می‌کردند. در مناطق شهری گروهی از زنان به خدمات خانگی و خصوصی گرفته می‌شدند. آنان به کارهایی چون خدمتکاری خانه، نظافت، آرایشگری، فال بینی و البته





## جزوه زنان کارگر



کارخانه‌های سرمایه‌داران خارجی، کارخانه قند کهریزک با فراهم آوردن مواد اولیه و دادن آن‌ها به زنان خیاط در خانه و یا گرد آوردن تعدادی از زنان در یک مکان و در اختیار گذاشتن وسایل کار و پارچه، از کارگران زن بهره‌کشی می‌کردند. میزان مزد زنان خیلی ناچیز بود. حتا عده‌ای از تاجران، کارگران زن را به صیغه‌ی خود درمی‌آوردند و با این روش از پرداخت همان مبلغ ناچیز نیز سرباز می‌زدند. زنان نه فقط از نظر کاری تحت مالکیت و بردگی صاحب کار خود بودند بلکه صاحب کاران آنها که از تاجران پولدار بودند تعدادی از این کارگران زن را هم مالک بودند. بعنوان مثال: از جمله تاجری که ۸۴ زن را به این شکل به صیغه خود درآورده و از آن‌ها بهره‌کشی می‌کرد، حتا بهره‌کشی جنسی و همی این‌ها با توسل به قوانین اسلامی و به بهانه‌ی محرم شدن بین زن کارگر و کارفرما صورت می‌گرفت .

در دوره انقلاب مشروطه و بویژه بعد از آن، بر تعداد صنایع تحت پوشش سرمایه‌ی سرمایه‌داران ایرانی از جمله صنایع نساجی افزوده شده است که از جمله می‌توان به کارخانه پارچه بافی وطن اصفهان اشاره نمود که حدود ۵۰۰ کارگر داشت. در این کارخانه کارفرما شرایط سختی را بر کارگران اعمال می‌کرد و کارگران مجبور بودند روزانه ۱۲ ساعت کار کنند. مزد کارگران مرد و زن پایین بود، اما زنان کارگر از مردان هم دستمزد کمتری دریافت می‌نمودند. در این کارخانه به علت وجود تشکیلات مخفی کارگری، کارگران توانستند در اردیبهشت سال ۱۳۱۰ دست به اعتصاب بزرگی بزنند که اگرچه تعدادی از آن‌ها دستگیر شدند، اما کارفرما مجبور گردید برخی از خواست‌های کارگران را جوابگو باشد.

هم چنین وضعیت بد زنان کارگر در برنامه‌ی مصوب حزب کمونیست ایران در دومین کنگره‌اش که در سال ۱۳۰۶ برگزار کرد، انعکاس یافت. در این برنامه جدا از تاکید بر خواست‌های عمومی طبقه‌ی کارگر همچون هشت ساعت کار روزانه، بر منع کار شبانه برای زنان و مرخصی با حقوق برای زنان چهار هفته قبل و چهار هفته بعد از زایمان تاکید شده بود

در آن زمان ساعات کار بالا و دستمزد ناچیز یکی از مشکلات بزرگ کارگران زن و مرد بود، اگرچه مشکل های کارگران را جوابگو باشد.

اجتماعی طیف وسیعی از زنان کارگر را که در این کارگاهها به کار اشتغال دارند نه تنها شامل این مشمولیت شدند بلکه با حداقل دستمزد در این کارگاهها به کار گرفته میشوند. تمام این قوانین ضد کارگری زنان کارگر را با بیکاری وسیع، عدم امنیت شغلی؛ و تامین اجتماعی روبرو ساخت. امروز شاهد هستیم که اشتغال زنان بویژه زنان کارگر در بازار کار از درصد ناچیزی برخوردار است.

### یک نگاه تاریخی به تشکلهای کارگری ایران

در آخر قرن نوزدهم، صناعی که بیشتر در ایران رواج داشت عبارتند بود از: قالبیافی و چرمسازی که بنا به تقاضای بازار جهانی بیشتر از صنایع دیگر رشد نموده بودند. حتی سرمایه‌های خارجی در ایجاد اولین کارگاههای بزرگ قالبیافی که شکلی از مانوفاکتورها در انگلستان بودند، نقش موثری داشتند. سایر رشته‌های تولیدی برای رشد و گسترش، بویژه با مانع بزرگی به نام سرمایه‌داران خارجی و واردات کالا از آن کشورها روبرو بودند. بویژه آن که قدرت و نقش مستقیم دولت‌های انگلیس و روسیه در ساختار و قدرت سیاسی ایران و حمایت آن‌ها از سرمایه‌داران خودی در برابر آلت دست دولت ایران و دادن امتیازات ویژه به سرمایه‌داران خارجی، در برابر تهدیدات و معضلاتی که سرمایه‌داران داخلی با آن روبرو بودند، از جمله عواملی بود که مانع رشد صنایع در سایر رشته‌ها می‌شد .

چارلز عیسوی در کتاب "تاریخ اقتصادی ایران" به نقش سرمایه‌های خارجی در گسترش صنعت قالی‌بافی اشاره می‌کند. کارگاههایی که در آن‌ها زن‌ها و کودکان نیروی کار عمده‌ی آن را تشکیل می‌دادند و در شرایط بسیار سخت‌مجبور به کار با دستمزدهای بسیار پائین بودند. او در این کتاب از کارخانه‌ای متعلق به یک تاجر روسی می‌نویسد که هزار و پانصد کارگر داشت و سود سالانه آن به ۵۰ هزار لیره انگلیس می‌رسید .

در دوره قاجاریه، طبق آماری که از میزان کارگاههای موجود در اواخر قرن نوزدهم حاکی است که ۲۰ کارگاه با ۵۲۴ کارگر متعلق به سرمایه‌داران ایرانی و ۴۱ کارگاه با ۱۱۵۲ کارگر متعلق به سرمایه‌داران خارجی بوده است. در میان کارگاهها و یا کارخانه‌های متعلق به سرمایه‌داران ایرانی کارخانه ابریشم بافی با ۱۵۰ کارگر زن و در میان



## جزوه زنان کارگر



در جریان اعتصاب در سال ۱۳۰۸ حضور بسیار فعالی داشتند و علاوه بر فعال بودن در تشکلهای مخفی کارگران، در برابر نیروهای سرکوبگر به مقاومت و مبارزه پرداخته و از روحیه ایی رزمنده برخوردار بودند و برای آزادی کارگران زندانی اعتراضات متعددی را سازمان دادند

بعد از تصویب اصلاحات ارضی در بهمن سال ۴۱ و در فرآندومی که برای اولین بار حق رای به زنان داده شده بود، نطفه های رشد و شکوفائی مناسبات سرمایه داری فراهم گردید. با پیدایش مناسبات سرمایه داری حاکم، نیروی کار هم دستخوش تغییراتی گردید. به دلیل نیاز به نیروی کار در مراکز تولیدی و کارخانه ها در زمان رونق سرمایه داری تعداد زیادی نیروی کار از روستا به شهرها هجوم آوردند که این خود باعث گسترش شهرنشینی شد. از سوی دیگر نیاز به نیروی متخصص برای کار در کارخانه ها و پاسخگویی به نیازهای جدید، آموزش و پرورش و مراکز حرفه ای و صنعتی گسترش یافت.

برای مثال تحصیلات رایگان تا هشت سال اول تصویب شد و مراکز آموزش عالی گسترش یافتند. میزان باسوادی در میان زنان که در سال ۱۳۳۵ تنها ۸ درصد بود در سال ۴۵ به ۱۸ درصد و در سال ۵۴ حدودا به ۳۵ درصد افزایش یافت. همچنین زنانی که تحصیلات دانشگاهی داشتند از ۵ هزار نفر در سال ۴۵ به ۷۵ هزار نفر در سال ۵۶ رسید. میزان اشتغال زنان نیز از ۹/۵ درصد در سال ۳۵ به حدود ۱۳ درصد در سال ۵۵ رسید.

افزایش مشارکت زنان در بازار کار نتیجه تغییرات در مناسبات تولیدی سرمایه داری بود که همراه با خود رشد اقتصادی را به همراه آورده بود. در سالهای ۵۱ تا ۵۵ به دلیل رشد قیمت نفت، نرخ رشد سرمایه گذاری تا ۲۴/۷ درصد افزایش یافت. اینها همه تغییراتی بودند که منجر به افزایش مشارکت زنان در بازار کار و مشخصه های هم چون بالا رفتن نرخ باسوادی در میان آنها گردید. واقعیت این است که در بازار کار جهانی موردی که باید به آن توجه داد، رشد نرخ بیکاری در سراسر جهان است. از دوره رکود دهه ۱۹۳۰ تا کنون، در سالهای اخیر، در بیشتر کشورهای صنعتی نرخ بیکاری به بالاترین میزانش رسیده است. اما نکته قابل توجه تر از آن نرخ بسیار بالای

دستمزد در مورد زنان کارگر بدتر از مردان کارگر بود. برای نمونه ساعات کار در کارگاههای قالی بافی همدان از ۵ بامداد شروع و تا ۶ بعدازظهر ادامه می یافت که در طول روز کارگران یک استراحت کوتاه داشتند. در کارخانجات پنبه پاک کنی ساعات کار گاه به ۱۴ ساعت در روز هم بالغ می شد.

دستمزد نیز به طرق گوناگون پرداخت می شد. هیچ یک از کارگران قادر نبودند کفش و لباسی برای خود تهیه نمایند. قالیبافان نیز که عموما به صورت کارمزدی کار می کردند، یک قران دستمزد می گرفتند. دستمزد سرکارگران ۱/۵ قران و دستمزد استادکاران به ۳ تا ۴ قران بالغ می شد.

وضعیت بد اقتصادی همچنین منجر به مهاجرت صدها هزار نفر از دهقانان و کارگران از مناطق شمالی کشور از خراسان تا آذربایجان برای کار به کشورهای مجاور و بویژه باکو شد. برای مثال در سال ۱۹۰۳ از ۲۳۵۰۰ نفری که در صنعت نفت باکو مشغول به کار بودند ۲۲/۲ درصد ایرانی بودند که تا سال ۱۹۱۵ به ۲۹/۱ درصد رسید. در سال (۱۹۱۱) - ۱۶۰ هزار کارگر موقت و ۳۳ هزار کارگر دائمی ایرانی در روسیه کار می کردند. بخشی از کارگران مهاجر کارگران زن بودند برای مثال در معدن نفت باکو و سایر کارخانه های آن منطقه در سال (۱۹۱۳) ۲۰۹۲۵ کارگر مرد و ۱۹۱۵ کارگر زن ایرانی کار می کردند که در سال ۱۹۲۰ این رقم به ۲۳۰۳۴ کارگر مرد و ۹۱۲۴ کارگر زن ایرانی افزایش یافت.

صنعت نفت یکی از صنایع مهم در این دوران بود. در سال ۱۹۰۹ شرکت نفت ایران - انگلیس رسما اعلام موجودیت نموده و شروع بکار کرد و در سال ۱۹۱۲ ایران رسما صادرات نفت خود را آغاز کرد که در سالهای بعد به شدت افزایش یافت به طوری که در سال ۱۴ - ۱۹۱۳ بیش از ۲۵۰ هزار تن نفت صادر شد و سود خالص شرکت نفت ایران - انگلیس به ۶۰ هزار لیره بالغ گردید. کارگران هندی در ابتدای بدو تاسیس شرکت نفت درصد بالایی را شامل میشدند و در بخشهای تخصصی تر با درآمدی بیشتری به کار اشتغال داشتند، اما به کارگران ایرانی ساده ترین و پست ترین کارها واگذار شده بود، رفته رفته بر تخصص و تعداد کارگران ایرانی افزوده گردید. در صنعت نفت اگرچه کارگران زن حضور نداشتند اما زنان کارگران مرد بویژه



## جزوه زنان کارگر



هسکار در خانه ی افراد مرفه، استفاده می‌کنند و یک بخش از دستمزد این زنان را به خود اختصاص می‌دهند. همچنین در سالیان اخیر شاهد ارائه خدماتی به برخی از طبقات مرفه و متوسط در امور آشپزی هستیم. از قبیل پاک کردن و سرخ کردن سبزی، بادمجان و از این نمونه کارها. زنانی که در این بخش کار می‌کنند، از ساعات کار طولانی و دستمزدهای حداقل برخوردارند.

### کار زنان در بخش کشاورزی:

زنان کارگر در بخش کشاورزی به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند. بخش اول زنانی هستند که به‌صورت خانوادگی کار می‌کنند. در واقع روی قطعه زمین و یا دامی که دارند زن در کنار شوهرش و گاه سخت‌تر از او و در حالی‌که کارهای خانه نیز برعهده‌ی اوست کار می‌کند. در این گونه کار، زنان نه دستمزدی دارند و نه بیمه‌ای و از این جهت ۱۰۰ درصد متکی به همسران‌شان می‌باشند. زن در این گونه روابط نابرابر هرگز به موقعیتی برابر با مرد و استقلال اقتصادی دست پیدا نمی‌کند.

بخش دوم زنان فاقد زمین هستند که بر سر زمین دیگران کار می‌کنند که از جمله می‌توان به شالیزارهای برنج، باغ‌های چای و یا باغ‌های میوه اشاره کرد که در تمام این موارد کار زنان فصلی می‌باشد. زنانی که در این بخش کار می‌کنند فاقد بیمه بوده و با معضل دستمزد مناسب روبرو هستند. با وجود آن که بیشترین درصد کشاورزی این استان بر دوش زنان است، اما زنان کشاورز از هیچ حمایت اجتماعی برخوردار نیستند.

در مرغداری‌ها، دامداری‌ها و کشتارگاه‌ها نیز زنان کارگر حضور دارند. زنان کارگر در این کشتارگاه برغم آن که حتا بیش از ۸ ساعت کار می‌کنند از دریافت دستمزد تعیین شده در قانون کار محروم هستند. آن‌ها همچنین مجبور به اضافه کاری و فعالیت در شیفت شب هستند که از ساعت ۵ بعدازظهر شروع و تا ساعت ۸ صبح ادامه می‌یابد. همچنین زنان کارگر در بخش صید، پرورش ماهی و آبزیان دریایی حضور دارند. در استان هرمزگان و جزایر خلیج فارس تعداد زنان صیاد بالا می‌باشد. زنان کارگر در این بخش نیز با معضلات بسیاری روبرو هستند، برای نمونه کار سخت و نداشتن بیمه یکی از مشکلات آن‌ها است که در صورت از کار افتادگی هیچ منبع درآمدی نخواهند

بیکاری در کشورهای درحال توسعه است که روزافزون است... در شرایط کنونی همزمان با بحرانهای سرمایه جهانی و طرحهای خصوصی سازی که از سیاستهای صندوق بین المللی پول و بانک جهانی ناشی میشود این بیکاری در سراسر جهان و بویژه در کشورهای در حال توسعه همچون چین، کشورهای شرق و جنوب شرقی آسیا و هندوستان، ایران رو به رشد بوده و به فقر و فلاکت طبقات فرودست جامعه که زنان کارگر بیشترین درصد آن را شامل می شوند دامن زده است.

### کارگران زن بخش خدماتی:

کارگران زن در بخش خدمات که عموماً در قبال ۱۰ تا ۱۲ ساعت کار روزانه حتا از حداقل دستمزد و بیمه تامین اجتماعی نیز برخوردار نمی‌باشند. از وضعیت بسیار اسفباری برخوردارند. این کارگران که برای نمونه فروشندگان زن هستند یا به کارهای خانگی اشتغال دارند در برابر ساعات کار طولانی که گاه تا ۱۲ ساعت در روز و آن هم هفت روز هفته بالغ می‌شود، به طور معمول حتا نیمی از حداقل دستمزد تعیین شده توسط دولت را نیز دریافت نمی‌کنند.

مهد کودک‌ها یک نمونه بسیار روشن این استثمار هستند. دستمزد مربیان مهد کودک که همگی زن هستند، باید براساس قانون کار پرداخت شود، اما در اغلب مهدهای کودک، دستمزد آن‌ها حدود یک چهارم تا یک سوم حداقل دستمزد یک کارگر است. از سوی دیگر بالا بودن شهریه مهدهای کودک، یکی از موانع مهم بر سر راه زنان برای ورود به بازار کار نیز می‌باشد. طبیعیست کارگر زنی که حداقل دستمزد را می‌گیرد هرگز نمی‌تواند با این دستمزد هزینه مهد کودک را بپردازد. در این صورت یا باید از کار کردن منصرف شود و یا این که نگهداری بچه را به اطرافیان خود بسپارد که این نیز به معنای خدمت مجانی است که سرمایه‌داران از آن بهره می‌برند.

همچنین در بخش خدمات زنان کارگری هستند که ناچار شده اند در خانه‌های سرمایه‌داران به کار آشپزی، نظافت و دیگر کارهای امور خانه‌ی آن‌ها بپردازند. امروز شرکت‌های پیمانکاری وجود دارند که تعدادی زن به‌عنوان مستخدم در اختیار دارند و از این کارگران که عموماً زن هستند برای



## جزوه زنان کارگر



این سازمان پرداخت کنند. در حالیکه حداقل دستمزد کارگر برابر با 609 هزار تومان است اما دریافتی یک معلم حق التدریسی در بهترین شرایط با کار تمام وقت از این مبلغ کمتر می‌باشد. با توجه به این که این معلم در ایام تعطیل (از جمله تابستان) حقوقی دریافت نمی‌کند و همین‌طور از هیچ مزایایی هم چون بیمه برخوردار نیست به این نتیجه می‌توان رسید که دستمزد یک معلم حق التدریسی با مدرک لیسانس از دستمزد حداقل مصوبه شورای عالی کار نیز کمتر می‌باشد.

### زنان کارگر دستفروش:

به علت بحرانهای شدید اقتصادی در سراسر جهان که بیکارسازیها مداوم را دنبال دارد و اولین قربانیان این بیکارسازیها زنان می‌باشند، تعداد چشمگیری به علت از دست دادن همسرانشان یا جدا شدن از آنها سرپرستی خانواده‌های خود را بعهده دارند. و در برخی موارد هم از مهارت و تحصیلات کافی برخوردار نیستند، برای امرار معاش به شغل دستفروشی روی می‌آورند. به طوری که در ایران و طی سال‌های 1375، 1365، 1355 خانواده‌های "زن سرپرست" به ترتیب 4.1، 4.7، 8.7 درصد از کل خانوارهای کشور را تشکیل داده‌اند و بر اساس آمار، سال 1385 این رقم به 9.45 درصد رسیده است. (سالنامه‌ی آ ماری کشوری 1385).

بررسی‌ها نشان داد که در سال 1385 از این میزان زنان سرپرست خانوار، تنها 15.8 درصد به شکل رسمی شاغل بوده‌اند زنان زحمتکش دستفروش بیش از حد معمول کار می‌کنند اما نقش آنان در اشتغال نشان داده نمی‌شود و کار آنان همچون کارخانگی ارزش گذاری نشده و نه از بیمه در بین آنان خبری است و نه هیچگونه حمایت دولتی از کار آنان. اصولاً با تشدید فقر و مهاجرت روستائیان به حاشیه شهرها دستفروشی یکی از مشاغل زنان حاشیه نشین شهرهاست. بحرانهای موجود اقتصادی که گریبانگیر حکومت سرمایه اسلامی شده، تورم و گرانی را افزایش داده، و به عدم امنیت شغلی و بیکارسازیهای های دامن زده و هر روز زنان بیشتری را به سمت این شغل‌های کاذب از جمله دستفروشی سوق میدهد.

آنان صرف نظر از انجام وظایف مادری و کارهای خانگی، بجای همسرانشان که در خانواده حضور ندارند و کل

داشت. دولت یکی از موانع عمده بیمه شدن زنان صیاد می‌باشد که از صدور کارت ملوانی برای آنها خودداری می‌کند و این در حالیست که زنان صیاد پا به پای مردان کار می‌کنند.

### پرستاران و معلمان:

بر اساس آمار، ۹۰ درصد پرستاران شاغل در ایران، زن می‌باشند. همچنین سالانه ۵۰۰۰ نفر به عنوان پرستار از دانشگاه فارغ‌التحصیل می‌شوند که ۸۷ درصد آنان زن هستند.

پرستاری در ایران یکی از شغل‌های بسیار سخت اما با درآمد پایین است. یکی از دلایل آن کمبود پرستار و عدم استخدام پرستار به میزان مورد نیاز در بیمارستان‌ها و مراکز درمانی می‌باشد. به‌طور مثال در حالی که استاندارد میزان پرستاران در کشورهای اروپایی به‌ازای هر ۱۰۰۰ نفر ۱۰ پرستار می‌باشد در ایران به‌ازای هر ۱۰۰۰ نفر کمتر از یک پرستار وجود دارد. بخش بزرگی از زنانی را که در بخش خدمات مشغول به کار هستند، معلمان تشکیل می‌دهند. بر اساس اعلام معاون وزیر و رئیس سازمان مدارس غیر دولتی از ۹۰۰ هزار پرسنل آموزش و پرورش، ۵۷۰ هزار نفر زن می‌باشند.

علاوه بر وزارت آموزش و پرورش، معلمان شاغل در موسسات آموزشی خصوصی و مدارس غیر انتفاعی عموماً در استخدام آموزش و پرورش نیستند. همچنین معلمان که به صورت حق التدریس یا توسط شرکت‌های پیمانی در مدارس تدریس می‌کنند، در استخدام وزارت آموزش و پرورش نیستند. این گروه از معلمان، بویژه معلمان مدارس غیرانتفاعی در مقطع ابتدایی و حق التدریسی اغلب زن می‌باشند.

اما واقعیت این است که در عمل معلمان مدارس غیرانتفاعی و معلمان حق التدریسی و یا مراکزی که به نوعی زیر نظر وزارت آموزش و پرورش کار می‌کنند، مشمول قوانین وزارت کار نیستند.

این معلمان از آنجا که در تابستان مدارس تعطیل هستند، عملاً درآمدی نیز در این ماه‌ها ندارند. آنها هم چنین از مزایایی همچون بیمه محروم هستند و در صورت تمایل، خود باید هزینه بیمه را بر اساس قراردادی که وزارت آموزش و پرورش با سازمان تامین اجتماعی بسته به



## جزوه زنان کارگرد



توانند وقت خود را با نیازهای خانواده خود تطبیق دهند. اما مخاطرات و زیانهای آن هم کم نیست.

این درصد از زنان که به این شغل مشغولند، زنان شریف و زحمتکشی هستند که برای بقاء خود و فرزندانشان مخاطرات و ناامنیهای این شغل را به تن می‌خرند تا بتوانند خود را سر پا نگه دارند. در ضمن درآمد ناشی از این شغل با میزان تورم و گرانی سرسام آوری که در جامعه ایران موجود است کفاف زندگی را نداد و زندگی این زنان در نقش مادر و سرپرست خانواده همیشه با نگرانی و تشویش همراه است.

ساعات طولانی کار دستفروشان و تحقیرهایی که به آنان می‌شود از معضلات قابل توجهی است که زنان دستفروش هر روز با آن مواجه هستند. چرا که دستفروشان مجبورند برای فروش کالای خود خریداران را به هر شکلی مجاب کنند و همین فشار روانی مضاعفی را به آنان تحمیل می‌کند. اصولاً کار کردن در خیابان خطرانی را از نظر ایمنی کار ایجاد نموده و بالاترین آسیب‌های اجتماعی را بدنبال دارد. این مشاغل که مانند بعضی از مشاغل دیگر بر اثر حاشیه نشینی و بیکاری به وجود آمده است از هیچ نوع امنیت شغلی و بیمه‌های اجتماعی برخوردار نیست. دولت و ماموران مزدور شهرداری برای جمع کردن بساط زنان دستفروش مترو بارها به آنها گوشزد نموده اند که مردم بر علیه آنها شکایت می‌کنند، اما مردم با درک این مسئله و خرید از آنها کذب این دروغ را بارها به اثبات رسانده اند. حتی خیلی از مشتریها که این اجناس را از این دستفروشها به قیمت ارزانتر می‌خرند بسیار راضی هستند. تا جاییکه به زنان دستفروش شهرهای دیگر ایران برمیگردد، زنانی که با فرهنگ کارکردن در بیرون از خانه آشنائی دارند، چه در مزارع یا بازارهای روز، آنها هم زنان زحمتکشی هستند که اغلب سرپرست خانوار می‌باشند. و روز بروز هم به دلیل بالا رفتن هزینه زندگی و عدم امنیت اقتصادی بر تعدادشان افزوده می‌شود. در مجموع در فروردین ۱۳۹۱ به نقل از خبرگزاریها ۳۰۰ هزار زن دست فروش زیر ۵۰ سال داریم که قطعاً طی این چند سال اخیر افزایش بیشتری یافته است که این زنان رده سنی و فرهنگی گوناگونی را شامل می‌شوند اما همه

مسئولیت خانواده بر عهده آنها قرار گرفته به مانند مردان در رفع نیازها و کمبودهای اقتصادی خانواده می‌کوشند و مسئول هستند ولی از حقوق برابر با مردان در هیچ بعدی برخوردار نیستند؛ روز بروز هم به دلیل بالا رفتن هزینه زندگی و عدم امنیت اقتصادی بر تعدادشان افزوده می‌شود. آنها اجناس خود را که تقریباً از بازارهای واسطه تهیه می‌کنند، بسیار ارزانتر از قیمت استاندارد برای فروش عرضه می‌کنند و دارای مشتریان ثابتی هم نیستند چون جای ثابتی ندارند.

کار زنان دست فروش دارای مشکلات و محدودیت های زیاد مکانی و زمانی است؛ از کار در هوای سرد و بارانی و نامناسب خیابان گرفته، تا بعضاً مزاحمت ها و آزارهای جنسی مردان رهگذر و خریدار؛ قبل از تاریک شدن هوا باید محل کسب را ترک کنند تا که مبادا اجناس آنها به سرقت رود و یا احیاناً آسیبهایی جنسی متوجه آنها شود.

در ابتدا و پایان کار مجبور هستند کیسه ها و جعبه های سنگین اجناسشان را به سختی حمل و نقل کنند که این امر موجب جلب توجه ماموران شهرداری می‌شود؛ آنها همیشه سایه شوم ماموران شهرداری و نیروی انتظامی را با اضطراب و نگرانی بالای سر خود احساس می‌کنند که مبادا هر لحظه برای آنها مزاحمتهایی ایجاد نمایند و اجناسشان را ضبط کنند؛ حتی در مواردی نیز اجناس ضبط و توقیف شده را به صاحبان آن بر نمی‌گردانند که این بخش فاجعه باری برای دست فروشان است و بدین ترتیب همه سرمایه خود را از دست می‌دهند؛ هیچ مقام قانونی هم پاسخگو نیست. آنان فقط سعی دارند قبل از رویرو شدن با ماموران شهرداری از محل دور شده باشند.

در متروی تهران این زنان بساط دستفروشی خود را بر پا می‌کنند که محل شلوغ و پر رفت و آمدی است. البته شغل دستفروشی تنها مختص به تهران نیست بلکه در شهرستانها هم در بین زنان رواج دارد.

شغل دستفروشی برای زنانی که منبع درآمد خود را از این راه تامین می‌نمایند مزیتهایی به نسبت بعضی از مشاغل به همراه دارد، این زنان ساعت کاری مشخصی ندارند و



## جزوه زنان کارگر



از تمام امکانات و لذات زندگی دچار پیری های زود رس هستند.

بعضی از این کارگران زن حدود 20 سال است که به این کار طاقت فرسا ادامه می‌دهند. آنها بچه گی ایشان را با کار در کوره پزخانه هاشروع کرده اند. از ساعت 4 صبح بیدار می شوند و تا هفت غروب کار می کنند (15 ساعت کار مداوم) در کنار این کار شاق و پر زحمت باید پخت و پز، بچه داری، نظافت و غیره را هم انجام دهند. این نوع کارهای خانگی فقط مختص زنان است و مردان در آن نقشی ندارند. نکته قابل توجه این است که دستمزدها فقط به مردان خانواده پرداخت میشود. و مردان بدون شریک کردن زنان در دریافت این دستمزدها کنترل کامل بر دخل و خرج منزل و خانواده را به عهده دارند.

از کارفرماها سوال میشود چرا دستمزد زنان را مستقیم نمی پردازند. آنها مدعی هستند که ما با تعداد معدودی از کارگران در تماس هستیم. این وظیفه شوهران و مردانشان است که دستمزد آنها را پردازند. البته این حکم جامعه مردسالاری است و کارفرماها برای منفعت بیشتر از آن تبعیت می کنند.

مسئله ای که بیشتر از فشار کاری شاق و سخت کوره پزخانه ها زنان کارگر را آزار می دهد خشونت است که در روابط خانواده گیشان حاکم است. که بیشتر از جانب مردان خانواده اعمال می شود که در اثر این فشارهای روحی و جسمی تعدادی از زنان راه چاره ای نمی بینند جزء خودکشی که بیشتر از طریق خود سوزی انجام می پذیرد.

زنان کارگر کوره پزخانه ها تحت انقیاد ستم جنسی و طبقاتی از یک طرف به دلیل زن بودن نشان تحت مالکیت مردان خانواده قرار دارند و قربانی عقب ماندگیها و خشونت هستند که نظام سرمایه داری هر روز تولید و باز تولید می کند. و از طرف دیگر قربانیان توحش سرمایه ای هستند که با استثمار بیشتر و به حساب نیآوردنش به عنوان یک انسان حتی از پرداخت دستمزد ناچیزشان سر باز میزند.

این زنان زحمتکش بعنوان بخشی از طبقه کارگر محسوب شده و برای مقابله با وضعیت موجودشان نیاز به سازمان یافتن دارند.

### زنان کارگر کوره پزخانه ها:

کارگران کوره پزخانه ها بخشی از طبقه کارگر ایرانند که با شاق ترین شرایط کار و زندگی دست به گریبانند. کار جسمی کارگران کوره پزخانه در زمره مشاغل سخت و زیان آور قرار دارد و در عین حال در بی حقوقی شدید مورد استثمار واقع می گردند.

زنان کارگر کوره پزخانه کارهایی را برعهده دارند که از توان جسمی آنها خارج است، بسیاری از آنان کودکان خود را بر سر کوره های آجرپزی به دنیا می آورند. مرخصی زایمان در کوره پزخانه ها برای کارگران زن ناآشناست، به طوری که آنها پس از زایمان فرزندان خود را به گهواره می سپارند و به سر کار باز می گردند.

آنچه در کوره پزخانه ها مشاهده میشود، درد است و رنج ، استثمار زنان کارگر در نهایت قساوت و بیرحمی. زنان حامله ایی که ضمن کار شاق روزانه در کوره پزخانه ها مجبور هستند وظایف خانه داری، آشپزی و مراقبت از کودکان را به عهده بگیرند. و خیلی مواقع روز این سیهپختان با کتک خوردن از طرف همسرانی که خود زیر فشار و استثمار خرد شده اند، روز را به پایان می رسانند. در این نوع کار سن، جنسیت و استاندارد کاری، حقوق و مزایا و بازنشستگی بی معنی است. آنچه در این کار معنی پیدا می کند تمام خانواده را از هر جنسیت و سنی به کار کشیدن است. زنان حامله، زنان شیرده، کودکان زیر ده سال و پیرمردان.

در ابعادی وسیعی نسلها از کارگران بخصوص کار بردگی زنان و کودکان برای سود دهی هر چه بیشتر سرمایه، در اشکال خانوادگی توأم یافته و قابل رویت است. کارگران زن قربانیان این توحش سرمایه و بربریت اکثراً بیسواد هستند، خانواده هایشان به آنها اجازه نداده اند که به مدرسه بروند. بیشتر آنها به علت فشار کاری زیاد و محروم بودن



## نتایج اجتماعی رانده شدن زنان از بازار کار

معضل اجتماعی ریشه در فقر و نیاز مالی دارد که به علت شرایط بد اقتصادی و بیکاری گسترده ایی که در سطح جامعه موجود است، بسیاری از زنان سرپرست خانواده و بدون حمایت مالی را ناگزیر به تن فروشی می نماید. مسئله صیغه (فحشاء موقت) که زنان از این طریق مورد تحقیر و بی حرمتی قرار گرفته در ضمن اینکه در این روابط کالایی زنان مورد سوء استفاده های جنسی قرار می گیرند، با مشروعیت دادن شرعی و قانونی به آن به عنوان یک شغل که زنان بتوانند بخشی از درآمد خود را از این راه جبران نمایند رسمیت داده شده است. برخی از زنان هم علیرغم خواست خود ناچارانند به آن تن دهند تا بدین وسیله یک بخش از نیازهای مالی خود را تامین نمایند.

براساس گزارشات و آمارهایی که از سوی ارگان های حکومتی مانند نیروی انتظامی منتشر شده است، سالانه ۳۰ درصد بر تعداد زنان و دخترانی که به اتهام تن فروشی دستگیر می شوند افزوده می شود که حاکی از افزایش وحشتناک تعداد زنان و دختران تن فروش است.

براساس اعلام مرکز آمار ایران، هم اکنون زنان سرپرستی ۱۵ درصد از خانوارها را برعهده دارند. نکته تاسف بار در این است که از مجموع زنان سرپرست خانوار کمتر از ۲۰ درصد شاغل بوده و حدود ۸۰ درصد آنها بیکار می باشند. حاکمیت سیاه حکومت جمهوری اسلامی که عامل اصلی فقر و فلاکت و بیکاری در جامعه است، شرایطی را فراهم کرده است که زنان به علت عدم حمایت های اجتماعی و مالی اولین قربانیان و آسیب پذیرترین اقشار جامعه می باشند.

اما جدا از میزان اشتغال زنان، مساله مهم دیگر وضعیت زنان شاغل در رابطه با دستمزد نابرابر است. زنان کارگر در ایران در اغلب موارد دستمزدی به مراتب کمتر از دستمزدهای قانونی دریافت می کنند و در ضمن از ایجاد تشکلهای مستقل خود محروم هستند. در ایران تنها تشکلهای ارتجاعی و ضد کارگری از جمله: شورای اسلامی کار، انجمنهای صنفی و .... که با دخالت دولت بوجود آمده اند، امکان فعالیت قانونی دارند و هرگونه تلاش زنان برای ایجاد تشکلهای مستقل در طول این سالها با سرکوب، زندان و شکنجه رژیم همراه بوده است، این در حالیست که ایجاد تشکلهای مستقل از اولیه ترین حقوق بشمار آمده و در بیشتر کشورهای دنیا زنان از حق ایجاد

نچه امروز قابل مشاهده است تنها درصد بسیار کمی از زنان کارگر ایران به کار اشتغال دارند. در موقع بیکارسازیها زنان اولین قربانیان صف مقدم این بیکارسازیها هستند. آمارتاید جنسی که در طی بیش از سه دهه از حاکمیت جمهوری اسلامی بر جامعه ایران حاکم بوده، به فجیع ترین شکل در وضعیت زنان از نظر اقتصادی-اجتماعی در بازار کار تاثیر گذاشته است.

بیکاری یکی از دلایل اصلی است که سبب افزایش اعتیاد، خودکشی، بیماری های روحی و تن فروشی در میان زنان شده است. برای نمونه میزان شیوع بیماری و اختلالات روانی از جمله افسردگی در میان زنان از مردان بیشتر است. طبق گفتهی "رئیس انجمن علمی روانپزشکان ایران" ۲۵ درصد افراد بزرگسال در ایران به بیماری های روانی دچار هستند، به گفتهی وی یک سال قبل بین ۲۰ تا ۲۳ درصد دچار بیماری های روانی بودند. همچنین میزان بیماری های روانی میان زنان ۶ درصد بیشتر از مردان اعلام شده است. همچنین آمارها از افزایش وحشتناک بیماری های روانی حکایت دارد. فقر و عدم ثبات اقتصادی که به نابرابریهای جنسیتی و طبقاتی در بین زنان منجر شده است علت اصلی افزایش بیماری های روانی می باشند.

اعتیاد به مواد مخدر در میان زنان، بویژه زنان طبقات فرودست رو به افزایش است. طبق آمار رسمی نزدیک به ۱۰ درصد زنان در شهرهای مختلف کشور معتاد هستند. همچنین در برخی از آمارهای رسمی از وجود ۷۰۰ هزار زن معتاد خبر داده شده است. افزایش خودکشی در میان زنان نیز یکی دیگر از نتایج اجتماعی تبعیض جنسیتی و طبقاتی و تاثیرات وضعیت اسفبار اقتصادی آنها است.

موضوع دیگر افزایش تعداد زنان تن فروش و بویژه تن فروشی در سنین پائین بین زنان و دختران جوان است. این



## جزوه زنان کارگر



بحران های اقتصادی داخلی و جهانی سرمایه داری و سیاستهای خصوصی سازیها بر بازار کار تاثیر گذاشته، و به وسعت بیکار سازیها افزوده شده و همیشه اولین قربانیان آن زنان میباشند. و بر اساس آمار سایت مرکز آمار ایران میانگین نرخ بیکاری بهار سال ۹۳ را ۱۰/۷ درصد اعلام کرد که این نرخ برای مردان ۹ و برای زنان ۴.۱۹ درصد است. در واقع آمار بیکاری زنان دو برابر مردان میباشد.

از تبعیض جنسیتی در بازار کار نیز باید به عنوان یکی دیگر از موانع مهم ورود زنان به عرصه های کاری نام برد. برای نمونه پایین بودن دستمزد زنان نسبت به مردان، برای مادرانی که با این دستمزدها قادر به پرداخت هزینه های مهد کودک نیستند، در عمل معنای دیگری جز فراموش کردن کار ندارد و اتفاقا همین گروه از مادران

هستند که حاضرند در برابر پایین ترین دستمزدها به کار در خانه بپردازند که زنان قالیباف، زنانی که سبزی خشک می کنند و یا کارهای مقاطعه کاری انجام میدهند از نمونه های مشخص آن است، این دسته از کارها کارفرمایان حتما تا یک پنجم حداقل دستمزد قانونی آن هم بدون بیمه به این زنان پرداخت می کنند و تازه این گروه از مادران مجبورند گاه تا ۱۲ ساعت برای



دریافت همین مبلغ ناچیز کار کنند. این چنین است مشکل بخش بزرگی از زنان کارگر در بخش خدمات و یا کارگاههای کوچک که به علت تبعیض طبقاتی و جنسیتی و عدم قوانین و یا تشکلهایی که از آنها حمایت کنند، به شدید ترین شکل استثمار شده و مورد بی حقوقی قرار می گیرند. در شرایط فعلی و بویژه در شهرستانهای کوچک دختران جوانی که بسیاری از آنها تحصیل کرده هستند، مجبورند با ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار تومان ۶ روز در هفته کار کنند. در واقع می توان گفت شرایط کاری بسیاری از زنان کارگر جز بردگی مدرن در نظام سرمایه داری، آن هم در قرن بیست و یکم معنای دیگری ندارد.

نادیده گرفتن حقوق ویژه زنان یکی دیگر از اشکال تبعیض جنسیتی در محیط کار است. در همین رابطه می توان به

تشکل برخوردارند.

دستمزد نابرابر در ازای کار برابر در مورد زنان و مردان شاغل تنها مختص به زنان شاغل ایران بویژه زنان کارگر نیست. بلکه این مشکلی و اجحافی است که در سراسر دنیا و همه کشورها موجود است. اما در ایران بسیار متفاوت تر است در واقع فاصله فاحشی بین دستمزدهای کارگران زن با کارگران مرد وجود دارد که در کمتر جایی می توان این درجه از اجحاف را مشاهده نمود. طبق تحقیقات بعمل آمده: " نسبت دستمزد زنان کارگر نسبت به مردان یک سوم و در بهترین حالت دو سوم است ". مزایای کاری، بیمه درمانی و حق بیمه بیکاری و بازنشستگی از دیگر حقوق نادیده گرفته شده ی بخش بزرگی از زنان کارگر در ایران است که وضعیت بمراتب بدتر آنان را نسبت به مردان کارگر نشان میدهد.

اگر در وضعیت دستمزد زنان کارگر دقت کنیم، می بینیم زنان کارگر در کارگاههای کوچک و یا بخش های خدماتی در حالی که یک سوم و حتما تا یک ششم حداقل دستمزد را دریافت می کنند که به جای ۸ ساعت کار روزانه مجبور به انجام ۱۲ ساعت کار در روز می شوند. استثمار وحشیانه ایی که در مورد کار زنان در ایران مشاهده

می کنیم، وضعیت زنان کارگر را هر روز بمراتب دشوارتر نموده و آنها را به خط زیر فقر بیشتر سوق می دهد.

### موانع ورود زنان به بازار کار:

در این رابطه می توان از موانع متعددی نام برد، از موانعی که بیشتر ریشه در بحران و نیز ساختار اقتصاد سرمایه داری ایران دارند تا موانع سیاسی و فرهنگی. ساختار اقتصاد سرمایه داری ایران که متکی بر درآمد حاصل از صادرات نفت اقتصاد تک محصولی می باشد، یکی از عواملی است که مانع از گسترش دیگر صنایع تولیدی شده و از این جهت در کل بر میزان تقاضا در بازار کار تاثیر گذاشته است. لذا محدودیت بیشتری برای تقاضا برای کار زنان ایجاد نموده که از علتهای آن هم نابرابری جنسیتی است که بر بازار کار حاکم است. از دلایل دیگر آن همزمان





## جزوه زنان کارگر



از دست دادند  
در سال گذشته ۱۹۹۴ نفر تخمین زده شده است. این رقم در مقایسه با سال ۹۱ که تعداد تلفات حوادث کار ۱۷۹۶ نفر بود، ۱۱ درصد افزایش یافته است.

در پی آتش‌سوزی روز ۲۹ دی‌ماه طی دو سال گذشته در یکی از کارگاه‌های تولید پوشاک در خیابان جمهوری تهران که منجر به سقوط دو کارگر زن از طبقه پنجم و جان باختن‌شان شد، مساله عدم امنیت کاری در کارگاه‌های کوچک در سطحی گسترده در جامعه انعکاس یافت و مشخص گردید که در این کارگاه‌ها که تعداد قابل توجهی از کارگران زن در آن‌ها مشغول به کار هستند، اساساً رعایت اصول ایمنی معنایی ندارد.

در ارتباط با حوادث ناشی از کار در مورد زنان کارگر باید بر روی دو نکته مهم انگشت گذاشت. اول این که آمارهای دولتی عمدتاً منعکس‌کننده‌ی حوادث ناشی از کار در کارگاه‌های بزرگ و کارخانجات (مشمول قانون کار) بوده و از آن‌جایی که بخش بزرگی از کارگران زن در کارگاه‌های کوچک کار زیر ده نفر به کار اشتغال دارند عملاً جزء این آمار نیستند. از همین رو بخشی از زنان کارگر که درصد بالایی را هم شامل میشوند از بیمه‌های اجتماعی محرومند و به‌همین دلیل در برابر حوادث ناشی از کار بسیار آسیب پذیرند، در صورت بروز هر حادثه‌ای که به عنوان مثال موجب از کار افتادگی کارگر شود، به دلیل نداشتن بیمه، کارگر فوق از خدمات مربوط به این بیمه‌ها مانند حقوق از کار افتادگی و خدمات درمانی بی‌بهره خواهد ماند.

اما مشکل زنان کارگر در رابطه با حوادث ناشی از کار، ایمنی محیط کار و بیماری‌های ناشی از کار به این موارد محدود نمی‌شود و در واقع باید گفت در بخش بیماری‌ها مشکل زنان کارگر بسیار حادث‌تر می‌باشد، به ویژه آنکه آنها عموماً وظایف کار خانگی را بر دوش می‌کشند و از این جهت وقت به اندازه کافی برای استراحت نداشته و در اثر فشار کارهای بیرون و خانگی آن‌ها در برابر بیماری‌ها و حتی حوادث ناشی از کار آسیب پذیرتراند.

طبق گزارشی که از بخش آسیب‌شناسی تهیه شده است: " بیش از ۷۰ درصد زنان کارگر به افسردگی، استرس و اضطراب دچار هستند." زنان قالیباف در معرض انواع

مشکل مادران کارگر در رابطه با مهدکودک و مرخصی زایمان اشاره نمود. برای نمونه و براساس تحقیقی که صورت گرفته و معاون فنی درآمد سازمان تامین اجتماعی بر آن صحنه گذاشته است، در طی مدت ۱۸ ماه و از میان ۱۴۵ هزار زنی که از مرخصی زایمان استفاده کرده‌اند، ۴۷ هزار نفر از کار اخراج شده‌اند. همچنین برخی از زنان شاغل از ترس اخراج و نیاز به کار، از ازدواج خودداری می‌کنند.

یکی دیگر از موانع مهم زنان برای ورود به بازار کار، گذاشتن وظایف کار خانگی برعهده‌ی زنان است. فرهنگ مردسالار حاکم بر جامعه که به شدت از سوی حکومت تقویت می‌شود، باعث شده که حتی زنان تحصیل‌کرده‌ای که از موقعیت شغلی و درآمد خوبی نیز برخوردار هستند، با تحمیل کار خانگی از سوی مردان روبرو شوند. براساس تحقیقی که درباره‌ی اشتغال زنان صورت گرفته است، ۹۸ درصد زنان، از کار خانگی به‌عنوان مهم‌ترین مانع اشتغال خود نام برده‌اند.

تفکرات و قوانین ارتجاعی اسلامی، که در قوانین جاری کشور نهادینه شده به مانعی برای ورود زنان به بازار کار تبدیل شده است. برای مثال، شورای عالی انقلاب فرهنگی در مصوبه خود در رابطه با "سیاست‌های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی" از نقش زنان در خانواده به عنوان شغل اصلی آن‌ها نام برده است. یا در ماده‌ی ۱۱۱۷ قانون مدنی آمده است: " شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که با مصالح خانوادگی یا حیثیت مرد منافات داشته باشد زن را از انجام آن کار منع کند." همچنین باید از حجاب اجباری و قوانین مربوط به آن، به‌عنوان یک مانع جدی دیگر برای ورود زنان به بازار کار نام برد.

### ایمنی محیط کار، بیماری‌ها و حوادث ناشی از کار:

براساس آمارهای پزشکی قانونی، روزانه ۶ کارگر جان خود را در ایران از دست داده و تعداد زیادی نیز مجروح و از کار افتاده می‌شوند. در همین آمارهای دولتی، همچنین شاهد افزایش تعداد زنان کارگری هستیم که در اثر حوادث ناشی از کار جان خود را از دست داده و یا مجروح می‌شوند، برای مثال براساس آمار سازمان پزشکی قانونی تعداد کارگرانی که در اثر حوادث ناشی از کار جان خود را



## جزوه زنان کارگر



ناشی از کار در میان زنان نام برد، عواملی که ارتباط مستقیمی با فقر و نیازهای مالی زنان کارگر در جامعه ایران دارد و زنان کارگر را مجبور به تن دادن به شرایط بد کاری می‌کند. از کارهای دشوار و پر مشقت کار در کوره پزخانه‌ها توسط زنان و دختران جوان است. ساعات طولانی کار، سختی کار در کنار وظایف خانگی، زنان را بسرعت فرسوده می‌کند. البته این معضلی است، که بخش زیادی از کارگران زن با آن درگیرند.

به گفته یکی از سخنگویان خانه کارگر: "امروزه ما شاهد اشتغال زنان در مشاغل فنی سخت و در شیفت‌های شب کارخانجات و واحدهای تولیدی و صنعتی هستیم. دستمزد کارگران زن در اکثر موارد از همکاران کارگر مرد کمتر است و حق بیمه آن‌ها بطور کامل پرداخت نمی‌شود"، وی ادامه می‌دهد: "حداکثر ۱۰ درصد کارفرمایان قوانین اشتغال زنان را اجرا می‌کنند." یکی از معضلات خاص زنان در محیط کار مساله آزار و سوءاستفاده جنسی در محیط‌های کار در ایران است. معضل جدی ای که یکی از موانع زنان برای ورود به بازار کار و عامل افزایش تبعیض جنسیتی در محیط کار می باشد. این معضلات باعث می‌شوند تا زنانی که مورد آزار و یا سوءاستفاده جنسی قرار می‌گیرند یا سکوت کنند و یا مجبور شوند کار خود را ترک کنند.

در این رابطه تحقیقات و گزارشاتی منتشر شده است که همگی حکایت از افزایش آزار و سوءاستفاده جنسی از زنان در محیط کار، بویژه در کارگاههای کوچک و یا کارهای خدماتی دارند که بیشترین گروه از زنان کارگر را شامل می‌شود. در یکی از گزارشاتی که در این رابطه منتشر شده آمده است: "از زمانی که کارگاههای با کمتر از ۱۰ کارگر از پوشش قانون کار خارج شدند، مشکلات کارگران شاغل در این کارگاههای کوچک بیشتر شده است."

همچنین باید به این نکته توجه داد با گسترش فقر، بیکاری و بی‌حقوقی افزایش اذیت و آزارهای جنسی در محیط کار رو به افزون می باشد، به میزانی که فقر و بیکاری گسترش می یابد، معضلات کارگران زن از جمله در رابطه با آزارهای جنسی نیز ابعاد و دامنه بیشتری به خود می گیرد. در شرایطی که به دلیل فقر و نیاز مالی روز به روز بر تعداد زنان متقاضی کار افزوده می‌شود و در شرایطی که بازار

تنفسی، سردردهای شدید، بیماری‌های استخوانی و عضلانی، امراض پوستی و ناراحتی‌های چشمی قرار دارند و این در حالی‌ست که بسیاری از کارگران قالبیاف را دختران سن پائین تشکیل می‌دهند. همچنین به علت شرایط سخت و محیط کاری نامناسب کارگران قالبیاف، از سیاه زخم و ناراحتی‌های پوستی و ریوی و مسمومیت بر اثر استفاده از رنگ‌های شیمیایی به‌عنوان برخی از بیماری‌های ناشی از کار در میان زنان قالبیاف می توان نام می‌برد. ساعات زیاد کار از جمله عواملی‌ست که منجر به افزایش بیماری‌های ناشی از کار در میان زنان می‌گردد، ما در بخش‌های قبلی دیدیم که بسیاری از زنان کارگر مجبور به کار بیش از ۸ ساعت در روز هستند که گاه حتا به بیش از ۱۲ ساعت در روز نیز می‌رسد برای مثال می‌توان از پرستاران نام برد که به دلیل کمبود پرستار و ناچیز بودن دستمزد مجبور به اضافه کاری اجباری هستند، به‌طوری که گاه یک پرستار در سه شیفت کار می‌کند و این تازه یک روی سکه است. پرستاران به دلیل کمبود نیروی پرستاری همچنین مجبور به تحمل فشار کاری بالا هستند به‌طوری که گاه یک پرستار باید وظیفه مراقبت از ۲۰ بیمار را بر دوش گرفته و در ضمن پاسخگوی اطرافیان بیماران نیز باشد. ساعات کار زیاد همراه با فشار کاری و استرس بالا منجر به انواع بیماری‌های جسمی و روانی همچون درد کمر یا گردن، واریس پا و افسردگی برای پرستاران می‌گردد. همچنین برخی از کارها نیز موجب بروز بیماری‌های خاص در مورد زنان کارگر می‌شود. برای مثال کار کردن با مواد شیمیایی یکی از این موارد است. براساس خبری که در خبرگزاری "ایلنا" و به نقل از دبیر "خانه کارگر تهران" منتشر شد، کارگرانی که در کارخانه‌های تولید داروهای هورمونی کار می‌کنند، پس از چند سال کار مستمر دچار عوارضی می‌شوند که هویت جنسی‌شان را در معرض‌آسیب و خطر قرار می‌دهد. به‌گفته‌ی وی، کارگران زن در این واحدها با مشکل ازبیداد موهای زائد صورت و بدن مواجه می‌شوند به طوری که همچون مردان ناچارند هر روز صورت‌شان را اصلاح کنند.

در مجموع می‌توان از ساعات کار زیاد و کارخانگی به‌عنوان دو عامل مهم در افزایش حوادث و بیماری‌های



## جزوه زنان کارگر



دارند. این زنان در ضمن اینکه قربانیان مناسبات سرمایه داری هستند اما بخشی از زنان کارگر و طبقه کارگر محسوب میشوند. این زنان که به دلیل فقر و نداشتن هیچ حمایت مالی از طرف دولت سرمایه مجبور به این کار می‌شوند، در معرض شدیدترین خشونت‌های جنسی و امراض قرار دارند و حتا در مواردی به قتل می‌رسند. اما از آنجایی که کار این زنان در ایران "غیرقانونی" به حساب می‌آید، آن‌ها حتا امکان شکایت به هیچ ارگانی را ندارند، چرا که در این صورت خود تحت پیگرد قرار گرفته و با مجازات‌هایی از جمله زندان و حتا اعدام روبرو می‌شوند

در اینجا لازم است در مورد تفاوت دستمزدها بین زنان و مردان کارگر که بیشترین تبعیض جنسیتی بر زنان از آن ناشی میشود توضیح داده شود. همچنین از آنجائیکه بقول مارکس " مبارزه آشتی ناپذیر میان سرمایه دار و کارگر را مزد تعیین می کند" و از پایه اترین مطالبات طبقه کارگر می باشد و زنان کارگر بخشی زیادی از این طبقه را شامل میشوند بحث و جدل حول و حوش این معضل مهم لازم و ضروری است.

### دستمزد نابرابر زنان و مردان کارگر در ازای کار برابر

سرمایه داری در دورانی که نیاز به نیروی کار بیشتری دارد تا به تولید بیشتری دست یابد، زمانی که نیاز به ارتش بیکاران دارد تا عرضهی نیروی کار افزایش یابد، به نیروی کار زنان نیاز داشته و زنان هم باید وارد بازار کار شوند. در این هنگام است که با فریبکاری تحت آزادی زنان و رهایی زنان از کارخانگی می خواهد تا آنها روانه بازار کار شوند. هنگام تورم و بیکاری که باید این زنان به خانه برگردند، این بار با سفسطه گرایی از زنان می خواهند که به خانه برگردند: زیرا جایگاه اصلی زن در خانه است. دستمزد نابرابر زنان و مردان در ازای کار برابر تنه‌مختص به جامعه ایران نیست، هر چند جامعه ایران از آن جوامعی است که اختلاف فاحشی در رابطه با دستمزدها بین زن و مرد موجود است، اما این نابرابری در تمام کشورهای در حال توسعه و غیر توسعه مشاهده میشود. ریشه این نابرابری در ستم جنسیتی است که بر زنان در تمام دنیا روا میشود.



کار با رکود مواجه است، کارگران زن با سختیها و دشواریهایی روبرو می‌گردند و کارفرمایان، مدیران، کارمندان عالی‌رتبه و یا حتا سرکارگرا از این شرایط سوءاستفاده می‌کنند. در واقع موقعیت نابرابر زنان و نبود هیچ حمایت قانونی در عمل از آنها عامل مهمی در گسترش این معضل در محیط کار می‌باشد. آزار جنسی یک نمونه بارز از خشونت علیه زنان و تبعیض در محیط کار است.

در یکی از این گزارشات می‌خوانیم: " زنان کارگر در حالی که امکان سوءاستفاده جنسی از آنان توسط کارفرمایان‌شان بسیار بالاست و توامان مورد خشونت کلامی و شوخی‌های جنسی همکاران مردشان قرار می‌گیرند، ترجیح می‌دهند در مورد آنچه بر آن‌ها می‌گذرد، سکوت کرده و حتی گاهی آن را انکار کنند. آن‌ها به سختی برای سخن گفتن از دردهای این آزارها راضی به مصاحبه می‌شوند، آن هم نه فقط از ترس اخراج از کار و از دست دادن شغل‌شان، بلکه بیشتر از ترس بی‌آبرویی و برچسب خوردن به عنوان زنی که خود مورد آزار جنسی توسط همکار یا کارفرمایش قرار گرفته است".

بخش زیادی از زنان کارگر وقتی هیچ تخصصی ندارند و در شرایطی که بازار کار با رکود مواجه است بعد از مدتی که دنبال کار بوده اند، به خوبی می‌دانند پیدا کردن شغلی با حداقل حقوق تا چه میزان سخت و دشوار است. از آنجائیکه آنها واقعا به کارشان نیاز دارند، برای همین سعی می‌کنند تمام این خشونت‌ها و تبعیضهای سر کار که از طرف کارفرماها و همکاران مردشان بر آنها اعمال میشود را تحمل کنند. بعضی از آنها همسر ندارند و تنها نان آور منزل هستند، و تعداد دیگری هم همسرانشان معتاد است بخش دیگری از زنان که امروزه متأسفانه بخش عمده ای را شامل میشوند زانی هستند که در تجارت سکس اشتغال



44

## جزوه زنان کارگر



انجام می‌دهند و میزان تولیدی که ارائه می‌دهند، فقط یک بخش جزئی از این ماحصل تولید به عنوان دستمزد به آنها پرداخت می‌شود بقیه آن به شکل ارزش اضافی به جیب سرمایه داران و کارفرماها بر میگردد که به با سرمایه گذارهایی بیشتر از طرف سرمایه داران برای بکار گرفتن نیروی کار کارگر و استثمار او استفاده میشود. بهای نیروی کار باید سنجیده شود بر طبق میزان مایحتاجی که یک کارگر و خانواده‌اش و نیازهای روزانه ایی که دارد تا بتواند ادامه زندگی دهد. از قبیل: غذا، مسکن، استراحت، تفریح، آموزش، وسیله حمل و نقل و بهداشت و ... در نظام سرمایه داری سرمایه‌داران که خود را مالک نیروی کار می‌دانند به اشکال گوناگون سعی می‌کنند همواره دستمزدها کاهش یابد تا سود خود را افزایش دهند. سرمایه‌داری عامل اصلی استثمار و نابرابری‌هاست و با اتکاء به این نابرابری‌ست که سودهای کلان می‌برد. نابرابری جنسیتی در رابطه با زنان یکی از اولین و مهم ترین این نابرابری‌هاست که سرمایه داری تحت کار ارزان و پرداخت دستمزد کمتر بیشترین سود را از قبالت آن صاحب میشود.

سرمایه‌داری با شگردهای مختلف سعی در کاهش دستمزدها و افزایش سود سرمایه دارد: سرمایه داری از ترفندهای مختلفی برای کاهش دستمزدها استفاده می‌کند یکی از آنها این است که دستمزد را چند قسمت کرده و اسمهای مختلفی بر آن می‌گذارند: مزد ثابت، حق جذب، فوق‌العاده شغل، کمک هزینه مسکن و خواربار، حق اولاد، فوق‌العاده سختی کار، پاداش سالانه، اضافه کار، حق ماموریت و غیره. این ترفند باعث می‌شود، هنگام افزایش سالانه دستمزدها، فقط یک بخش از دستمزد که مزد ثابت محسوب می‌شود افزایش پیدا کند و نه همه‌ی دستمزد. این تقسیم شدن دستمزد به قسمتهای مختلف سبب می‌شود که کارگران از بخش‌هایی از آن محروم شوند و زنان بیشترین زیان را از این چند قسمت شدن دستمزدها ببینند.

در جوامعی مثل ایران که زنان به دلایلی مانند مسئولیت خانه و مراقبت از فرزندان و مسایل فرهنگی و ارتجاعی مذهبی... امکان اضافه‌کاری را ندارند، امکان رفتن به ماموریت‌های شغلی را کمتر دارند، در نتیجه دریافتی‌شان بسیار کمتر از مردان خواهد بود. تا مدتها در قانون این

تفاوت دستمزد بین زنان و مردان مشکلی نیست که تنها با اتکا به افزایش درآمد کشورها و رسیدن به سطح مناسبی از توسعه، حل شود. بررسی‌های مجمع جهانی اقتصاد این نهاد بین‌المللی در ۱۳۱ کشور جهان نشان می‌دهد در همه این کشورها زن‌ها دستمزد کمتری نسبت به مردها برای شغلی یکسان می‌گیرند. بر اساس این آمار دستمزد زنان در ایران ۴۱ درصد کمتر از مردان است و این در حالی است که ایران از این نظر بالاتر از برخی کشورهای اروپایی قرار دارد و رتبه ۹۸ را به خود اختصاص داده است.

طبق گزارش اداره آمار کار ایالات متحده، متوسط دستمزد یک زن که تمام وقت کار می‌کند و با شرایط یکسان و کار مشابه یک مرد ۸۰ درصد درآمد یک مرد است. اختلاف دستمزد در جامعه آمریکایی بین زن و مرد، در طول عمر کاری یک زن شاغل - مدام بیشتر و بیشتر می‌شود. یک زن سیاه پوست تنها معادل یک سوم تا ۴۵ درصد مازاد حقوق یک زن سفیدپوست را دریافت می‌کند که شامل مزایای تامین اجتماعی یا مقرری بازنشستگی است. بر اساس نتایج تحقیقی که اداره آمار اروپا بین کشورهای اروپایی انجام داده، در سال ۲۰۰۸ حقوق زنان ۱۸ درصد کمتر از مردان بوده است. در این میان، اتریش کمترین و ایتالیا بیشترین دستمزد را به زنان پرداخت می‌کنند. این تفاوت در فرانسه ۱۹ درصد، در انگلیس ۲۱ درصد و در آلمان این میزان ۲۳ درصد است. در ایتالیا هم که تفاوت دستمزد بین زنان و مردان ۴.۹ درصد است میزان اشتغال زنان در این کشور نسبت به دیگر کشورهای عضو اتحادیه اروپا پایین تر است. و این در حالی است که در کشور آفریقایی بروندي، کمترین نابرابری بین زن و مرد از نظر دستمزد دیده می‌شود. نسبت دستمزد زنان به دستمزد مردان در این کشور ۰/۸۳ اعلام شده است.

نیروی کاری که کارگر برای زنده ماندنش به کارفرما می‌فروشد و در مقابل مبلغی دریافت می‌کند دستمزد نامیده میشود. دستمزد به اشکال مختلفی به کارگران پرداخت میشود، زنان کارگر نیز دستمزد کار خود را به شکل‌های متفاوت دریافت می‌کنند. حقوق ماهیانه، هفتگی، روزانه، ساعتی، کارمزدی. دستمزد ممکن است نقدی باشد یا غیرنقدی مانند بن کالا، حق بیمه‌ای که به سازمان تامین اجتماعی پرداخت می‌شود و کارگران در مقابل کاری که



## جزوه زنان کارگر



اتحادیه های کارگری ایجاد شد و قوانینی که از حق و حقوق مادران و زنان دفاع میکردند حذف شد. هر چند در سال ۹۳ اتحادیه ها تلاش نمودند حقوق لغو شده در رابطه با مرخصی های بارداری و زایمان کارگران استخدامی مجدداً باز تعریف شده یا دوباره به شکل سابق برگردد اما برخی دیگر از حقوق کارگران کاملاً نادیده گرفته شده است مانند منحل شدن شورای دستمزدها که مسئولیت تعیین حداقل سطح پرداخت دستمزدها را بر عهده داشت.

### کار نیمه وقت

در اکثر کشورها، تعداد بسیار زیادی از زنان به صورت نیمه وقت کار می کنند. در کشورهای صنعتی (پیشرفته) تفاوت چشمگیری در کار نیمه وقت زنان و مردان وجود دارد.

آمار ارائه شده توسط سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۴ میلادی، حاکی از آن بود که ۸۰ درصد در سوئیس، ۶۸ درصد در ژاپن و ۵۸ درصد در کره در مشاغل نیمه وقت فعالیت می کردند. طبق آمار جمعیتی اشتغال در اتریش کار نیمه وقت در این کشور، کاری زنانه است. ۸۵ درصد از ۸۰۰ هزار نیروی کاری که نیمه وقت استخدام هستند، زنان می باشند.

مطابق آمارهای منتشر شده، در آلمان بیش از ۷۹ درصد کار نیمه وقت را زنان تشکیل می دهند و تنها ۲۱ درصد را مردان به عهده می گیرند.

اختلاف بین درآمد کارگران تمام وقت و نیمه وقت حدود دو برابر است. در کشور ما نیز این مقوله، از سال های پیش به روش های گوناگون مطرح شده است.

کارگران نیمه وقت افرادی هستند که ساعات کاری آنها کمتر از کارگران تمام وقت می باشد. در کار نیمه وقت دستمزد به صورت ساعتی پرداخت می شود. در این نوع شیوه کار تنها دستمزد به میزان ساعتی پرداخت می شود که فرد مزدبگیر مشغول به کار است. مزد ساعتی به مشخص می شود که سرمایه دار مجبور نباشد که مزد را به صورت روزانه و هفتگی بپردازد. در پرداخت دستمزد به صورت روزانه سرمایه دار مجبور است، دستمزد ساعات نهار و استراحت روزانه و همچنین تعطیلات هفتگی را بپردازد، اما در کار ساعتی دست و بال سرمایه دار باز است کارگر را به کار بیشتری و ادارد بدون آنکه ساعت کار

تبعیض هم وجود داشت و به زنانی که همسرانشان نیز تحت پوشش تامین اجتماعی بودند، حق اولاد و مسکن و غیره نیز تعلق نمی گرفت.

باید اشاره کرد یکی از دلایل شکل گرفتن شرکتهای پیمانکاری برای تامین نیروی کار کاهش دستمزدها و استنثار بیشتر کارگران است. کارگران پیمانی در بیشتر کارخانه های تولیدی و شرکت های خدماتی مشغول به کار هستند، با وجود اینکه با شغل برابر کار برابر را انجام می دهند، اما در مقایسه با یک کارگر یا کارمند دائم تا ۵۰ درصد کمتر حقوق دریافت می کنند. سرمایه به دنبال کار ارزان است. تقریباً تمام ادارات دولتی، بیمارستان ها، آموزش و پرورش نیز نیروهای خود را از طریق این شرکت ها استخدام می کنند. کار در بیمارستان ها و آموزش و پرورش معمولاً کاری زنانه است و تعداد زنانی که در این دو بخش درمان و آموزش کار می کنند بسیار زیاد است. البته در ایران آمار دقیقی در مورد تعداد کارگران زن و مردی که از طریق شرکت های پیمانکاری و واسطه کار در جستجوی کار هستند و یا کار چیدا می کنند وجود ندارد. می توان نتیجه گرفت که استخدام از طریق این شرکت ها در ایران نیز رشد بی سابقه ای داشته است. روش هایی مانند کار انعطاف پذیر، کار نیمه وقت یا پاره وقت، پرداخت دستمزد به صورت کارمزدی از دیگر روش هایی است که بهای نیروی کار را از طریق آن کاهش می دهند.

### کار انعطاف پذیر

انعطاف پذیری" به معنای هر گونه تغییر در ساعات کاری استاندارد یک روز کاری است. مطابق معمول زنان جزو اولین اقشاری بودند و هستند که شامل این طرح های جدید شده و می شوند.

صاحبان سرمایه و کارفرمایان معتقدند که انعطاف پذیری بازار کار در نهایت منجر به توسعه ایجاد شغل، افزایش بهره وری کار و کاهش نرخ بیکاری می شود. در انگلستان در سال های دهه ی ۸۰ طبق قوانین نئولیبرالیسم تاجر برنامه هایی در رابطه با قانون زدایی روابط بازار کار و رویکرد انعطاف پذیر کردن بازار کار انگلستان اعمال کرد. از ابتدای این دهه محدودیت های جدیدی بر کارگران در زمینه ی حق اعتصاب کارگران و ایجاد و سازماندهی



## جزوه زنان کارگر



است که کار روزانه اش افزایش یابد. زیرا تنها در آن صورت است که دستمزد هفتگی یا ماهیانه اش افزایش می‌یابد و همان طور که گفتیم طولانی شدن کار روزانه به خودی خود باعث پایین آمدن بهای کار می‌شود. در این نوع کار کارگر برای بالابردن درآمد خود ناگزیر است که سرعت کار را بالا ببرد و زمان بیشتری استثمار شود. به عنوان مثال در تولیدیهای لباس و کفش و ... این نوع شدت کار و رقابت بین کارگران برای کسب بیشتر مزد کاملاً محسوس است. این نوع کار باعث تفرقه تفرقه بیشتر بین کارگران میشود و به متحد شدن کارگران بیشترین ضربه را میزند. باعث میشود با تفرقه افکنی بین کارگران این صنف آنها در مقابل این نوع از وحشیگری سرمایه نتواند متحدانه برای حقوق مشترکشان به مبارزه برخیزند.

افزایش شدت کار باعث افزایش سود سرمایه‌دار است. به عنوان مثال در یک کارگاه تولید پیراهن دوزی مردانه در شرایطی که دستمزد به شکل روزانه پرداخت می‌شود در هر ۸ ساعت کار یک کارگر روزانه مثلاً ۶ الی ۷ پیراهن می‌دوزد. ولی وقتی دستمزد به شکل کارمزدی پرداخت می‌شود، کارگر با شدت بیشتری کار می‌کند تا درآمد بیشتری داشته باشد و به این ترتیب میزان تولید روزانه افزایش می‌یابد و به ۸ یا ۹ پیراهن می‌رسد. در نتیجه برای تولید هر پیراهن زمان کار کمتری صرف می‌شود و بهای نیروی کار کاهش می‌یابد. هر چند در ظاهر و در مجموع به دلیل افزایش تعداد کالای تولیدی شده دستمزد دریافتی کارگر افزایش می‌یابد اما این روند به کاهش بهای کار منجر می‌شود و سودی نیز که کارفرما از ۹ پیراهن می‌برد بیشتر از ۶ پیراهن است.

در مورد تفاوت دستمزد زنان با مردان می‌توان توجه را داد به تعریفی که نظام سرمایه‌داری از کار زن و مرد دارد. در نظام سرمایه‌داری نیروی کار مرد باید صرف تولید ارزش اضافه شود و زنان باید بخش رایگان بازتولید نیروی کار را به عهده داشته باشند تا به این ترتیب سرمایه‌دار با عدم پرداخت هزینه‌هایی که برای بازتولید نیروی کار لازم است، این بخش را از ارزش اضافی تامین کند.

دلایل دیگری که سبب تفاوت دستمزد بین مردان و زنان میشود. یکی اینکه زنان معمولاً به کارهایی مشغولند که تخصصی نیست. در نتیجه مکان ارتقای شغلی و دست

بیشتری که برای امرار معاشش لازم است به او بدهد. یعنی در واقع با افزایش ساعات کار روزانه بدون هیچگونه مزایا، مرخصی و حق بیمه کارگر را به استخدام خود درآورد. در این شیوه، نیروی کار با حضور چند ساعت در هفته در محل کار می‌تواند کار را انجام دهد و برای جبران مابقی ساعات کاری که لازم دارد باید به دنبال شغل دیگری باشد.

### کار مزد

در برخی از بخش‌های تولید این شیوهی پرداخت دستمزد رایج است، مانند برخی از کارگاه‌های تولیدی لباس و کفش و کیف و ... در اقتصاد غیر رسمی و کارهای خانگی نیز از این شیوه پرداخت دستمزد استفاده می‌شود. برای پاک کردن هر کیسه نخود و لوبیا و حبوبات .... تومان، برای درست کردن هر وسائل تزئینی منزل فلان مبلغ و ... در این شیوه، به دلیل این که کار در خانه کارگر انجام می‌شود، هزینه اجاره مکان، آب و برق، تلفن و استهلاک وسایل کار نیز به نیروی کار تحمیل می‌شود. بیمه و تامین اجتماعی هم از مخارج کارفرما حذف می‌شود و همه اینها منابع دیگری می‌شوند برای افزایش سهم سرمایه‌دار یا کارفرما از ارزش اضافی که کارگر تولید می‌کند و این یعنی سود بیشتر و بیشتر. زنانی که با دلایل مشخصی از جمله: با مشکل مهدکودک فرزندان خود روبرو هستند و یا بنا به فرهنگ مردسالاری و زن ستیزی مجاز نیستند در بیرون کار کنند، با رغبت این نوع کار را می‌پذیرد و احساس رضایت هم می‌کند که هم بالای سر فرزندانشان است و هم به کارخانه‌اشان می‌رسد و هم درآمدی دارند که از هیچ بهتر است.

در این شیوه پرداخت دستمزد، به نظر می‌رسد چیزی که کارگر می‌فروشد و در مقابل آن مزد دریافت می‌کند، نیروی کارش نیست، بلکه تعداد کار انجام شده یا کالای تولید شده است که میزان آن به مهارت فردی وی بستگی دارد. پس تصور می‌کند که مهارت فردی و سرعتش است که میزاندستمزد او را تعیین می‌کند. کالای تولید شده باید دارای کیفیت خوبی باشد تا مزد آن پرداخت شود. در نتیجه میزان کیفیت کار و شدت کار توسط خود کارگر تعیین می‌شود. این شیوه پرداخت دستمزد در حقیقت دست و بال سرمایه‌دار را برای کاهش دستمزد و هر نوع سوءاستفاده‌ای را باز می‌گذارد. در این حالت به نظر می‌رسد که به نفع کارگر



## جزوه زنان کارگر



از مردان نان آور خانواده هستند.

اما در شرایط امروزه ایران، با تورم و گرانی سرسام آور و هزینه‌های زندگی که کمرشکن شده است و زنان ناچاراً با هر شرایطی کار کنند. آنها باید کار کنند تا خود و فرزندان‌شان از گرسنگی نمیرند و این شده برگ برنده‌ای در دست سرمایه‌داران که این زنان را به راحتی به کار می‌گیرند اما با دستمزدی پایین‌تر. این سیکل به تناوب تکرار شده و به افزایش سود سرمایه کمک می‌کند و از این رهگذر دستمزد واقعی زنان روز به روز کاسته می‌شود، بسیار بیشتر از دستمزد مردان.

علت دیگر، هم تعداد کارگاههایی زیر ۱۰ نفر است که درصدی زیادی از زنان در آنها به کار اشتغال دارند را باید عامل پایین بودن دستمزد به حساب آورد. یکی از صاحبان کارگاه که بیشتر از نیروی کار زنان در کارگاه خود استفاده می‌کند، موضوع تفاوت ماهیت کار زنان و مردان را دلیل تفاوت دستمزد می‌داند. او با اشاره به اینکه زنان بیشتر در حوزه مشاغل سبک مانند کارهای مونتاژکاری فعالیت دارند، اظهار کرد: برای کارگران این حوزه به طور کلی دستمزد پایین است و با بیشرمی ادعا می‌کند که این موضوع ارتباطی با جنسیت ندارد.

وی همچنین افزود: نباید تفاوت‌های دستمزد بین زنان و مردان را در تهران و شهرستان‌ها منکر شد: به طور مثال در کارگاه‌های اطراف تهران زنان حداقل ۷۰ درصد مردان حقوق دارند اما اطلاعات من از شهرستان‌های دیگر نشان می‌دهد این تفاوت برای آنها به مراتب بیشتر است.

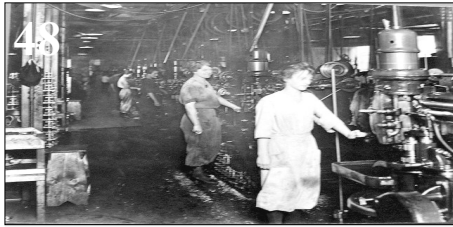
در مورد کار زنان تنها مشکل تفاوت‌های دستمزدی، بین زنان و مردان نیست بلکه تفاوت‌های شغلی برای زنان و مردان نیز نیاز قابل تعمق است. برخی شغل‌ها به دلیل اینکه محدود به خانه می‌شوند، تنها شغل‌های زنانه محسوب شده که درآمد آنها نیز بسیار پایین است. در همین راستا بابررسیهایی که مبنی بر اینکه آیا در مشاغل خانگی نیز نابرابری در دستمزد وجود دارد، صورت گرفته، شواهد نشان می‌دهد در این مشاغل چون مردان فعالیتی ندارند، این مشاغل کاملاً زنانه است خیلیها از نابرابری آن صحبت به میان نمی‌آورند، اما سطح پایین دستمزد، موضوعی است که دقیقاً این نابرابری را به اثبات میرساند. به عنوان مثال:

یافتن به مشاغلی که نیاز به تخصص بالاتر و در نتیجه سطح دستمزد بیشتری دارد برای زنان امکانش بسیار کمتر است. دوم اینکه بیکاری وسیع و گسترده در میان زنان نیز از دیگر دلایل تفاوت دستمزد زنان و مردان است. زنان، به خصوص دختران جوان، حاضرند برای اینکه نیاز به کار دارند تا بتوانند حداقل نیازهای اولیه خود را تامین کنند، با حقوق بسیار کمتر از مردان همسن خود مشغول به کار شوند. بسیاری از مردان جوان همکاران زن خود را مانع در مقابل اعتراض برای افزایش می‌دانند. طبق منابع خبری، نرخ بیکاری زنان ایران را که نیمی از جمعیت فعال کشور را تشکیل می‌دهند، ۵۰ درصد اعلام می‌کنند. "بیکاری زنان طی هشت سال گذشته دو برابر شده است. نرخ اشتغال کارگران زن نسبت به کل آمار کارگران در سال‌های اخیر از ۱۵ تا ۱۷ درصد در نوسان است؛ آماري که در عین افزایش ورود زنان به بازار کار، تغییر نکرده است." به گزارش مرکز آمار ایران همچنین اختلاف نرخ بیکاری مردان و زنان در سال ۱۳۹۰ به ۲۰ درصد افزایش یافته است که قطعاً در این چند سال اخیر افزایش یافته است.

### تبعیض دستمزد در بخش غیررسمی حادث است

تحقیق‌های انجام شده در کشور ایران نشان می‌دهد تفاوت و تبعیض دستمزد زنان و مردان در ایران در بخش دولتی و خصوصی فرق می‌کند. در بخش دولتی بخش‌هایی از دستمزد مثل حق عائله مندی، اضافه‌کاری و حق ماموریت دریافتی زنان کمتر از مردان است اما در بخش خصوصی به ویژه مشاغل غیررسمی دستمزد مردان به طور قابل توجهی بیشتر از زنان است

طبق تحقیقات و گزارش‌هایی که در رابطه با تعدادی از واحدهای صنعتی و کارگاهها بعمل آمده است، پرداخت دستمزد در این کارگاه‌های صنعتی، تفاوت دستمزد بین زنان و مردان کارگر را کاملاً نشان می‌دهد، در این کارگاهها، زنان حداقل ۴۰ درصد کمتر از مردان دستمزد می‌گیرند. پاسخی که در این مورد به این تفاوت فاحش دستمزد بین مردان و زنان داده میشود، این است که: زنان در بخش غیررسمی بیشتر از روی اجبار وارد بازار کار می‌شوند و به همین دلیل به دستمزدهای پایین نیز تن می‌دهند اما مردان حاضر به قبول این شرایط نیستند و همچنین درصد بیشتری



## جزوه زنان کارگر



یکی از شغل‌هایی که در حال حاضر توسط زنان به ویژه در جنوب تهران انجام می‌شود، تزیینات دستی روی بلوزهای زنانه است. حد دستمزد برای این کار بین ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ تومان برای هر کار است که این میزان درآمد نه تنها جوابگوی هیچکدام از نیازهای زنانی که به این کار مشغولند نیست بلکه وقت زیادی از آنها هم می‌گیرد.

حدود صد و پنجاه سال است که مبارزه برای دست یافتن به مزد برابر در مقابل کار برابر از خواسته‌های زنان کارگر و زحمتکش بوده است. این مبارزه متشکل یا غیر متشکل همواره صورت گرفته است و ۸ مارس یادآور اولین تلاش‌های زنان در این زمینه است. مبارزه برای دستمزدها مبارزه‌ای هر روزه است و زنان آگاه و مبارز در اقصی نقاط دنیا بویژه در کشورهای تحت سلطه نشان داده اند که سرکوب، زندان و حتا اعدام نمی‌تواند مانع تلاش آنان برای دستیابی به حقوق برابر و انسانی آنان شود و زنان همواره در صف اول مبارزات طبقاتی برای احقاق حقوق خود و دستمزد که یکی از پایه‌ترین این خواسته‌ها است بوده و خواهند بود.

منابع:

[Americanprogress.org](http://Americanprogress.org)

<http://jahannews.com/vdchiinxw>

[www.tabnak.ir](http://www.tabnak.ir)

[www.humanrights-iran.ir](http://www.humanrights-iran.ir)

[www.acpress.com](http://www.acpress.com)

[pecritique.com](http://pecritique.com)

[www.simayesocialism.com](http://www.simayesocialism.com)

[rc.majlis.ir](http://rc.majlis.ir)

[www.persian.rfi.fr](http://www.persian.rfi.fr)

[www.khabaronline.ir](http://www.khabaronline.ir)



# مزد برابر در ازای کار برابر برای زنان و مردان کارگر





## جزوه زنان کارگر



کاملاً اساسی استنثار نمود

سیستم سرمایه داری با استفاده از کار مزدی زنان سعی نمود در ساعات کار تغییر ایجاد نماید و آن را تقلیل دهد، در جهت طولانی نمودن ساعات کار برای سودهی بیشتر برآمد، از طرف دیگر انباشت ارزش اضافه و ثروت در جامعه، رفاهی در توده های فرودست و کل افراد جامعه بوجود نیاورده، بلکه سیر صعودی ازدیاد سود سرمایه داران به قیمت فقر وسیع توده های کارگر و زحمتکش تمام شده است. این روند نابرابر و فاجعه آمیز سرمایه بر کار زنان اثر گذاشته و سبب راندن آنها به حاشیه شده است.

سرمایه دار در عرصه رقابت نباید عقب بماند و باید تلاش کند که فاصله بین هزینه تولید و قیمت فروش کالاهای خود را هرچه زیاد تر نماید. بنابراین او می کوشد که کالاهای خود را هرچه ارزان تر تولید کند و هرچه گران تر بفروشد. نتیجتاً تمام سعی سرمایه دار در این است که ساعات کار را افزایش داده و کارگران را نیز با دستمزد بسیار نازل استنثار نماید. این تلاش سرمایه داران درست در تقابل با خواستهای کارگران زن قرار می گیرد که به درستی در مورد کارگران مرد نیز صادق است. بنابراین هیچ گونه تضادی بین خواستهای زنان و مردان کارگر وجود ندارد و هر دو همانند هم استنثار میشوند، آنچه باید مبنا قرار گیرد تضادی آشتی ناپذیر بین کار و سرمایه است.

ممنوعیت کار زنان و حذف آنها از بازار کار و صنعت با توجه به روابط کار و سرمایه غیر ممکن است، زیرا که سرمایه داران و مردان نمی توانند از کار زنان چشم پپوشند. سرمایه داران باید موقعیت خود را در بازار رقابت حفظ کنند و مردان برای بقای خانواده باید روی کار زنان حساب کنند.

واقعیت این است که در شرایط فعلی سرمایه داری در سراسر جهان در بحرانی عمیق دست و پا میزند. یکی از عوارض مهم بحران های سرمایه داری این است که تولید و فعالیت در بخش بزرگی از اقتصاد تا فرارسیدن مجدد شرایط سودآوری برای سرمایه ها متوقف و تعطیل میشود و بناچار باید بخشی عظیمی از کارگران و زحمتکشان و بطور کلی مزد بگیران از صحنه کار و تولید بیرون رانده شوند. معیشت مزد بگیران باید قربانی منافع سرمایه شود. بنابراین بیکاری و اخراجهای پی در پی به یک پدیده عادی

## ضرورت کار زنان در صنعت مدرن

با رشد صنایع مدرن و صنعتی شدن جوامع سرمایه داری کار زنان در این عرصه به یک ضرورت تبدیل شد و با هر تکامل وسائل تولید، در عصر جدید از ارزش و اهمیت کار مردان کاسته شد. هزاران هزار نفر از کارگران شغلهای خود را از دست دادند. ارتش ذخیره ای از بیکاران تشکیل شد و دستمزدها بیشتر و بیشتر کاهش یافتند.

در اثر سطح پائین دستمزدها و تورم موجود در جوامع سرمایه داری سطح دستمزد موجود کارگران مرد کفاف زندگی کارگران و خانواده آنها را نداده و کارگران متاهل ضرورتاً باید روی مزد زنان حساب میکردند.

بنابراین واقعیت، اشتغال زنان در صنعت و بخشهای خدماتی باعث شد زن از وابستگی اقتصادی به مرد رهائی پیدا کند. زن شاغل صنعتی که جایگاهش در خانواده به عنوان زانده اقتصادی مرد دیگر غیرممکن می نمود به نیروی اقتصادی تبدیل شد نه تنها در اقتصاد خانواده نقش داشت بلکه از نظر اقتصادی هم دیگر به مرد وابسته نبود. استقلال اقتصادیش توأم با آزادیهای اجتماعی اش شد. ولی این خود زن نبود که این عدم وابستگی اقتصادی را به وجود آورده بود، بلکه سرمایه داران و نیازهای آنها به نیروی کار زنان بود. قدرت انحصاری سرمایه داری و وسائل تولید حاکم بر سرمایه زمینه امتیازهای ویژه ای را در عرصه فعالیت تولیدی برای زنان ایجاد نمود. زن رهائی یافته از سلطه اقتصادی مرد به نیروی اقتصادی وابسته به سرمایه داری تبدیل شد و از بردگی مرد، به بردگی کارفرما درآمد. او در رابطه مناسبات جدید آقا و اربابش عوض شد. این پروسه جابجایی و روابط جدید حاکم به نفع زن شد. او دیگر از نظر اقتصادی ارزش کمتری از مرد نداشت و زیر دست او نبود، بلکه همسان او بود. ولی سرمایه دار تنها به این راضی نبود که از نیروی کار زنان بهره کشی کند، بلکه با استفاده از وجود زنان نیروی کار مردانه را نیز به شکل



## جزوه زنان کارگر



هر روز و این کارها و ده ها کارهای دیگر را تکرار می کند اما گویی که اینکارها پایان و حاصلی ندارد. ثمر کار خسته کننده و طاقت فرسای او هر روز صرف توان و نیروی شوهر و فرزندان زحمتکش او میشود که هر روز بهنگام کار تحویل سرمایه دار میگردد.

سرمایه دار در واقع هزینه زنده ماندن کارگر را میپردازد و در عوض محصول کارکردن او را صاحب میشود. این منشاء سود سرمایه دار است. اما زنده ماندن کارگر خود مستلزم این است که کارگر کالاها و خدمات ضروری را به نرخ بازار به کارگر پرداخت نمی کند، بلکه در عمل قیمت مواد اولیه آنها را می پردازد و بنا را بر این می گذارد که زن یا خواهر و یا مادر او در خانه این مواد را برای مصرف کارگر آماده خواهد کرد... کارگر به غذا، به پوشاک، به نگهداری و گرم نگهداشتن خانه و رسیدگی به فرزندان... نیاز دارد اما کارفرما عملاً قیمت غذا در رستوران، قیمت پوشاک در فروشگاه و قیمت مسکن در مسافرخانه و هتل و قیمت واقعی دستمزد پرستار کودکان و غیره را نمی پردازد. او قیمت مواد اولیه غذا و لباس و قیمت حداقل اجاره منزل را پرداخت می کند. تبدیل مواد اولیه به غذا و تهیه لباس، و تبدیل چهار دیواری به یک مکان و نگهداری فرزندان و... همه کارهایی است که زن خانواده باید انجام دهد! انجام شدن همه این کارها لازم و ضروری است اما در این میان برای زن مزدی در کار نیست. زن همه این کارها را باید همچون برده ای بدون اجر و مزد و پاداش به رایگان برای اربابان ناشناخته انجام دهد. مزدی که به کارگران پرداخت میشود خرج زندگی شخص او نیست بلکه خرج زندگی خانواده های کارگری است، خانواده ای که همچون سایر خانواده ها، کار کردن مجانی و برده وار و شبانروزی زن در آن از پیش مفروض است! بهمین خاطر است که نظام سرمایه داری، نظام موجود خانواده را تا آنجا که بتواند حفظ میکند و مرد را برای حفظ بردگی زن در خدمت سرمایه برتری می دهد. در دوره رونق سرمایه داری در ایران، لازم شد از نیروی کار زنان در بیرون از خانه استفاده شود بنابراین، بخشی از خدمات آنان در بیرون خانه سازمان داده شد. آشپزخانه ها در کارگاه و کارخانه ها براه افتادند، رستوران ها در

بدل میشود. این نه فقط در ایران بلکه امروز در سراسر جهان بخوبی مشهود است. از طرف دیگر سرمایه داران از پیشرفت تکنولوژی و مکانیزه شدن دستگاههای پیشرفته که خود کارگران خالق آن می باشند بر علیه نیروی کار استفاده نموده و با استفاده از این امکانات پیشرفته و جایگزین نمودن آن با نیروی کار سبب بیکاری بخش وسیعی از کارگران شده است.

اما از کار بیرون راندن مزد بگیران، یعنی تحمیل گرسنگی و فقر به بخش معتابایی از افراد جامعه و نهایتاً تنزل دادن سطح معیشت کارگران و زحمتکشان، خود مستلزم رودرویی و مبارزه با آنان است. در این میان زنان اولین هدف حمله بورژوازی هستند. به عبارت دیگر اگر قرار باشد عده ای از کارگران و زحمتکشان از کار بیرون رانده شوند، بورژوازی همیشه ترجیح می دهد که این عده زنان باشند

اولاً به این دلیل که بیکار شدن زنان بجای مردان، منفعت اقتصادی بیشتری برای بورژوازی در بر دارد. زیرا بورژوازی از طریق محروم کردن زنان از داشتن شغل و اشتغال بکار مزدی، در واقع آنها را به بیکاران تبدیل نمی کند بلکه طولانی تر شدن کار بی اجر و مزد و برده وار آنان را باعث میشود. کاری که حاصل آن در نهایت نصیب سرمایه خواهد شد.

در جامعه سرمایه داری هیچ کس زن خانه دار را بیکار بحساب نمی آورد. چرا که زنان در خانه بیکار نیستند. شاید بتوان گفت کاری که در خانه به آنها تحمیل میشود طاقت فرساتر از بسیاری از مشاغل رسمی است. بخش اعظم زنان کارگر و زحمتکش تشکیل می دهند و بخش اعظم کار آنها صرف نگهداری از شوهر و فرزندان، یعنی آماده بکار کردن کارگران امروز و فردا میشود. زن خانه دائماً غذا تهیه می کند اما همسر و فرزندان کارگر خود را همیشه در خانه گرسنه می بیند. او همیشه دوخت و دوز و وصله می کند اما همیشه افراد خانواده را مندرس و ژنده می بیند. دائماً رخت و لباس می شوید اما لباسها همیشه کثیف اند، دائماً نان آوران و افراد خانه را پرستاری و مراقبت می کند اما همیشه آنها در خانه خسته و بی رمق و بیمار و نحیفند هر روز به خرید میرود اما هر شب سفره خالی است... او



## جزوه زنان کارگر



و ادار به سکوت در مقابل یورش به زنان می نماید! تبلیغاتی که بر ضد زنان و در جهت تحقیر آنان و اثبات برتری مرد صورت می گیرد در واقع تحریک هر چه بیشتر مردان به استفاده از امتیازات اعطائی شان در خدمت منافع سرمایه است.

تبلیغ برتری مرد و فرودستی زن تبلیغی است در خدمت شکاف انداختن در صفوف کارگرانی که باید همه شان برای رهایی از کلیه مصائب این نظام متحد شوند و مشابه چنین سیاست های تفرقه افکنانه را در موارد دیگری هم مشاهده می کنیم. تا به امروز همه ما شاهد هستیم که جمهوری اسلامی برای تقلیل فشار مبارزات کارگران بیکار سعی دارد کارگران ایرانی را بجان کارگران خارجی (بخصوص کارگران مهاجر افغانی) بیاندازد و آنها را عامل بیکاری وانمود کند! جمهوری اسلامی سعی دارد که جزئی از طبقه کارگر جهانی را، یعنی جزئی از لشکر دشمنانش را با اتکاء به نیروی بخشی دیگر از دشمنان خود به موقعیتی پست تر تنزل دهد. این تنها مختص جمهوری اسلامی نیست. تمام دولتهای مدافع سرمایه از تعصب، جهل و تحمیق توده ها در خدمت منافع خود بهره می گیرند. و در سراسر جهان بورژوازی سعی دارد در میان کارگران تفرقه بیاندازد. ویژگی جمهوری اسلامی اینست که تبلیغات و فعالیتهای ضد کارگری خود را تحت پوشش تبلیغات و فعالیت های مذهبی قرار می دهد و از جهل و نادانی کارگران یعنی از احساسات مذهبی آنها هم در خدمت این هدف شوم خود بهره می گیرد. ویژگی جمهوری اسلامی اینست که فرامین سرمایه داران را فرامین الهی نامیده و در خدمت به اهداف شوم خود بکار می گیرد.

بنابراین هر کارگر مردی که تبعیض علیه زنان را بپذیرد و از امتیازاتی که نظام سرمایه داری بخاطر حفظ منافع سرمایه به او اعطاء کرده است در خدمت انقیاد هر چه بیشتر زنان و تحمیل موقعیت پست تر به آنان استفاده کند به نفع بورژوازی و بر ضد منافع کل طبقه کارگر عمل می کند. هر اندازه هم که خود را فعال کارگری بنامد و بر علیه سرمایه داری بجنگد و شعار دهد و مبارزه کند تغییری در این واقعیت نمی دهد که او در جبهه ای دیگر بدون اینکه خودش به این مسئله آگاه باشد همدست بورژوازی است. این متأسفانه به عنوان یک عقب ماندگی در جنبش کارگری

کارخانه های بزرگ شروع بکار کردند، مهد کودکانها و کودکانها در کنار کارخانه ها تاسیس شد... تا زنان با دغدغه کمتری به بازار کار روی آورند... اما امروز که کساد و رکود اقتصادی سراسر جهان را فراگرفته است و در ایران میلیونها بیکار وجود دارد لازم است که همان روند معکوس شود. منطق سرمایه حکم می کند زنان بخانه بر گردند! مهدکودکها و کودکانها تعطیل شوند، آشپزخانه ها و رستورانها برچیده شوند و وظائفشان مجدداً به زنان در خانه ها محول شود، و سرمایه هائی که به این قبیل کارها اختصاص داده شده بودند در خدمت نجات سرمایه داری از ورشکستگی در آیند

بنابراین همانطور که گفتیم از کار راندن زنان کارگر و زحمتکش برای بورژوازی بمعنای بیکار کردن آنها نیست بلکه طولانی تر کردن کار بی اجر و مزد آنان است و از طرف دیگر بستن مهدکودکها، شیرخوارگاهها، کودکانها، آشپزخانه ها و رستورانها در محیطهای کار گامی است در جهت تشدید کار این استثمار شدگان بی اجر و مزد! اینها ست آن منافع اقتصادی که حمله به زنان را در مقایسه با مردان برای بورژوازی مطلوبتر می کند.

ثانیاً به این دلیل که حمله به زنان آسانتر است و صرف نیروی کمتری را ایجاب می کند! محروم ساختن کارگران و زحمتکشان از امرار معاششان خود مستلزم مبارزه با آنان است و اشاره نمودیم نظام سرمایه داری مرد را برای حفظ بردگی زن در خدمت سرمایه برتری می دهد. بنابراین بورژوازی حمله به کارگران و زحمتکشان را با حمله به زنان آغاز می کند چرا که می تواند از تمایلات و گرایشهای برتری طلبانه بخشی از آنان در خدمت پیشبرد مبارزه اش بخوبی استفاده نماید. در واقع بورژوازی با هدف قرار دادن زنان به منافع کل کارگران و زحمتکشان حمله می کند اما در عین حال بخشی از همان کارگران را و زحمتکشان را به همدستان خود بدل می کند تا عملاً بر ضد منافع خودشان وارد عمل شوند و یا لاقط بر ضد او وارد عمل نشوند! آن برتری و امتیازی که سرمایه داری بخاطر حفظ منافع سرمایه به مردان اعطاء کرده است عاملی میشود که با اتکاء به آن کارگران مرد را رودروی زنان کارگر قرار دهد و یا لاقط حق السکوتی می شود که کارگران مرد را



## جزوه زنان کارگر



اعتراضی کارگران با وجود فقدان تشکلهای واقعی کارگری از انسجام و سازماندهی برخوردار بود. بطوریکه با وجود حضور مزدوران و جاسوسان جمهوری اسلامی از شوراهای اسلامی کار گرفته تا انجمن اسلامی و بسیجها اما همیشه سازماندهی این اعتراضات بدور از چشم این عوامل خود فروخته انجام میگرفت. تا جائیکه از کارفرماها، مدیران و سرپرستها گرفته تا عوامل تشکلهای ضد کارگری از انجام این حرکتها غافلگیر می شدند. در مطرح کردن هر خواست و اعتراضی که قرار بود انجام گیرد مجمع عمومی را در دستور کارمان قرار می دادیم. تحمیل بسیاری از خواسته ها به کارفرما و مدیریت از طریق این مجامع عمومی صورت میگرفت. اعتراضات مداوم کارگران سبب میشد کارفرماها فعالیت شده و با امنیتی نمودن محیط کار جلو فعالیت مجامع عمومی را گرفته و آن را درهم بشکنند. کارگران مدام می خواستند با تحمیل نمودن مجامع عمومی به کارفرماها خواسته ها و مطالبات خود را پیش ببرند و کارفرماها نمی خواستند به این مجامع تن دهند و بیشتر خواهان این بودند که دو الی سه کارگر منتخب کارگران مشکلات و مطالبات آنها را با مدیریت در میان بگذارند. آنها قصد داشتند با شناسایی این تعداد از کارگران و اخراج آنها این حرکتها اعتراضی را در هم بشکنند. ما کارگران در مقابل این خواست کارفرما و مدیریت مقاومت می نمودیم و مصرانه خواستار تشکیل مجامع عمومی بودیم. تحمیل خواسته ها به کارفرما از طریق مجامع عمومی نتیجه داده و به عنوان یک ابزار متشکل و قوی در مقابل فشارهای کارفرماها و قوانین جمهوری اسلامی عمل میکرد. مخالفت کارفرما و رژیم با مجمع عمومی دقیقاً از زوایه سازمان یافتن و متشکل شدن کارگران بود. در یکی از اعتراضات وسیعی که در سطح کارخانه صورت گرفت و منجر به اعتصاب شد، از قبل کارگران این کارخانه تعدادی از خواسته هایشان را از قبیل: طرح طبقه بندی مشاغل، افزایش دستمزدها، درخواست یک تلویزیون مجانی، بهبود وضع شیرخوارگاه و مهد کودک را با یک مهلت مشخصی با مدیریت در میان گذاشتند. پس از پایان مهلت مقرر مدیریت هیچ توجهی به خواست کارگران نکرد. در آن روزها جو پلیسی، شدیدتر از سابق در قسمتهای کاری و در سراسر کارخانه حاکم بود، نیروهای سرکوبگر رژیم از بسیجی و حراست و

ایران مشهود است، بسیاری از کارگران آگاهانه و ناآگاهانه در پی این هستند که صف کارگران مرد و زن را از هم جدا کنند و به این تبعیض که به نفع سرمایه است دامن میزنند. کارگران باید بدانند که مسئله زنان مسئله آنان است، کارگران باید بدانند که بردگی زن در خانه و اجتماع، بردگی طبقه را تشدید خواهد کرد و تداوم خواهد بخشید. کارگران باید بدانند که حمله به حقوق مسلم زنان و اعمال تبعیض علیه آنان، حملههای مستقیم به طبقه کارگر است. کارگران باید بدانند که دفاع از حقوق زنان و مبارزه علیه تبعیض بر اساس جنسیت مستقیماً مبارزه ای در جهت تقویت جنبش کارگری و لذا وظیفه همه آنان است. کارگران باید بدانند که تبلیغات اسلامی که بر علیه زنان صورت می گیرد تبلیغاتی ارتجاعی و در خدمت تامین منافع سرمایه و اقدامی در جهت سرکوب دستاوردهای انقلابی جنبش کارگری است. کارگران، بویژه مردان کارگر باید بدانند که نباید بهیچ وجه در دامی که دشمنان کارگران گسترانیده اند بیفتند و به همدستان آنان در تحمیل محرومیت و بی حقوقی به زنان تبدیل شوند. کارگران دارای عقاید مذهبی باید بدانند که کوشش آنان در جهت اجرای قوانین اسلام درباره زنان، کوششی مستقیم در جهت تحقق منافع سرمایه و مبارزه ای بر علیه منافع طبقه کارگر است.

### تجارب شخصی و مبارزات زنان کارگر در کارخانجات ایران

قبل از اینکه به جمع بندی این مطلب بپردازم لازم می بینم از تجارب کاری خود و زنان کارگر در محیط کارخانه که برای مطالبات و خواسته هایمان مبارزه میکردیم بخشاً بنویسم

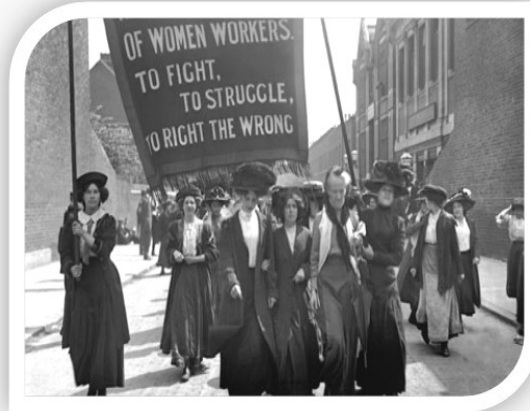
من در چندین کارگاه و کارخانه کار کرده ام. اما بیشترین تجاربم مربوط به کارخانه پارس الکترونیک می باشد به این دلیل که مدت طولانی در این کارخانه کار کردم. این کارخانه از ویژگیهای زیادی برخوردار بود اما یکی از ویژگیهای برجسته اش این بود که تعداد کارگران زنی که به کار اشتغال داشتند بیشتر از کارگران مرد بودند. در ضمن شرکت ما زنان در مبارزات برای خواسته ها و مطالباتمان بسیار چشمگیر بود. در این کارخانه بطور روتین اعتراضات کارگری صورت میگرفت. شکل حرکت های



## جزوه زنان کارگر



که برای سرکوب کارگران در حمایت از کارفرما همیشه آماده اند. به افرادی از طرف رژیم جمهوری اسلامی که شغل اولشان بازجویی در زندان اوین بود ماموریت داده شده بود با سلاح در قسمتهای مختلف کارخانه حضور یابند، بدون اینکه این افراد نقشی در تولید داشته باشند، وظیفه اشان ایجاد رعب و وحشت در محیط کارخانه و شناسایی کارگران معترض بود تشکیل شوراهای اسلامی در این کارخانه با عدم استقبال کارگران روبرو شد. مدیریت و کارفرماها با تبلیغ و نیرنگ می خواستند نمایندگان این شوراها را نمایندگان واقعی کارگران قلمداد نمایند. کاندیداهای شورا از طرف مدیریت و کارفرما معرفی میشدند. با وجود اینکه بیش از ۱۰۰۰ زن در این کارخانه کار میکردند، اما آنها اجازه نداشتند نماینده ایی در این ارگان ضد کارگری داشته باشند، شورای اسلامی ساخته و پرداخته رژیم و کارفرماها فقط از مردان تشکیل میشد. شورای اسلامی ابزار بازدارنده حرکت کارگران بود و در مقابل انجام هر حرکتی از سوی کارگران سعی میکرد مانع حرکت شده و با وساطت خود آنها را به نفع کارفرما تمام کند. کارگران این کارخانه در مقابل توطئه های شورای اسلامی مقاومت می نمودند، به عنوان مثال در طول جنگ ایران و عراق کارگران پارس الکتریک در هفته ۴۰ ساعت کار میکردند، پس از اختتام جنگ ایران و عراق مدیریت کارخانه کار را به ۴۴ ساعت در هفته افزایش داد. کارگران شدیداً به این افزایش ساعت کار اعتراض نمودند. مدیریت کارخانه در پاسخ کارگران می گفت برای جبران خسارت جنگ لازم است این بهاء را کارگران به سرمایه داران بپردازند. کشمکش طولانی بین کارگران و کارفرما سر این مسئله در گرفت. این بحث بین کارگران تا مدتی ادامه داشت بخصوص کارگران زن از معترضین جدی و پیگیر به این افزایش ساعت کار بودند تا جائیکه آلترناتیوهای مختلف برای پاسخ به این مسئله ارائه می دادند، یکی از آلترناتیوها این بود اگر کارخانه نیاز به تولید بیشتر دارد لازم نیست به کارگران استخدامی کار بیشتری تحمیل نماید، با استخدام کارگران جدید هم این مسئله حل خواهد شد هم مسئله بیکاری تعدادی از کارگران بیکار حل خواهد شد. حتی این بحث تا جایی ادامه یافت که کارگران از ۳۵ ساعت و ۳۸ ساعات کار که خواست کارگران آلمان بود مثال به میان



و انجمن اسلامی به شکل سازمان یافته تر و با تعداد بیشتری ظاهر شدند. ما کارگران حق هیچگونه صحبت و تماسی با هم نداشتیم و سرپرستها بشدت ما را کنترل میکردند. ما کارگران تصمیم گرفتیم دست به اعتصاب چند ساعته بزنیم. و در صورت متحقق نشدن خواسته هایمان اعتصاب را ادامه بدهیم، زمانیکه ما اعتصاب چند ساعته را شروع کردیم از طرف قسمتها بطرف اتاق مدیریت براه افتادیم، در این فاصله نیروهای انتظامی و سرکوبگر با مداخله خود خواستند جلو ما کارگران را بگیرند اما به علت ازدحام جمعیت و ما مصمم بودیم خود را به اتاق مدیریت برسایم، اوباشان مزدور نتوانستند این حرکت را متوقف نمایند. اکثریت کارگران بسرعت به اتاق مدیریت داخل شدند اما یک تعدادی از افراد حراست و نگهبانان کارخانه خود را به مدیریت رسانده و مدیر کارخانه را از طریق آسانسور فراری دادند، فاصله تهاجم کارگران به آسانسور و مدیر و محافظاش بسیار نزدیک بهم بود متأسفانه موفق به فراری دادن او شدند. بهمین دلیل، کار به اعتصاب طولانی مدت نکشید و با همان اعتصاب کوتاه مدت کارگران موفق به تحمیل خواسته هایشان به کارفرما و مدیریت شدند. از شاخصهای این کارخانه آماده باش دائم نیروهای انجمن اسلامی، بسیج و حراست و همیاری و همکاری صمیمانه و نزدیک شورای اسلامی با آنها برای ایجاد ممانعت در حرکتها و اعتراضات کارگری بود. در عرض سال یک بار بسیج و انجمن اسلامی به نام روز بسیج در حیاط کارخانه با سلاحهای مدرن رژه می رفتند و شعارهای اسلامی می دادند و می خواستند از کارگران زهر چشم بگیرند و نشان



## جزوه زنان کارگر



آوردند. سپس آنها راضی شدند ما این میزان تولید را ندهیم و مبلغی از بابت آن هم دریافت نکنیم. دقیقاً حدس ما درست بود درست بعد از دو ماه که کارگران توانستند با بالا بردن سرعت میزان مورد نیاز تولید آنها را برآورده نمایند آنها مبلغ اضافی که از بابت ۳۰ درصد اضافه تولید به کارگران پرداخت می‌شد را دیگر پرداخت نمودند.

نقش ضد کارگری و سرکوبگرانه شوراهای اسلامی کاملاً برای کارگران مشخص شده بود و کارگران تصمیم گرفتند که در انتخابات دور بعدی شورای اسلامی را منحل نمایند. سرانجام شورای اسلامی با معرفی کاندیداهای جدیدش تصمیم به انتخابات دور جدید گرفت. از طرف خانه کارگر و وزرات کار نیز نمایندگانی در این انتخابات شرکت داشتند، اما کارگران از شرکت در انتخابات سر باز زدند. کارگران- شورای اسلامی را به عنوان ارگانی که خانه کارگر را نمایندگی می‌کرد و از سوی رژیم جمهوری اسلامی حمایت و وزارت کار بر آن نظارت دارد می‌شناختند. کارگران با تحریم انتخابات شورای اسلامی را منحل نمودند، اما تمام تلاش کارفرماها و مدیریت این بود این شورا را دوباره احیاء نمایند.

شرایط بد اقتصادی و عدم ایمنی محیط کار و سوانحی که در این رابطه پدید می‌آمد کارگران را ناچار به اعتراض و اعتصاب برای مطالبه خواسته‌هایشان از جمله افزایش دستمزدها، شرایط بهتر کار، کاهش ساعات کار، ایمنی نمودن محیط کار طبق استانداردهای بین‌المللی و بالا بردن کیفیت غذا (نهار) می‌نمود.

کارگران به دلیل فقدان تشکل‌های واقعی‌اشان برای پیشبرد خواسته‌ها و تحمیل آن با کارفرما با سرکوب و تهدید روبرو می‌گشتند. اتحاد کارفرما و مدیریت، شوراهای اسلامی، حراست کارخانه، بسیج و انجمن اسلامی و مهمتر از همه قوانین ارتجاعی کار جمهوری اسلامی بر علیه کارگران به عنوان یک ابزار قوی عمل می‌کرد. به عنوان مثال: موقعیکه اعتصاب وسیع و چند روزه کفش ملی در سال ۶۸ رخ داد. در حالیکه خواسته‌ها و مطالباتشان را به شکل قطعنامه‌ای در بندهای مختلف به کارفرما ارائه داده و خواهان به اجراء در آوردن هر چه سریعتر آن و پایان دادن به اعتصابشان بودند، نماینده دادستانی خطاب به کارگران اعتصابی کفش ملی گفت: " اگر شما به خواسته

آوردند. این افزایش ساعت کار باعث می‌شد که کارگران دو روز تعطیلی در هفته خود را از دست بدهند بخصوص برای زنان کارگر که مسئولیت کارهای خانگی و بچه داری را بعهده داشتند فشار بسیار زیادی بود. در اعتراض به این افزایش ساعت کاری شورای اسلامی کار با حمایت از کارفرما سعی نمود با عوام فریبی کارگران را متقاعد نموده و آنها را وادار نماید که به ۴۴ ساعت کار تن بدهند. طبق قانون کار شوراهای اسلامی با حمایت از کارفرما در وادار نمودن کارگران به تمکین بیشتر در مقابل خواسته‌های کارفرماها از جمله تولید بیشتر درست مانند بازوی مدیریت و کارفرما عمل می‌کردند. شوراهای اسلامی در اخراج و بازخریدی کارگران نقش تعیین کننده‌ای داشتند، و دقیقاً تصمیمات و برنامه‌های کارفرماها و مدیریت را به اجرا می‌گذاشتند. در این کارخانه در اولین مرحله ۴۵۰ نفر از کارگران که اکثریت آنها از زنان کارگر بودند از کار اخراج شدند این همزمان با طرحهای تعدیل نیروی رفسنجانی بود کارگران دست به اعتراض به این طرح اخراجی زدند اما شورای اسلامی به دفاع از آن پرداخته و کارگران را با اجبار وادار نمود که آن را بپذیرند.

شوراهای اسلامی در اضافه تولید و متقاعد نمودن کارگران به انجام آن نقش کاملاً فعال و ضد کارگری داشتند به عنوان مثال به تمام قسمتهای کاری اعلام شد که ۳۰ درصد تولید با همان مدت زمان هشت ساعت کار افزایش یابد در واقع کارگران باید سرعت کار را بالا می‌بردند. کارگران به اعتراض به این افزایش تولید پرداختند اما شوراهای اسلامی کار در مقابل کارگران ایستادند و آنها را تهدید به اخراج نمودند. تعداد کمی از کارگران که خود من هم جزء آنها بودم به این اضافه کاری تن ندادیم البته مبلغی قرار بود برای این ۳۰ درصد اضافه تولید پرداخته شود ما سعی نمودیم کارگران را تا جائیکه امکان دارد از انجام این عمل باز داریم و حتی به آنها توضیح دادیم که گول توطئه‌های کارفرما و پرداخت این مبلغ اضافی را نخورند یکی‌الی دو ماه به آنها پرداخت می‌کنند زمانیکه کارگران توانستند با سرعت بیشتر تولید مورد نظر آنها را بدهند مبلغ اضافی را هم دیگر پرداخت نخواهند کرد. بهر حال ما چند نفری حاضر به این اضافه تولید نشدیم به کارگزینی احضار شدیم و با تهدید به اخراج ما را چند روزی به حالت تعلیق در



## جزوه زنان کارگر



اعتراض به این مسئله زنان معمولاً دو پاسخ دریافت میکردند، اول اینکه بچه دارند و با اخراج آنها بخشی از هزینه شیرخوارگاه و مهدکودک ه جیب سرمایه دارها بر میگشت، دوماً اینکه زنان در جامعه نان آور خانه نیستند و در صورت مزاد بر احتیاج بودن نیروی کاذ اخراج آنها مقدم است. و بدین ترتیب زنان طبق این دلایل تبعیض آمیز در معرض بازخرید و اخراج قرار می گرفتند. اما از شاخصهای مهم این کارخانه نسبت به کارخانجات دیگر مبارزه زنان کارگر و پیگیری آنها در اعتراضات و اعتصابات برای خواسته ها و مطالباتشان بود. زنان بطور وسیع و پیگیر در اعتراضات شرکت داشتند و از ویژگی دیگر زنان کارگر این کارخانه این بود که از سواد مکفی برخوردار بودند و درصدی از آنها هم دیپلم داشتند و درصد زیادی هم کارگر قدیمی و دارای تجارب خوب و ارزنده ای بودند. در مواردی از اعتراضات پیش می آمد که مردان دیرتر از زنان اعلام آمادگی می نمودند، اما ما زنان بیشتر اوقات در صف مقدم مبارزه بودیم. رویهمرفته اعتراضات و اعتصابات کوچک و بزرگ نسبتاً چشمگیری در این کارخانه صورت گرفت که در این نوشته فقط به گوشه هایی از آن اشاره شده است. اما آنچه مهم است در تمام این حرکتها زنان کارگر این بخش از صنعت همیشه در صف مقدم اعتراضات نقش بسیار بارز و پیشرویی از خود نشان دادند.

جنبش کارگری ایران هم متأثر از جامعه مردسالاری است و این تبعیض جنسیتی در همه جا سایه افکنده و عمل می کند. در محیطهای کارگری هم به عینیت محسوس می باشد. در کارگاهها و کارخانجاتی که کار کردم این تبعیض جنسیتی در مورد کارگران زن کاملاً مشهود بود، ما زنان کارگر سعی می نمودیم با تعدادی از کارگران مرد که آگاهتر بودند نسبت به این شکاف طبقاتی و جنسیتی وارد بحث و جدل شویم و به آنها این توجه را بدهیم که منفعت کارگران در این است که صف زن و مرد کارگر فشرده تر شود و به این تبعیضات دامن زده نشود، تنها کسی از این شکاف و تبعیضات نفع خواهد برد بورژوازی دشمن طبقاتی کارگران است و بس! البته این بحثها تاثیر داشت ولی باز هم در مواردی کارگران مرد صف خود را از کارگران زن جدا می نمودند. بعنوان مثال: وضع بد و غیر بهداشتی

های خود دست یابید بعد نوبت کارگران نوب آهن و شرکت نفت و غیره میرسد و وقتی شرکت نفت اعتصاب کنند یعنی همه مردم ایران اعتصاب کرده اند. ما شما را ساکت می کنیم که به جاهای دیگر سرایت نکنند." جمهوری اسلامی با این حرکتها ثابت کرده است پاسخ هر اعتصاب و اعتراضی را با گلوله و زندان و اخراج می دهد و آن را حق قانونی خود دانسته و تا کنون سعی نموده به آن مشروعیت دهد. رژیم سرمایه هر تشکل واقعی کارگری را غیر قانونی دانسته و خود را مجاز به سرکوب آن می داند و تنها تشکل های دست ساخته او است که مشروعیت دارند و آنها را در حضور جوامع بین المللی به عنوان تشکلهای واقعی کارگری جا زده و معرفی می نماید.

در بیشتر مراکز صنعتی و غیر صنعتی کارهای سخت و بمراتب دشوارتر به زنان کارگر تحمیل میشود. در بعضی کارخانجات از قبیل تولید دارو، پارس الکتریک، فیلیپس، قوه پارس و..... کارخانجات دیگر که بخش اعظم تولید بشکل زنجیره ای انجام می گیرد در پشت تمام ریلهای تولیدی می توان فشار طاقت فرسایی که بر اکثریت قریب به اتفاق زنان وارد میشود را مشاهده نمود. کارهای تولیدی زنجیره ای بسیار طاقت فرسا است به سرعت باید کار را به بغل دستی داد و از کارگر دیگر بغل دستی کار تحویل گرفت بطوریکه کار نباید پشت دست جمع شود. در این نوع کارها که اکثریت کارگران آن زن می باشند بدون هیچ تنفسی و وقفه ای باید به کار ادامه دهند. بارها شاهد بودم که در جریان کارهای زنجیره ای کارگران برای رفع تشنگی شان بوسیله کارگرانی که به شکل انفرادی کار میکردند کمک میشدند. زنان باردار هم بدون هیچگونه استراحت دقیقاً مانند یک کارگر در حالت معمولی کار میکردند. در بسیاری موارد کارگرانی که کارهای انفرادی انجام میدادند داوطلب میشدند که نیم ساعتی بجای این همکاران زن باردار کار کنند اما با مخالفت سرپرستها روبرو شده و اجازه نمی دادند. بهمین دلیل زنان تا آخرین روزهای زایمان با همان وضعیتشان مجبور بودند کار کنند، و در این رابطه اکثراً دچار زایمانهای سخت و زودرس می شدند.

در زمان بیکار سازیها، زنان کارگر همیشه اولین کسانی بودند که در معرض بیکاری قرار می گرفتند. در مقابله و



## جزوه زنان کارگر



تبعیض جنسیتی در مورد زنان کارگر تنها مختص به جامعه ایران نیست، هر چند این معضل در کشورهای در حال توسعه بمراتب اسفناکتر و شدیدتر است اما در کشورهای توسعه یافته هم با اشکال مختلف موجود است از جمله: دستمزدهای نابرابر در برابر کار برابر مردان و زنان و نقش زنان در رده های پائین اتحادیه ها و متشکل بودن اقلیتی از زنان کارگر در مقایسه با مردان کارگر در اتحادیه های کارگری و محروم بودن آنها از کسب مسئولیت در رده های بالای اتحادیه می توان نام برد. در این اتحادیه ها زنان مسئولیتی در حد رهبریت اتحادیه نمی توانند اتخاذ نمایند. البته ستم جنسیتی حاکم بر زنان چه در کشورهای در حال توسعه و چه در کشورهای توسعه یافته زائده نظام سرمایه داری است و تا زمانیکه جوامع بشری در دنیا تحت سیطره این نظام هستند این ستم بر زنان موجود خواهد بود با نگاهی به جنبش کارگری ایران و بویژه جنبش زنان کارگر و مقایسه آن با دهه های گذشته می توان تفاوت های را دید. اعتراضات کارگران در گذشته به علت اینکه هنوز بخش زیادی از صنایع بزرگ تعطیل نشده و یا به واحدهای کوچکتر تبدیل نشده بودند، کارگران زن و مرد از انسجام و امنیت شغلی بیشتری برخوردار بودند، حتی در فقدان تشکلهای خیلی راحتتر می توانستند سازمان یابند و برای خواسته و مطالباتشان حضور متشکل داشته باشند و بیشتر اوقات هم در کسب مطالبات و خواسته های خود موفق می شدند. با افزایش بیکاری، عمومیت یافتن قراردادهای موقت و گسترش نقش شرکت های پیمانی در کارخانجات، موقعیت شغلی زنان کارگر نیز در بسیاری از کارخانجات و در بیرون از کارخانجات رو به وخامت نهاده است. و آنها با وادار شدن به امضای قراردادهای سفید و یا موقت، از امنیت شغلی برخوردار نیستند. و زنان از مراکز صنعتی بیشتر به حاشیه رانده شده اند و این فعل و انفعالات سبب پراکندگی در صف کارگران زن و مرد شده است. دلیل دیگر اینکه تعدادی زیادی از کارگران فعال نسل گذشته بازنشسته شده اند و کارگران جدید نتوانسته اند جایگزین کارگران قدیمی شوند فعالیت و سنت های سازمان یابی و مبارزاتی را ادامه دهند. از طرف دیگر جو سرکوب شدید، بحران های اقتصادی موجود در جامعه از جمله گرانی، تورم و پائین بودن سطح بشدت دستمزدها آنچنان

شیرخوارگاه و مهد کودک یک معضل مهم بود و بهبودی آن مبارزه دائمی را می طلبید در این حرکت فقط تعداد کمی از مردان شرکت میکردند و این نوع اعتراض را مردان کارگر فقط مختص به زنان کارگر می دانستند. متاسفانه کم رنگ بودن حضور زنان و مردان کارگر در یک صف مشترک طبقاتی هنوز در جنبش کارگری یک معضل مهم و اساسی است. با وجود اینکه زنان کارگر نصف جنبش کارگری را شامل میشوند و بخش بزرگی از جنبش زنان هستند اما به علت تبعیض جنسیتی و مرد سالاری حاکم بر جامعه از نظر اقتصادی و اجتماعی و نوع کاری که دارند و میزان دستمزدی که دریافت می کنند در موقعیت بسیار پائین تر از مردان هستند. زنان کارگر همیشه در اعتراضات و مبارزات نقش مهمی ایفاء نموده اند. پیگیری و از جان گذشتگی آنها در رابطه با مبارزات به عنوان عضوی از خانواده کارگری و همچنین نقش آنها بطور مستقیم در تولید زبازد همگان بوده است، اما هیچوقت نقش مهم آنها به عنوان بخشی از جنبش کارگری بر جسته نشده و سعی شده بیشتر نتیجه مبارزاتشان حاشیه ای شود. البته علت این مسئله را از یک طرف باید در ضعف بزرگی که در جنبش کارگری به علت دیدگاه های ارتجاعی نسبت به مسئله زن موجود است دید، و از سوی دیگر، مذهبی بودن جامعه ایران، و تلاش های بورژوازی سبب شده ستم جنسیت زن تشدید شود. جنبش کارگری ایران بدون تلاش برای پایان دادن به این شکاف جنسیتی نه تنها نخواهد توانست از مبارزاتش موفق بیرون بیاید بلکه با دامن زدن به این تبعیض جنسیتی در مورد هم طبقه ایهای زن خود سبب پراکندگی صف طبقاتی اش شده و خواسته و یا ناخواسته در خدمت اهداف بورژوازی قدم بر خواهد داشت. از طرف دیگر زنان کارگر بارها از نظر تاریخی ثابت نموده اند بدون متشکل شدن و سازمانیابی نخواهند توانست به ستمی که با آن روبرو هستند خاتمه دهند. این خود آنها هستند که باید این رسالت مبارزاتی را بعهده بگیرند و با به میدان آمدن بر علیه تمام تبعیض های جنسیتی و طبقاتی که بر آنها روا داشته میشود به مبارزه بر خیزند و به هم طبقه ایهای مرد خود ثابت نمایند بدون اتحاد طبقاتی در مقابل دشمن تا دندان مسلح نخواهند توانست از منافع خود دفاع نموده و به مبارزه بر خیزند.





## جزوه زنان کارگر



داشتن استقلال اقتصادی راه به جایی نخواهند برد. در شرایط کنونی که بخشی از زنان کارگر یا به کارهای نیمه وقت و حاشیه ای یا در کارگاههای زیر ۱۰ نفر بکار مشغولند و یا بخش زیادی بیکار و از صحنه کارهای اجتماعی به کاربردی خانگی رانده شده اند همه این زنان به متشکل شدن و ایجاد تشکلهای مستقل خود برای مبارزه و احقاق حقوقشان نیاز دارند.



داشتن تشکلهای مستقل در جنبش کارگری بطور عموم و در رابطه با زنان کارگر بطور اخص از جایگاه مهم و کلیدی برای طبقه کارگر برخوردار است. از آنجائیکه که رژیم سرمایه جمهوری اسلامی از هر جمعی وحشت داشته و آن را با وحشیانه ترین شکل سرکوب می نماید، می بینیم متشکل شدن کارگران با چه دشواریهایی روبرو است. بنابراین، برای ایجاد تشکلهای زنان ضمن اینکه می توان از شرایط عینی و زندگی واقعی زنان حرکت کرد برای شروع لازم است از گردهمایی های بطور طبیعی از جمله: از ارتباطات خانوادگی و دوستی بین خانواده های کارگری که بطور روتین در تماس هستند، محافل دوستانه، گلگشتهای دسته جمعی، جمعهای ورزشی، صندوقهای مالی خانوادگی، صندوقهایی در محل کار، کتابخانههای کوچک و محافل مطالعاتی، ایجاد محافلی جهت حمایت به زنان و فرزندانشان که نیاز به کمکهای مالی، آموزشی، بهداشتی، دارند، برگزاری مراکز آموزشی در مورد مسائل و مشکلات مشخص زنان، همه و همه این تجمعه و محافل می توانند زمینه ساز ایجاد تشکلهای زنان کارگر و زحمتکش باشند. این ابتکارات کمک به تشکل سازی ضمن اینکه یک همیاری و نزدیکی طبقاتی را بوجود آورده و تقویت می نماید، سبب اعتماد به نفس بیشتر در بین زنان شده و آنان را و میدارد به نیرو و تواناییهای خود بیشتر باور داشته باشند. در این راستا است که زنان کارگر می توانند با هرچه فشرده تر شدن صفوف خود و مبارزه تنگاتنگ در کنار هم طبقه ایهای مرد کارگرشان برای امر رهایی طبقه کارگر قدم بردارند. این امر تشکل سازی وظیفه خطیری را جلوروی آن دسته از فعالین کارگری و زنان فعال سوسیالیست می گذارد، که در چگونگی متشکل شدن، امر آگاهگری و تبلیغ و ترویج و ارتقاء سطح مبارزاتی زنان کارگر و جنبش زنان، با استفاده از

وضعیت فلاکتباری را برای طبقه کارگر ایران ایجاد نموده، با وجود اینکه اعتراضات و اعتصابات در سطح وسیعی وجود دارد، اما هنوز کارگران با عدم تشکل و سازماندهی روبرو هستند و به علت پراکنده بودن این اعتصابات و اعتراضات و عدم ارتباط آنها با هم، راه بجایی نمی برند. سوء استفاده از وضعیت بد زنان کارگر و تحمیل شرایط غیرانسانی به آنان نه فقط از طرف کارفرما بلکه از طرف رژیم زن ستیز با سیاست های تبعیض جنسیتی و تحمیل قوانین ضد زن مدام تشدید می گردد از آوردن لوایح تبعیض آمیز گرفته تا تغییر در قانون کار در رابطه با کاهش ساعات کار زنان در صنایع و مراکز کاری به مجلس گرفته تا استخدام آنها در مراکز بزرگ صنعتی. زنان کارگر به خوبی می دانند که تغییر در قانون کار نه در جهت حمایت از آنان و بطور کلی حمایت از کارگران بلکه در جهت سیاست های رژیم زن ستیز حامی سرمایه داران است و به همین دلیل مانند همه کارگران مخالف تغییر قانون کار هستند. این سیاست تبعیض جنسیتی در کنار دیگر سیاست های واپسگرانه و ضد زن که زنان را شهروندانی درجه دوم محسوب و فقر و ناهنجاری های اجتماعی را بر زنان تحمیل نموده، قبل از همه زنان کارگر و زحمتکش را هدف قرار داده است. به همین دلیل زنان کارگر و زحمتکش از جمله معلمان و پرستاران کشورمان، هم علیه تبعیض جنسیتی، به عنوان بخشی از جنبش زنان برای رفع ستم جنسی و هم به عنوان متحدین طبقه کارگر علیه سیاست های اقتصادی رژیم ارتجاعی اسلامی مبارزه می کنند.

زنان کارگر در ایران برای رفع ستم جنسیتی و طبقاتی خود تنها نمی توانند برای حق انتخاب شغل و دستمزد برابر، حق آموزش برابر با مردان اکتفا نمایند اگرچه رسیدن به این



## جزوه زنان کارگر



با من صحبت میکرد. یک شب گفت که آقای یوسف اردبیلی بلند شده لنگان لنگان کاری پیدا نکرده آمده آبادان با ماهی هشت تومان کار می کند، ولی در ایران که هنوز حجاب است شما چطور توانستید این تشکیلات را بوجود بیاورید، من از این تعجب می کنم که تو چطوری میان آنها رفتی ای و نگفتند نامحرم است، نگفتند این کیست و از کجا آمده؟

ما در میان کارگران و عائله کارگر نفوذ پیدا میکردیم. منتها در میان آنها بعضیها هشیار بودند و جنبه این کار را اصلا داشتند. خودشان استقبال میکردند. می دیدند که منافع شوهر و همسرشان در این است که در این اتحادیه باشد و خواهان این اتحادیه باشد. جلب میشدند. یکی از آنها به نام زهرا که اگر اشتباه نکنم همسر صادق یا مصدق نام بود. درست نظرم نیست ولی زهرا هرگز فراموشم نمی شود یک زنی از اهالی لرستان و واقعا زن مبارزی بود. زهرا به خانواده ها و حوزه ها، یعنی حوزه های خانوادگی سرکشی میکرد چون حوزه جداگانه ای از زنها نداشتیم، دستوراتش را از ما میگرفت و به آنها میداد. ضمناً همانطور که گفتیم یک کلاس محرمانه سیاسی داشتیم که همانجا اگر کسانی سواد فارسی کم داشتند فارسی درس می دادیم و من خودم یک اطلاعات سیاسی و سندیکایی به آنها می دادم. بنابراین یک عده ای را به سطح کادر و نیمه کادری رسانده بودیم و یکی از آن کادرها هم زهرا بود

زهرا از زنهای مبارز لرستان بود و موقع اعتصاب هم اولین کسی که جلوی شرکت نفت برای کارگران نطق کرد و گفت دستور اعتصاب صادر شده بود. گویا چیزی گفته بود و زیاد هم مؤثر واقع شد آن بود در صورتی که زن مبارزه می کند، مرد نمی تواند مبارزه نکند. وقتی که ما را اسیر کردند و به اهواز آوردند، زهرا هم آمد. البته زندانی نبود. زهرا آمد و رفت پیش مختاری و گفت من می خواهم یوسف را ببینم. گفت یوسف چکاره تو است؟ گفت برادر من است. رکن الدین مختاری گفت تو لری و اون ترک است تو چه طوری خواهر اوشدی؟ گفت ما از آن لرها و ترکها هستیم که با هم خواهر و برادریم. من حتماً باید خودم یوسف را ببینم. آمد. پلیس هم وسط ما ایستاد. زهرا گفت برو کنار. چنان حکم کرد که پاسبان اطاعت کرد و دور شد. گفت من با برادرم صحبت می کنم. گفت از خارج خواستند پولی به ما برسانند من قبول نکردم. گفتیم ما هنوز طلا داریم می

امکانات موجود و ابزارهای مختلف مبارزاتی، در جهت ایجاد تشکل های زنان زحمتکش، اقدام نمایند. پیشبرد امر مهم ایجاد تشکل های زنان کارگر و زحمتکش، مستلزم ارتباط دائم با زنان طبقه امان، شناخت مشکلات و خواسته های واقعی آنان و متشکل شدن حول این خواسته ها می باشد. چنین تشکل هایی نه همچون تشکل های فرمایشی وابسته به گرایشات رفرمیستی، لیبرالی که بورژوازی از بالای سر کارگران برای مهار کردن آنها ایجاد می نماید، بلکه می توانند تشکل هایی هرچند کوچک و محدود اما واقعی و از پائین و به اتکاء خود توده های کارگر و زحمتکش باشند.

زنان کارگر از نظر مبارزاتی در طول تاریخ جنبش کارگری جهانی و بویژه جنبش کارگری ایران همیشه از نقش ویژه ای برخوردار بوده اند، اما از نظر تاریخ نویسی یا بخشاً تحریف یا به فراموشی سپرده شده است. بنظر من زنده نمودن این تجارب ارزنده بخصوص در رابطه با جنبش کارگری ایران در دوره های مختلف می تواند به ارتقاء و رشد مبارزاتی جنبش کارگری و بخصوص جنبش کارگری زنان کمک شایای بنماید. من دو مطلب نسبتاً کوتاهی به این نوشته اضافه نموده ام **یکی بر گرفته از کتاب "یوسف افتخاری" و دومی از نشریه پیام سندیکا شماره 37** که نقش برجسته مبارزه زنان کارگر را در آن دوره نشان می دهد. به این امید که استفاده از هر کدام از این مبارزات طبقاتی و تجارب ارزنده بتواند در زندگی مبارزاتی ما زنان کارگر و طبقه امان موثر واقع شود.

### برگرفته: از کتاب یوسف افتخاری

«جا دارد از نقش زنان هم در این مبارزات صحبت شود. ما وقتی که شروع به سازماندهی کردیم، هر فردی از کارگران را که جمع میکردیم به مرور به خانواده اش هم نفوذ میکردیم و اولین اتحادی که از طریق این فرد بوجود می آمد، با همسر یا دختر او بود. بنابراین در یک خانواده ای که ما عضو داشتیم، عائله اش هم تقریباً عضو اتحادیه محسوب میشدند. منتها مردان حوزه های مرتبی داشتند ولی زنان حوزه های مرتبی نداشتند. می ترسیدیم آنها گیر بیفتند. به همین حوزه های خانوادگی اکتفا میشد مگر اینکه لازم میشد به زنان ماموریت بدهیم، وقتی که در شهربانی زندانی بودم بعضی شبها که مختاری کار نداشت مرا صدا میکرد و



اینکار از ابتکارات و پیشنهادهای خانم گیلک پور بود. سندیکا در فعالیت بود تا یک به یک قانون کار را در کارخانه برقرار کند برقراری قوانین انسانی به مذاق رئیس کارخانه و مسئولین وزارت کار خوش نیامد در نتیجه با موافقت و تحریک کارخانه به نام کورس اخوان توطئه حمله به سندیکا و اخراج فعالین سندیکایی به مرحله اجراء گذاشته شد.

صبح 21 / 7 / 1331 زمانیکه کارگران به کارخانه وارد شدند، دو دستگاه کامیون مملو از پاسبان را کنار در ورودی کارخانه متوقف دیدند. زمان کوتاهی از شروع کار نگذشته بود که عده ای چماق دار از داخل کارخانه و پاسبان های خارج کارخانه با دستور و همکاری رئیس کارخانه به منظور سرکوب و نابودی موفقیت سندیکایی آنان با به کارگیری باتوم و پرتاب گاز اشک آور به کارگران حمله نموده به ضرب و جرح کارگران مشغول شدند. که با حمله متقابل کارگران و زرد و خورد خونین با آنها، پاسبانها و مهاجمین را از کارخانه خارج کردند و با بستن در کارخانه مانع ورود مجدد آنان گردیدند.

با تعطیل کردن کارخانه و اجتماع مقابل دفتر، کارگران ضمن اعتراض به این حمله ناجوانمردانه تصمیم گرفته شد تا کسب نتیجه و بررسی این یورش وحشیانه، در محل کارخانه متحصن بشوند. ناگفته نماند که در این یورش و دفاع عده زیادی از کارگران مصدوم و مجروح شدند. از جمله کارگر مبارز علی منافی در اثر ضربه چماق یکی از اوباشان به نام غلام توکلی که به سرش وارد آمد چند روز بعد در بیمارستان فیروز آبادی فوت کرد و پیکرش توسط پلیس به یغما رفت و به خانواده اش تحویل داده نشد. یک نفر دیگر یک چشمش کور شد یک نفر هم در اثر ضربه چاقوی یکی از اوباشان به کف دستش یکی از انگشتانش از کار افتاد.

یکی از کارمندان حسابداری به نام شایان در اثر ضربه چماق به سرش مدتی بستری و تحت معالجه بود. پاسبانها در این یورش با شکست مواجه شده و از کارخانه بیرون رانده شده بودند. نیروی ضد کارگری وقت با موافقت صاحب خون آشام کارخانه از نیروی ارتش کمک گرفت و در نتیجه روز بعد یک فوج سرباز به فرماندهی ستوان عزت دفتری با بکار گیری تفنگ و سر نیزه قسمتی از کارخانه را اشغال و مستقر گردیدند. مذاکرات افسر نامبرده با مسئولین سندیکا در جهت

فروشیم می دهیم تا رفقای ما در زندان مصرف کنند. من بسیار خوشحال شدم و گرفتم دستش را بوسیدم گفتم خوب کاری کردی، مهم این است آدم از کسی چیزی نگیرد و مدیون کسی نشود. پول از خودمان داشته باشیم. گرسنه می مانیم و نیاز و احتیاجی هم نداریم. بنابراین زهرا از لحاظ عقیده و از لحاظ اخلاق به تمام معنی یک زنی بود که میشد قهرمان نامید. منتها عیب کار در این است که در ایران اغلب زنها بی سواد و کم سوادند و تحصیل نمی کنند بعدها شنیدم که زهرا پس از اعتصاب روزنامه حبل المتین چاپ کلکته خوب از کارگران دفاع کرد. حمله کرد به دولت. “

## نمونه ایی از مبارزات کارگری مهری گیلک پور فعال سندیکایی:

### برگرفته از: نشریه پیام سندیکا شماره 37

این مطلب از مبارزه سندیکایی زنان کارگر در نشریه پیام سندیکا شماره 37 توجه ام را بخود جلب نمود بویژه که خانم مهری گیلک پور در تشکیل سندیکای کارگران کارخانه چیت سازی ری نقش بارز و پیشرویی داشته است، لازم دانستم که در این بولتن مبارزات ارزنده ایشان تحت یک زن کارگر مبارز در حدود 6 دهه پیش را عنوان نمایم، چه بسا تجارب مبارزاتی او و همزمانشان و اهمیتی که در امر متشکل شدن قائل بوده اند بتواند در اختیار طبقه کارگر ایران و بخصوص زنان کارگر قرار گیرد

در سال 1331 در کارخانه چیت سازی مهری گیلک پور متصدی و سرپرست آزمایشگاه کارخانه بود. در اعتصاب یک روزه ای که منجر به تشکیل سندیکای کارگران کارخانه چیت سازی ری گردید نامبرده از فعالین اعتصاب بود. خانم مهری گیلک پور و آقای اکبر نعمتی که مدیر داخلی کارخانه بود و چند نفر دیگر که اسامی آنها را فراموش کرده ام به عضویت هیات مدیره سندیکای کارگران کارخانه انتخاب شدند.

سندیکای کارخانه چیت سازی ری از فردای آن روز ساعت کار 10 ساعته را به 8 ساعت تقلیل داد و برای اولین بار در تاریخ جنبش کارگری برای خانمهای کارگری مهدکودک و شیرخوارگاه ترتیب دادند.



## جزوه زنان کارگر



کارخانه چیت سازی ری. اضافه می گردد چون درب ورودی کارخانه در اشغال نظامی ها بود در طول سه شب و سه روز تحصن کارگران کارخانه، توسط کارگران کوره پزخانه ها بقیچه های نان از پشت دیوار کارخانه به داخل پرتاب میشد.

### نتیجه گیری:

رهائی زنان کارگر همچون رهائی همه انسانها تنها و با به ثمر رساندن خواسته های اقتصادی-سیاسی و اجتماعی آنان امکانپذیر است و این زمانی متحقق خواهد شد که ساختار اقتصادی سرمایه دستخوش تغییر و تحولات گردد. امکان این امر مهم در گرو پیشروی هر چه بیشتر جنبش کارگری و مبارزه فعالین سوسیالیستی در جهت تقویت گرایش و جنبش سوسیالیستی است. تنها در جامعه سوسیالیستی است که زنان و مردان کارگران به حقوق کامل خود خواهند رسید.

جون 2015

**گام مهم برای سازماندهی کارگری  
ایجاد تشکلهای کارگری در کارخانه  
ها، کارگاهها و محلات کارگری است!**

### جمع بندی:

با توجه به تاریخچه مبارزاتی کارگران جهان و ایران تا آنجا که به جنبش کارگری و جنبش زنان کارگر ایران بر میگردد می توان به این جمع بندی رسید، که مهم ترین آنها عبارتند از:

۱ - درصد بالایی از زنان شاغل در ایران (حدود ۷۰ درصد) را زنان کارگر تشکیل می دهند.

درمجموع بین وضعیت زنان کارگر نسبت به مردان کارگر به علت ستم جنسیتی تفاوت های از قبیل نابرابری در نوع کار و دستمزدهای پائین و ادیت و آزار و فشار کاری که در محیط کار توسط کارفرماها بر آنها تحمیل میشود موجود است.

ترک و خاتمه دادن به تحصن به جایی نرسید. در نتیجه بعدازظهر روز 1331/23/7 حمله به کارگران آغاز و پس از مدتی زد و خورد و اجرای تیر اندازی هوایی و مضرروب شدن عده ای، کارخانه به تصرف سربازان در آمد. ناگفته نماند که در این حادثه عده ای از کارگران دستگیر شدند.

مردان دستگیر شده به زندان قصر و زنان دستگیر شده به زندان زنان منتقل شدند. آن زمان زندان زنان در خیابان آمل چهار راه طالقانی فعلی داخل یک خانه مسکونی که به صورت زندان درآمده بود قرار داشت.

چون اطلاع یافتیم خانم مهری گیلک پور دستگیر شده چند روز بنا به تصمیم هیات مدیره سندیکا جهت اطلاع از حال ایشان و آگاهی از اینکه چند نفر از بانوان دستگیر شده اند تحت عنوان فامیل ایشان به ملاقاتش رفتیم. آن زمان ملاقات زندانی سیاسی به هیچ وجه سخت نبود. نه شناسنامه ای می خواستند و نه سؤال و جوابی، خیلی راحت میشد روزهای ملاقاتی به دیدار زندانی سیاسی رفت در روز ملاقات مشاهده شد که خانم گیلک پور که در اثر ضربات ته تفنگ آسیب مختصری به او وارد شده و معلوم شد که خانمی به نام مریم خانم هم دستگیر و زندانی است. بعد از خلاصی از زندان دیگر از ایشان اطلاعی ندارم.

بعد از گشایش کارخانه حدود 50 نفر از کارگران اخراج و از ورود آنان به کارخانه جلوگیری به عمل آمد. تلاش کارگران اخراجی با مراجعه به استانداری، نخست وزیری و وزارت کار، جهت برگشت به کار به جایی نرسید. بطوریکه وزیر کار هم از پذیرفتن نمایندگان کارگران خوداری می کرد. معاون او هم همان شاپور بختیار ملی نما، کسی که در سال 1357 نخست وزیر بی اختیار شد، فقط یک بار نماینده کارگران اخراجی را با بی میلی به حضور پذیرفت و با دادن یک قول دروغی آنان را از سر خود باز کرد و از پذیرفتن مجدد نماینده کارگران خوداری کرد و دستور داد که دیگر آنان را به وزارت کار راه ندهند. ضمن چندی بعد که آقای سیاوش اسکندری شوهر خانم گیلک پور را دیدم، پس از اینکه حال خانم گیلک پور را پرسیدم، گفت متارکه کردیم.

این مختصری بود از خاطرات به یاد مانده از فعالیت سندیکایی خانم مهری گیلک پور و برپایی سندیکای کارگران



--اغلب زنان کارگر در کارگاههای کوچک و بخش خدماتی مشغول به کار هستند و به دلیل شرایط و محیط کاری، به شدت مورد استثمار قرار گرفته و حتی بسیاری از بندهای قانون ارتجاعی قانون کار هم در مورد آنها اجراء نمیشود. دستمزد بسیار پایین، ساعات کار بالا، نداشتن بیمه و عدم رعایت حقوق مختص زنان از جمله مرخصی زایمان و یا مهد کودک، از جمله معضلات زنان کارگر می باشد.

—زنان کارگر شاغل در کارخانجات و یا کارگاههای بزرگ اگرچه نسبت به زنان کارگر در کارگاههای کوچک و یا بخش خدماتی موقعیت بهتری دارند، اما در سالیان اخیر و همگام با افزایش بیکاری، عمومیت یافتن قراردادهای موقت و گسترش نقش شرکت های پیمانی تامین نیروی کار در کارخانجات، موقعیت شغلی زنان کارگر نیز در بسیاری از کارخانجات رو به وخامت نهاده و عموماً با وادار شدن به امضای قراردادهای سفید و یا موقت، از امنیت شغلی برخوردار نیستند. حتا دستمزد و ساعات کار نیز در این گونه موارد رعایت نمی شود.

—بیکاری در میان زنان، بیشتر از مردان بوده و می توان گفت که به ازای هر زن شاغل، ۱۰ زن بیکار وجود دارد که به دلایل متعددی از جمله نبود کار، کارهای خانگی و پایین بودن دستمزد از کار بازمانده اند. به گزارش ۲ اردیبهشت ماه، در حال حاضر نرخ بیکاری زنان دو برابر مردان است و زنان در بخش های غیررسمی مشغول بکارند که بیشتر این اشتغال در بخش صنایع کوچک، بخش خدماتی و کارهای کاذب و حاشیه ای است. ۸۱ درصد بیمه شدگان را مردان و ۱۹ درصد را زنان تشکیل می دهند.



## جزوه زنان کارگر



— تبعیض جنسیتی و وضعیت بسیار بد اشتغال زنان، نتایج اجتماعی مخربی را به همراه دارد که از جمله می‌توان در افزایش اعتیاد، خودکشی، بیماری‌های روانی و تن‌فروشی در میان زنان را مشاهده کرد.

— در ایران در کنار مشکلات اقتصادی و بحرانهای موجود حاکم، به علت نهادینه شدن مذهب در قوانین جاری و فرهنگ حاکم می‌توان به عنوان مهم‌ترین موانع ورود زنان به بازار کار نام برد.

— زنان ایران از نظر پائین بودن سطح اشتغال در رده دومین کشور جهان می‌باشد و از نظر میزان دستمزدهای نازل و دیگر قوانین ارتجاعی حاکم بر محیط کار باز هم در رده‌ی بدترین کشورهای جهان محسوب میشوند.

— زنان ایران از نظر پائین بودن سطح اشتغال در رده دومین کشور جهان می‌باشد و از نظر میزان دستمزدهای نازل و دیگر قوانین ارتجاعی حاکم بر محیط کار باز هم در رده‌ی بدترین کشورهای جهان محسوب میشوند.

— تبعیض جنسیتی بر زنان در ایران از دیگر عواملی است که وضعیت وخیم زنان در محیط کار و موانع ورودشان به بازار کار را رقم می‌زند.

— به علت عدم ایمنی محیط کار بیماری‌ها و حوادث ناشی از کار تأثیرات مخربی بر سلامتی زنان گذاشته، بطوریکه در آمارهای رسمی عموماً نادیده گرفته میشود. سوءاستفاده جنسی از زنان و تأثیرات روانی معطل جدی دیگری است که عواقب آن سبب بازماندن زنان از بازار کار میشود. همچنین با وجود کاهش تعداد زنان کارگر در چند سال اخیر، ما هنوز شاهد افزایش حوادث ناشی از کار در مورد زنان کارگر در آمارهای رسمی هستیم .



## جزوه زنان کارگر



نداشتن تشکل یکی از موانع مهم زنان برای مبارزه با تبعیض جنسیتی و بهبود شرایط کاری از جمله دستمزد، ساعات کار، حق بیمه، امنیت شغلی و مانند آن‌ها می‌باشد. از آنجایی که زنان کارگر عمدتاً در کارگاه‌های کوچک و کارهای خدماتی مشغول به کار هستند، متشکل شدن آنها با مشکلات جدی روبرو است. در فقدان متشکل نبودن ناچارانند به هر شرایط بد کاری و استعمار شدید، عدم پرداخت بموقع دستمزدهایشان تن در دهند.

موقعیت اسفناک کاری زنان کارگر در مراکز کاری بویژه در کارگاه‌های کوچک و فقدان تشکلهایشان آن‌ها را در وضعیتی تدافعی قرار داده است. همین امر باعث شده که آنها از نظر مبارزاتی و اعتراضات و اعتصابات از تحرکات چشمگیری برخوردار نباشند.

کارگران مرد نه تنها نفعی در تضییع حقوق کارگران زن توسط کارفرمایان ندارند، بلکه سوء استفاده کارفرمایان از موقعیت کارگران زن به ضرر تمامی کارگران می‌باشد و هدف خدشه دار نمودن صف طبقاتی کارگران مرد و زن می‌باشد. کارگران مرد و زن دارای یک منفعت طبقاتی مشترک هستند و تفرقه بین آن‌ها نه تنها سبب می‌شود آنها در وضعیت بدتری قرار گیرند بلکه در مجموع به نفع بورژوازی است.

از میان زنان شاغل و در سال‌های اخیر معلمان (حق تدریسی) و پرستاران تحرکات بیشتری برای کسب حقوق خود نشان داده‌اند. همچنین زنان کارگر در کارخانجات بزرگ از قدرت مبارزاتی و تشکلیابی بیشتری نسبت به سایر زنان کارگری که در کارگاه‌های کوچک کار می‌کنند برخوردار هستند. در این جا باید این نکته را نیز یادآوری کرد که کارگاه‌ها و کارخانجاتی وجود دارند که عموم و یا اغلب کارگران آن زن هستند. در برخی از این کارخانجات، برخی از زنان کارگر حتی دارای تحصیلات دانشگاهی هستند و از این جهت آمادگی آن‌ها برای کسب آگاهی، بیشتر از سایر کارگران می‌باشد. بازماندن دختران و زنان تحصیل کرده از بازار کار از سویی و نیاز مالی شدید به کار از سوی دیگر، باعث شده است تا این دختران جوان و زنان به کارهایی روی آورند که ربطی به تحصیلات آن‌ها ندارد.



## جزوه زنان کارگرد



<http://jahannews.com/vdchiinxw>  
[www.tabnak.ir](http://www.tabnak.ir)  
[www.humanrights-iran.ir](http://www.humanrights-iran.ir)  
[www.accpress.com](http://www.accpress.com)  
[pecritique.com](http://pecritique.com)  
[www.simayesocialism.com](http://www.simayesocialism.com)  
[rc.majlis.ir](http://rc.majlis.ir)  
[www.persian.rfi.fr](http://www.persian.rfi.fr)  
[www.khabaronline.ir](http://www.khabaronline.ir)

منبع بیشتر اطلاعات و آمارهایی که در این نوشتار به آنها اشاره شده به فصل-های ششم و نهم کتاب "مبارزه طبقاتی و آزادی زن" اثر تونی کلیف مربوط است.

Class Struggle and Women's Liberation – Tony Cliff

- "فمینیست-های بلشویک: زندگی الکساندرا کولنتای"، جی. ای. کلمنتس، 1979

- "درباره رهایی زنان"، لنین، 1977، انگلیسی، صفحه 72 - "ژنوتل و حزب بلشویک"، منتشر شده در مجموعه ای

به نام تاریخ روسیه، 1976، انگلیسی، صفحه 156 احمد اشرف نیز در کتاب "موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران:

- کتاب "تاریخ اقتصادی ایران"، چارلز عیسوی



## منابع:

<http://www.aflcio.org/About/Our-History/Key-Events-in-Labor-History/First-Union-of-Working-Women>  
<http://www.aft.org/yourwork/tools4teachers/women/labor.cfm>  
<http://www.massafclcio.org/1844-new-england-workingmen%2526%2523039%3Bs-association,lowell-female-labor-reform-association-founded>

Foner, Philip S. (editor), *The Factory Girls*. University of Illinois Press, 1977. Howe, Daniel Walker, *What Hath God Wrought: The Transformation of America, 1815-1845*. Oxford University Press, 2009. Eisler, Benita, *The Lowell Offering: Writings by New England Mill Women, 1840-1845*. J.B. Lippincott, 1977. Dublin, Thomas, "The Lowell Mills and the Countryside: The Social Origins of Women Factory Workers, 1830-1850," in Weible, Robert; Ford, Oliver; and Marion, Paul (editors), *Essays from the Lowell Conference on Industrial History, 1980 and 1981*. Lowell Conference on Industrial History, 1981.

<https://www.youtube.com/watch?v=5xqpkZUMR54>

The American Federation of Labor-Congress of Industrial Organizations (AFL-CIO) works every day to improve the lives of people who work.

The AFL-CIO, created in 1955 by the merger of the AFL and the CIO, is a democratic, voluntary federation of 56 [national and international labor unions](#) that represent 12.5 million working people.



قطعنامه بروکسل از نظر اعلام اصل، عالی است – اما در باره انجام عملی آن چه باید گفت؟ زنان چگونه باید به حقوقمدنی و سیاسی ای که این قطعنامه طلب می کند دست می یابند؟ زیرا تا هنگامی که آنچه را باید کرد با متانت و واقع بینی بررسی نکنیم خواست های تئوریک حاصلی در باره آنچه باید باشد به بار نمی آورند. کافی نیست به مبارزه طبقاتی اشاره کنیم. کارگران همچنین لازم است یاد بگیرند چه سلاح هایی را باید به کار برد و چگونه آنها را به کار برد؛ به چه مواضعی باید حمله کرد و چه دستاوردهایی را باید حفظ نمود. بدین علت است که کارگران اکنون می آموزند چه زمان و در کجا به اعتصاب و تحریم روی آورند، چگونه به قوانین حفاظتی برای کارگران دست یابند. چه کار کنند که قوانینی که در این زمینه ها قبلاً به تصویب رسیده به صورت الفاظ مرده باقی نمانند. پس ما زنان اکنون چه باید بکنیم؟ ما سازمان خواهیم یافت – سازمان نه همچون زن بلکه به مثابه پرولتر، نه همچون رقیبان ماده مردان کارگر بلکه به مثابه رفقای آنان در مبارزه.

جدی ترین مسأله این است: چگونه باید سازمان یابیم؟ از نظر من اکنون ما باید همچن فعالان اتحادیه ای خود را سازمان دهیم و نیروی متحد خود را برای دستیابی به هدف نهائی یعنی آزادی طبقه خود به کار بریم. کار آسانی نخواهد بود. در واقع وضعیت کار زنان طوری است که غالباً پیشروی به نحو جان فرسائی دشوار است. اما کار روز به روز آسان تر خواهد شد، و به نسبتی که زنان و به ویژه مردان بیاموزند که چه قدرتی در اتحاد همه کارگران نهفته است این امر آسان تر جلوه خواهد کرد.

(اله نور ادامه می دهد) زنان کارگر اتریشی نشان می دهند به چه علت راه سازمان یابی را می دانند، اما آنها می توانند از آنچه خواهرانشان در کشورهای دیگر انجام می دهند بیاموزند. او در یک رشته از مقالات که وضع اتحادیه های زنان در انگلستان را گزارش می دهد سه نتیجه زیر را می گیرد:

1. هر جا که زنان سازمان می یابند، وضعیت آنان بهتر می شود – یعنی مزدها بالا می روند، ساعات کار کاهش می یابند، شرایط کار بهبود پیدا می کند.
2. هنگامی که زنان سازمان یابند و مزد آنان همچون مزد واقعی کارگران و نه مکمل ناچیز درآمد خانواده، تلقی شود، این امر دست کم به همان اندازه به نفع مردان خواهد بود که به نفع زنان.
3. جز در برخی رشته های کاملاً ویژه، ضروری است که زنان و مردان کارگر، به خصوص کارگران غیر ماهر، عضو اتحادیه های واحد باشند همان گونه که عضو حزب واحد کارگرانند.



ترجمه: سهراب شباهنگ

## سازمان یابی زنان کارگر اله نور مارکس

اله نور مارکس (۱۸۹۲)  
برگرفته از: زنان  
مارکسیست در مقابل فمینیسم  
بورژوائی  
نوشته: هال درپیر و آن  
لیپوو

**توضیح: این بخشی از نوشته سازمان یابی زنان کارگر اله نور مارکس می باشد که برای بخش آخر این جزوه در نظر گرفته شده است.**

در تاریخ ۵ فوریه ۱۸۹۲، اله نور مارکس دست به نوشتن چهار مقاله زد که آغاز آن طرح این مسأله بود که زنان چگونه باید خود را سازمان دهند و سپس در باره سازمان یابی زنان کارگر انگلستان در اتحادیه های کارگری گزارش داد.

چهار صد نماینده کنگره انترناسیونال سوسیالیستی بروکسل [۱۸۹۱] در آخرین نشست خود قطعنامه زیر را تصویب کردند:

«ما احزاب سوسیالیست همه کشورهای را فرا می خوانیم تا در برنامه های خود مبارزات برای برابری کامل هر دو جنس و این خواست را که زنان پیش از هر چیز باید از حقوق برابر با مردان در حوزه های مدنی و سیاسی برخوردار باشند به نحو دقیق و مشخصی بیان کنند.»

این قطعنامه و این موضع در مورد رأی گیری عمومی به ویژه از آن رو معنی بیشتری کسب کرد که در نخستین نشست کنگره صریحاً اعلام شد کنگره سوسیالیستی کارگران کاری با طرفداران حقوق زن ندارد. همان گونه که کنگره در مسأله جنگ بر اختلاف بین مجمع معمولی بورژوائی صلح که در جایی که صلحی وجود ندارد فریاد «صلح، صلح» سر می دهد و حزب صلح اقتصادی، حزب سوسیالیست که خواهان محو علل جنگ است، تأکید می ورزد، به همین طریق در مورد «مسأله زنان» نیز به روشنی بر تفاوت بین «طرفداران حقوق زنان» که هیچ مبارزه طبقاتی را به رسمیت نمی شناسند و تنها مبارزه بین دو جنس را می پذیرند، که خود به طبقات دارا تعلق دارند و حقوقی را طلب می کنند که بیانگر بی عدالتی نسبت به خواهران کارگرشان است از یک طرف، و حزب واقعی زنان، حزب سوسیالیست، که درکی بنیادی از علل اقتصادی موقعیت نابسامان زنان کارگر دارد و از آنان دعوت می کند دست در دست مردان هم طبقه خود به مبارزه با دشمن مشترک، یعنی مردان و زنان سرمایه دار

